



پژوهشنامه جغرافیا و نظام های فضایی

پژوهشنامه جغرافیا و نظام های فضایی یک نشریه علمی- پژوهشی است که دستاوردهای تحقیقاتی محققان، پژوهشگران، اساتید و دانشجویان محترم در حوزه علوم جغرافیایی، شهرسازی و معماری را به چاپ می‌رساند. این نشریه پژوهش‌ها و تحقیقات علمی را تمام متن به فارسی با چکیده انگلیسی پذیرش و انتشار می‌دهد. نشریه جغرافیا و نظام های فضایی دارای پروانه انتشار ۸۷۲۸۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۳۰ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد. به اطلاع کاربران گرامی می‌رساند مجله علمی پژوهشی جغرافیا و نظام های فضایی با احترام به قوانین اخلاق در نشریات تابع قوانین کمیته بین‌المللی اخلاق نشر (COPE) می‌باشد و از آیین نامه آن پیروی می‌نماید. این نشریه مقاله‌های مرتبط با تمامی گرایش‌های مختلف علوم جغرافیایی و رشته‌های مرتبط با این علم که کاربردی و توسعه‌ای باشد را چاپ خواهد نمود.

زمنه انتشار:	علوم جغرافیایی
دوره:	سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹
ناشر:	مؤسسه انتشاراتی ویان
مدیر مسئول:	سلیمان زینالی
سر دبیر:	دکتر حسین حاتمی نژاد
امور اجرایی:	مصطفی هراثینی
کارشناس نشریه:	مرضیه حضرتی
ویراستار انگلیسی:	یاسمن حاتمی نژاد
شمارگان و قیمت:	۲۲۰ نسخه، ۵۹۰۰۰ تومان

اعضای هیأت تحریریه:



- دکتر کرامت اله زبیری: عضو هیأت علمی دانشگاه تهران
- دکتر احمد پوراحمد: عضو هیأت علمی دانشگاه تهران
- دکتر ابوالفضل مشکینی: عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس
- دکتر جملیه توکلی نیا: عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر حسین حاتمی نژاد: عضو هیأت علمی دانشگاه تهران
- دکتر زهره فنی: عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر عیسی ابراهیم زاده: عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر جعفر میرکتولی: عضو هیأت علمی دانشگاه گلستان
- دکتر محمد سلیمانی مهرنجانی: عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی
- دکتر محمدرحیم رهنما: عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

آدرس: تهران - میدان انقلاب اسلامی - کوچه آبرو - پلاک ۲ - طبقه ۳ - واحد ۴۳ ایمیل نشریه:

تارنمای فصلنامه: JGSS.IR

journaljgss@gmail.com

تحلیل الگوهای فضایی - زمانی جرم سرقت در شهر سمنان^۱

اسماعیل نجفی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

کرامت‌اله زیاری^۲ - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

علیرضا دربان آستانه - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۲

چکیده

امروزه یکی از مهم‌ترین معضلات در اکثر شهرهای جهان افزایش نرخ بزهکاری است. با گذشت زمان جرم‌شناسان متوجه شدند که مکان‌های خاصی بر میزان وقوع جرم تأثیرگذار می‌باشند. به همین دلیل طی سال‌های اخیر پژوهش پیرامون رابطه متقابل محیط کالبدی شهرها با بزهکاری اهمیت زیادی یافته است. یکی از مهم‌ترین انواع جرایم، مسئله سرقت است. سرقت به انواع متفاوت در سطح جامعه وجود دارد. در پژوهش حاضر از سامانه اطلاعات جغرافیایی و همچنین نرم‌افزارهای Excel و SPSS به منظور تحلیل‌های فضایی - مکانی و همچنین زمانی استفاده شده است. در این پژوهش جرایم ارتكابی مرتبط با سرقت در دوره زمانی یکساله در محدوده قانونی شهر سمنان به عنوان جامعه آماری مورد مطالعه قرار گرفته است. سپس با تهیه پایگاه داده‌ای جرایم سرقت و استفاده از آزمون‌های آماری و گرافیکی اقدام به شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز شهر سمنان شد. روش تحقیق پژوهش، تحلیلی و توصیفی و داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پژوهش با دو روش کتابخانه‌ای و میدانی تهیه شده است. نتیجه پژوهش نشان داد که الگوهای پراکنش فضایی محل وقوع جرایم سرقت به صورت خوشه‌ای بوده و بیشتر جرایم ارتكابی در محدوده خیابان امام (ره) از میدان امام تا چهارراه مازندران و همچنین بازار سمنان در مرکز شهر رخ داده است. استفاده از تحلیل لکه‌های داغ نشان داد که اکثر جرایم سرقت در محدوده داخلی مرکز قدیمی شهر به وقوع پیوسته و این محله‌ها که به صورت نقاط داغ مشخص شده‌اند را می‌توان کانون‌های اصلی جرم سرقت شهر سمنان نامید؛ همچنین از نظر خودهمبستگی فضایی، محله‌ها با میزان بالای جرم خیزی به طور معنی‌داری در خوشه‌های مجاور هم متمرکز شده‌اند از نظر زمانی نیز مشخص شد، بیشترین میزان سرقت در شهر سمنان در طی ماه‌ها و هفته‌های سال در طی ساعات اداری تمرکز یافته است و پیک زمانی وقوع سرقت در شهر سمنان ساعات نزدیک به ظهر بوده است. که این نتایج ناشی از نقش اداری این شهر نسبت به سایر شهرهای استان است که در این ساعات علاوه بر خود جمعیت شهر، حجم بالایی از جمعیت از سایر شهرهای استان برای امور اداری به این شهر مراجعه می‌کنند.

واژگان کلیدی: الگوهای فضایی - زمانی، کانون‌های جرم‌خیز، سرقت، سیستم اطلاعات جغرافیایی، شهر سمنان

نحوه استناد به مقاله: نجفی، اسماعیل، زیاری، کرامت‌اله و دربان آستانه، علیرضا (۱۳۹۹)، تحلیل الگوهای فضایی - زمانی جرم سرقت در شهر سمنان، پژوهشنامه جغرافیا و نظام‌های فضایی، ۱ (۴)، ۱-۱۹.

<http://jgss.ir/Article/14741>

^۱ مقاله حاضر مستخرج از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری با موضوع «شناسایی و تحلیل مکانی - زمانی کانون‌های جرم‌خیز شهری مطالعه موردی (سرقت در شهر سمنان)» در سال ۱۳۹۶ در دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران ارائه شده است.

^۲ نویسنده مسئول مقاله:

مقدمه

زندگی شهری با تنوع ارزش‌ها و پندارها، مردمان مختلف را به خود جلب می‌کند و با تجمع آن‌ها اختلافات موجود تشدید شده که باعث افزایش بزهکاری و انحرافات اجتماعی در اکثر شهرهای دنیا شده است (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۸). لذا وقوع جرم‌های شهری تبدیل به یک نگرانی عمده برای یک دوره طولانی شده است و محققان و پژوهشگران جهان راه‌های بسیاری را برای پیشگیری و کاهش جرم و جنایت در شهرها ارائه داده‌اند (Ha, Oh, & Park, 2015: 497). در واقع برقراری نظم و امنیت و اقدام برای کاهش ناهنجاری‌های شهری همواره یکی از دغدغه‌های مهم مدیران و برنامه‌ریزان شهری به حساب می‌آید (غنی‌زاده و کلانتری، ۱۳۹۱: ۷۸). زیرا صرف‌نظر از اینکه جرم پایه‌های زندگی اجتماعی را تهدید می‌کند، دلایل اقتصادی آن، به‌ویژه برای کشورهای درحال توسعه، نباید نادیده انگاشته شود به طوری که بین ۴ الی ۷ درصد تولید ناخالص ملی معمولاً در راه جرم هدر می‌رود، تلف شدن منابعی که شدیداً برای توسعه مورد نیاز است (بواندیا، ۱۳۸۰: ۱۸)؛ به عبارت دیگر وقوع جرم در هر منطقه دولت را مجبور می‌سازد برای مقابله با آن و برقراری نظم و امنیت و تأمین حقوق شهروندان، به توسعه کمی و کیفی نهادهای مبارزه با جرم بپردازد و هزینه‌هایی را در جهت تعقیب، دستگیری و نگهداری مجرمان متحمل شود (نوغانی دخت بهمنی و میر محمدتبار، ۱۳۹۴: ۸۶).

بررسی‌ها نشان می‌دهد، پیشگیری از بزهکاری و تلاش برای کاهش میزان آن با افزودن به تعداد نیروهای پلیس و توسعه تشکیلات قضایی و دادگستری، وضع قوانین محدودکننده‌تر، اعمال مجازات‌های شدیدتر و اتخاذ تدابیر شدید امنیتی، چندان ثمربخش نیست و به‌طور قطع تا عوامل بزهکاری در جامعه موجود باشد، مبارزه با بزهکار به‌عنوان معلول چندان ثمری ندارد (تیلور و هارل، ۱۳۸۹: ۱۲ - ۱۳). هرچند که در نگاه نخست به نظر می‌رسد مطالعه محدوده‌های جرم‌خیز صرفاً نمایش جغرافیایی نحوه توزیع اعمال مجرمانه است، اما نکته حائز اهمیت این است که در تحلیل مکان‌های جرم‌خیز اولین گام شناسایی و تشخیص صحیح این محدوده‌هاست. گام بعد تشخیص عوامل و دلایل مختلف کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظارتی است که به جرم‌خیزی این محدوده‌ها کمک نموده است. پس از آن امکان مبارزه با این عوامل و پاک‌سازی شرایط کالبدی، اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد (جباری، ۱۳۸۸: ۴)؛ زیرا مکان و زمان در میزان بزهکاری و ایجاد انگیزه برای گذار از اندیشه به عمل مجرمانه نقش دارد. لذا اگر عوامل مهم و مؤثر در ایجاد فضاهای جرم‌خیز به نحو شایسته و مطلوب شناسایی و مدیریت شوند، می‌توان زمینه و امکان تحقق بسیاری از جرایم را کاهش داد (شماعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۴۶).

لذا شناسایی و تحلیل محدوده‌های جرم‌خیز و آلوده شهری این فرصت را فراهم می‌آورد تا پلیس بتواند سریع‌تر و مؤثرتر نسبت به بزهکاری واکنش نشان دهد و به کشف جرم و تعقیب و دستگیری متهمین اقدام کند (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۷). در واقع نتایجی که از طریق این پژوهش به دست می‌آید، می‌تواند به نیروی انتظامی در شناخت نحوه توزیع فضایی سرقت از نظر نوع جرم سرقت و زمان و محل وقوع آن با توجه به کاربری‌های شهری در مناطق مختلف شهر سمنان کمک کند و با توجه به این مطالعات، بهترین تصمیم را برای مقابله با جرایم بگیرد (پرهیز و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۸).

لذا با توجه به اهمیت موضوع و با هدف افزایش ایمنی و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و همچنین پیشگیری و کاهش میزان جرم سرقت در شهر سمنان این پژوهش می‌کوشد تا به سؤالات اساسی زیر پاسخ دهد:

- توزیع جغرافیایی مهم‌ترین کانون‌های تمرکز انواع جرایم مرتبط با سرقت در شهر سمنان چگونه است و بیشتر از چه الگویی پیروی می‌کند؟
- الگوهای زمانی وقوع نوع و میزان انواع جرایم سرقت در شهر سمنان به چه صورت است؟

پیشینه تحقیق

سابقه تحلیل محیطی بزهکاری به قرن گذشته باز می‌گردد. کیت هریس، سابقه استفاده از نقشه‌های بزهکاری را حدود سال ۱۹۰۰ میلادی می‌داند. این نقشه‌ها که بیشتر در امور پلیسی مورد استفاده قرار می‌گرفت، صفحه بزرگی بود که محل وقوع جرایم با پونزهایی بر روی آن مشخص می‌شد (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۹)؛ نشان دادن وقایع مجرمانه بر روی نقشه شهرها با پونز یا علائم رنگی می‌توانست به این نتیجه منتهی شود که توزیع بزهکاری به تمرکز و تراکم در محدوده‌ای خاص و گاه بخش‌های کوچکی از سطح شهر گرایش دارد (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴۵)؛ اما می‌توان گفت نخستین کار علمی در زمینه جرم‌شناسی را گری انجام داد. او این باور عمومی را که جرم با فقر همبسته است، به آزمون درآورد و در عوض دریافت که نرخ جرم‌های علیه اموال و مالکیت در ثروتمندترین منطقه فرانسه بالاتر است، در حالی که تنها نصف نرخ جرم خشونت‌بار به این منطقه مربوط است. دومین شخص در این زمینه آدلف کتله بود، او دریافت که برخی از مردم، به‌ویژه جوانان، مردان، فقیران، بیکاران و بی‌سوادان، احتمال بیشتری هست که مرتکب جرم شوند (ولد و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۹-۵۲). سپس شاو و مک‌کی در سال ۱۹۲۹ در خصوص تأثیر بسزای کاربری‌های اراضی در وقوع میزان خاصی از جرایم، دریافتند که وجود کاربری‌های تجاری و صنعتی در واحدهای همسایگی شهرها باعث بالا رفتن ناهنجاری‌های مختلف در سطح محلات می‌شود (قصری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸۳).

در سال ۱۹۳۵ راسن با بررسی آمارهای قضایی انگلستان و ولز نتیجه گرفت که تراکم جمعیت یکی از عوامل اصلی افزایش جرم و جنایت می‌باشد (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۲: ۸۲). سپس در سال ۱۹۸۹ شرم، گارتین و برگر برای نخستین بار واژه کانون‌های جرم‌خیز را مطرح کردند. شرم و همکارانش در مطالعه شهر مینی‌آپولیس دریافتند ۵۰ درصد تماس‌های تلفنی با پلیس تنها از ۳،۳ درصد کانون‌های جرم‌خیز شهر انجام گرفته است. (بارانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴). کانرو و همکاران (۲۰۱۵) پژوهشی را به منظور تجزیه و تحلیل ارتباط بین محل عرضه مشروبات الکلی و جرم خیزی در بوفالوی نیویورک انجام دادند که نتایج پژوهش بیانگر توزیع خوشه‌ای جرایم خشونت‌آمیز در نزدیکی بارها بوده است (Conrow et al, 2015: 198). شرما و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان تحلیل نقشه‌برداری جرم شهر آجر هندوستان با رویکرد GIS عنوان می‌نمایند: هندوستان یکی از کشورهای بزرگی است که به دلیل بیکاری، جرم در آن افزایش یافته است. همچنین انواع نقاط حساس، نزدیکی جرایم به ایستگاه‌های پلیس، تغییر مکان جرم در طول زمان، میزان جرم هر بخش را نیز تحلیل می‌نماید (Sharma et al, 2016). هیپ و کین (۲۰۱۷)، در پژوهش خود تحت عنوان تغییر در سطح جرم بین شهرهای کوچک و بزرگ به این نتیجه رسیدند که با افزایش نابرابری درآمد و ناهمگونی نژادی و قومی، جرم نیز افزایش می‌یابد و این نابرابری در شهرهای بزرگ بیشتر به چشم می‌آید (Hipp & Kane, 2017: 32).

اما در ایران تهیه و ترسیم نقشه‌های بزهکاری و به عبارت دیگر تحلیل جغرافیایی جرایم همانند بیشتر کشورهای در حال توسعه و در مقایسه با تجربیات و پژوهش‌های کشورهای توسعه‌یافته در این رشته عمر کوتاه‌تری دارد. با این وجود طی سال‌های اخیر پژوهش‌های مهمی در زمینه تحلیل جغرافیایی جرایم در کشور انجام شده و پایان‌نامه، مقاله و طرح‌های زیادی در این زمینه نگارش شده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

محسن کلانتری در سال ۱۳۸۰ در رساله دکتری خود با موضوع بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران به این نتیجه رسید که به موازات رشد اندازه و جمعیت شهر تهران و به تبع آن افزایش تراکم و تنوع کارکردها و با کم شدن کنترل‌های جمعی و از هم گسیختن پیوندهای اجتماعی، برخی نیروهای منفی تسهیل‌کننده ارتکاب جرم در فضای شهر ایجاد شده است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱).

الهام عباسی ورکی در سال ۱۳۸۷ در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز شهر قزوین با استفاده از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی GIS نمونه موردی بزه قاچاق و سوءمصرف مواد

مخدر در شهر قزوین به این نتیجه رسید که میزان جرایم مرتبط با مواد مخدر با روند افزایشی از مناطق مرکزی شهر به سمت مناطق حاشیه‌ای بیشتر شده است (عباسی ورکی، ۱۳۸۷: ۱۵۷).

کاظم جباری در سال ۱۳۸۸ در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز شهری با استفاده از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی GIS مورد مطالعه: بخش مرکزی شهر تهران به این نتیجه رسید که مرکز میانگین کل جرایم ارتكابی در محدوده این بخش بر مرکز جغرافیایی آن منطبق است و اینکه وقوع جرایم در روزهای اول و میانی هفته و در ساعات کار و فعالیت بیشتر است؛ همچنین بیشترین جرایم این بخش در مجاورت کاربری‌های تجاری و اداری به وقوع پیوسته است (جباری، ۱۳۸۸: ۱۶۰).

مهدی بازرگان و همکاران در سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ای با موضوع شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز سرقت در کلانشهر مشهد به این نتیجه رسیدند که توزیع فضایی جرایم سرقت در شهر مشهد از الگوی خوشه‌ای تبعیت می‌کند و مهم‌ترین کانون جرایم سرقت در شهر مشهد بر محدوده خواجه ربیع انطباق یافته است.

محمدحسن یزدانی و همکاران در سال ۱۳۹۷ در مقاله‌ای با موضوع بررسی الگوهای پراکنش فضایی جرایم سرقت در شهر اردبیل به منظور شناسایی کانون جرم‌خیز سرقت به این نتیجه رسیدند که الگوهای پراکنش فضایی محل وقوع جرایم سرقت به صورت خوشه‌ای بوده و بیشتر جرائم ارتكابی در جهات جغرافیایی شمال غربی و جنوب شرقی شهر اردبیل رخ داده است. همچنین مشخص شد بین محله‌های مختلف شهر از نظر میزان وقوع جرایم سرقت، خودهمبستگی فضایی معنی‌دار وجود دارد.

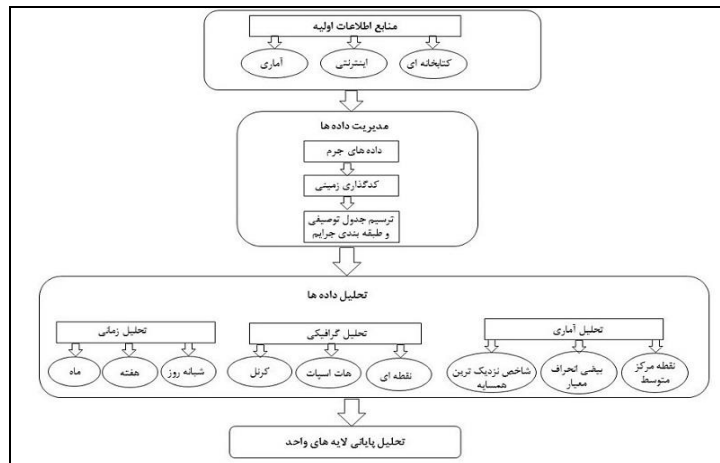
سیدعلی عبادی نژاد و همکاران در سال ۱۳۹۸ در مقاله‌ای با موضوع شناسایی کانون‌های جرم‌خیز سرقت داخل خودرو و بررسی تأثیر تراکم جمعیت در شکل‌گیری این کانون‌ها در شهر گرگان به این نتیجه رسیدند محله‌های با ساختار نامناسب و تراکم جمعیت بالا باعث شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز در شهر می‌شوند؛ بنابراین مسئولین باید نسبت به بهبود و اصلاح وضعیت موجود کانون‌های جرم‌خیز فعلی اقدام نمایند و از ایجاد کانون‌های مشابه در آینده با برنامه‌ریزی مناسب پیشگیری کنند.

با مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با موضوع حاضر می‌توان به این امر پی برد که در اکثر موضوعات کانون‌های جرم‌خیزی سرقت، تنها به بعد مکانی این موضوع پرداخته شده و کمتر موضوعاتی به امر تحلیل کانون‌های زمانی جرم سرقت پرداخته‌اند، لذا می‌توان این‌گونه بیان کرد که تفاوت اصلی این پژوهش با موضوعات پیشین توجه هم‌زمان به کانون‌های زمانی و مکانی جرم سرقت است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی است که با ترکیبی از روش توصیفی، تحلیلی و تطبیقی مبتنی بر اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی نگارش شده است. بدین منظور ابتدا از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی، آماری و غیره استفاده شده است؛ سپس داده‌های آماری جرم سرقت از طریق مراجعه به مرکز فرماندهی شهرستان سمنان و اخذ از سیستم رخداد ۱۱۰ این مرکز به دست آورده شده است. سپس اطلاعات مربوط به جرم سرقت در بازه زمانی تحقیق در شهر سمنان را استخراج نموده و به صورت نقطه‌ای با مختصات آدرس ثبت شده در سیستم بر روی نقشه شیپ‌فایل شهر سمنان ترسیم شده است؛ که هر یک از این نقاط دارای جدول توصیفی مربوط به خود است؛ که درون آن ویژگی‌های آن جرم به همراه متغیرهای مورد بررسی آورده شده است؛ و بعد از انجام این مراحل، با استفاده از نرم‌افزارهای Arc GIS، SPSS و Excel این جرایم مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گرفته است. لذا به طور کلی بخش تجزیه و تحلیل این جرایم را در سه قسمت، تجزیه و تحلیل آماری، تجزیه و تحلیل گرافیکی و تجزیه و تحلیل زمانی می‌توان تقسیم‌بندی کرد که کارهای مربوط به تجزیه و تحلیل آماری از طریق نرم‌افزارهای GIS و SPSS مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند؛ و قسمت تجزیه و تحلیل گرافیکی از نرم‌افزار GIS به منظور ترسیم نقشه‌های مربوطه برای تحلیل و درک بهتر

بصری - مکانی جرم در سطح شهر سمنان مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ و برای تجزیه و تحلیل زمانی رویدادهای جرم در سطح شهر سمنان از نرم‌افزار Excel استفاده شده است.

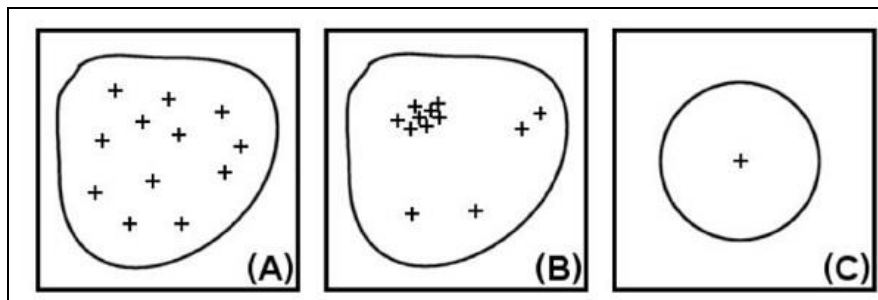


شکل (۱) چارچوب روش‌شناسی تحقیق

منبع: (نگارندگان).

مبانی نظری

جغرافیای جرم، تأثیر موقعیت جغرافیایی، شرایط مکانی و عوامل تسهیل‌کننده بر وقوع جرم را بررسی می‌کند؛ بنابراین، بررسی تأثیر محیط جغرافیایی بر وقوع جرم از یک سو و توزیع فضایی جرایم از سوی دیگر، در حیطه جغرافیای جرم می‌گنجد (عبادی نژاد و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۹). لذا در این باره نظریات گوناگونی در رابطه با جغرافیای جرم ارائه شده است که یکی از این نظریات، نظریه کانون‌های جرم خیز است. اصطلاح کانون جرم‌خیز که معنای لغوی آن به انگلیسی نقاط داغ است از علم زمین‌شناسی اقتباس شده است و به محل‌هایی اطلاق می‌شود که محل خروج ماگما و مواد مذاب آتشفشانی است. این واژه اولین بار توسط شرمن، گارتین و برگر در سال ۱۹۸۹ برای تحلیل مکانی بزهکاری مورد استفاده قرار گرفت (کلانتری و توکلی، ۱۳۸۶: ۷۷). در واقع کانون‌های جرم‌خیز به محدوده‌هایی اطلاق می‌شود که نسبت به محدوده‌های دیگر، مردم بیشتر برای درخواست کمک با پلیس تماس می‌گیرند (فلسون و کلارک، ۱۳۸۹: ۴۰). تعریفی دیگر، این اصطلاح را معادل مکان‌های کوچک با تعداد جرم زیاد قابل پیش‌بینی، حداقل در یک دوره زمانی یکساله دانسته است (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۷: ۸). راتکلیف سه نوع الگوی فضایی بزهکاری را این‌گونه معرفی می‌کند: الف) پراکنده: در این الگو نقاطی که کانون جرم‌خیز را به وجود می‌آورند در سراسر منطقه کانون گسترده شده‌اند؛ و به صورت متراکم و خوشه‌ای نیستند. ب) خوشه‌ای: این نوع الگو از کانون جرم‌خیز بر یک مکان خاص بزهکاری در سطح منطقه انطباق می‌یابد. ج) نقطه‌ای: این یک نوع خاص از کانون‌های جرم‌خیز است که بر یک مکان خاص بزهکاری انطباق می‌یابد (Ratcliffe, 2004: 10).



شکل (۲) سه نوع کانون جرم‌خیز فضایی

منبع: (Ratcliffe, 2004: 11).

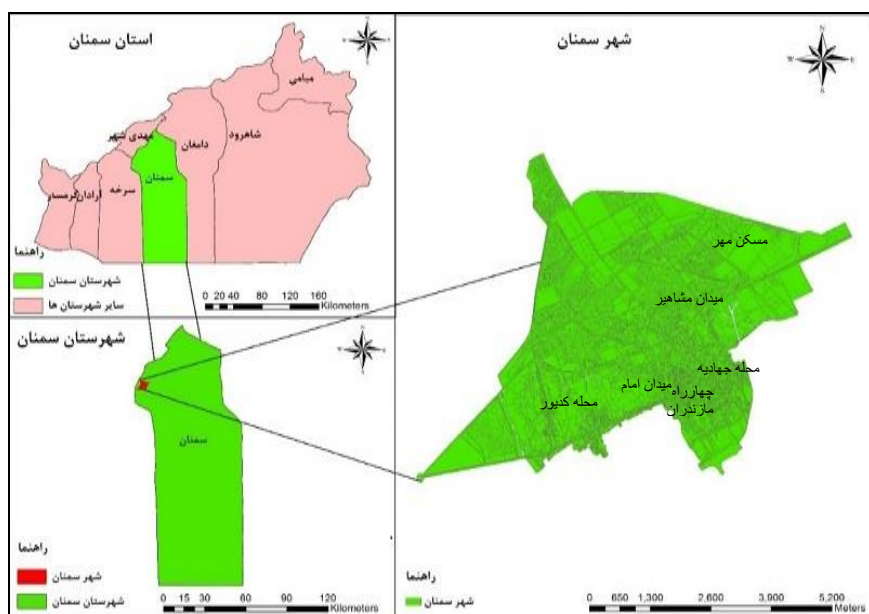
نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) در اوایل دهه ۱۹۷۰ در پاسخ به افزایش جرم و ترس در نواحی شهری ایجاد شد (Hedayati, Abdullah, & Ignatius, 2016: 86) و ادعا می‌شود که این نظریه ابزار مفیدی برای دستیابی به طراحی شهر به صورت مؤثرتر، پایدارتر و قابل زیست‌تر می‌باشد (Cozens, 2008: 272). پایه و اساس این دیدگاه بر این اندیشه استوار است که با طراحی صحیح و استفاده مناسب از فضاهای کالبدی ساخت دست بشر می‌توان ضمن کاهش فرصت‌های بزهکاری و میزان جرایم سطح امنیت را افزایش داد و کیفیت زندگی را در جامعه بهبود بخشید (جیسون و ویلسون، ۱۳۹۰: ۱۰). در این رابطه، نظریه پنجره‌های شکسته یک نظریه مشهور در ارتباط با اهمیت طرز نگاه به جرم است (Hinkle & Yang, 2014: 26) این تئوری به مقوله پیشگیری از جرم با تمرکز بر روی آگاهی ساکنین از رفتارهای مشکوک، حفاظت از محیط و پیامدهای آن می‌پردازد (نظریان و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۱).

در واقع این نظریه اغلب با کاهش جرم یکسان فرض می‌شود. از دیدگاه نظریه پنجره‌های شکسته، بی‌نظمی‌های اجتماعی به وسیله واسطه‌هایی تبدیل به جرم‌های جدی می‌شود (Gau, Corsaro, & Brunson, 2014: 580) این نظریه در ماهیتش بیانگر این است که جرم به هیچ عنوان با بی‌نظمی‌های اجتماعی تفاوت ندارد. اگر جامعه در برابر بی‌نظمی‌های اجتماعی، بی‌تفاوت باشد. این بی‌نظمی‌های اجتماعی اندک اندک شدیدتر می‌شوند و تبدیل به جرم خواهند شد (Engel et al., 2014: 126). دلیل فرضی این نظریه این است که نشانه‌های بصری در مکان‌های عمومی، کثیف بودن محله، خودروهای متروک و ول شده و ... مجرمان را به خود جذب می‌کند و باعث می‌شود مجرمان فکر کنند که ساکنان نسبت به آنچه در همسایگی‌شان می‌گذرد بی‌تفاوت هستند (Sampson & Raudenbush, 2004: 319).

آنچه در پژوهش حاضر مدنظر است، بهره‌گیری از اصول و مبانی این نظریه‌ها و دیدگاه‌ها در بررسی جغرافیایی میزان جرم سرقت در محدوده شهر سمنان است؛ لذا با توجه به موارد ذکر شده بیشترین تأکید این پژوهش بر روی نظریه کانون‌های جرم خیز است.

محدوده مورد مطالعه

شهر سمنان مرکز استان و شهرستان سمنان است که بین ۳۵ درجه و ۳۲ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۳۶ دقیقه عرض شمالی و ۵۳ درجه و ۲۲ دقیقه تا ۵۳ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی در حاشیه شمالی کویر مرکزی و بر دامنه‌های کم‌شیب جنوبی رشته-کوه‌های البرز مرکزی واقع شده است (کامیابی و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۲-۶۳). این شهر دارای مساحتی بالغ بر ۲۴۴۶ هکتار می‌باشد و در فاصله ۲۱۶ کیلومتری شهر تهران واقع شده است (سالنامه آماری استان سمنان، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۳).



شکل (۳) موقعیت شهر سمنان

شهر سمنان براساس نتایج مربوط به سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، دارای جمعیتی برابر ۱۸۵۱۲۹ نفر می-باشد. جدول زیر روند تغییرات جمعیتی این شهر را از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: تغییرات جمعیتی و متوسط رشد سالیانه شهر سمنان از ۱۳۳۵-۱۳۹۵

شهر سمنان	آبان ۱۳۳۵	آبان ۱۳۴۵	آبان ۱۳۵۵	مهر ۱۳۶۵	مهر ۱۳۷۰	آبان ۱۳۷۵	آبان ۱۳۸۵	آبان ۱۳۹۰	آبان ۱۳۹۵
جمعیت (نفر)	۲۹۰۳۶	۳۱۰۵۸	۳۸۷۸۶	۶۴۸۹۱	۷۵۱۳۱	۹۱۰۴۵	۱۲۶۷۸۰	۱۵۳۶۸۰	۱۸۵۱۲۹
نرخ رشد سالیانه (درصد)	-----	+۰,۶۸	+۲,۲۵	+۵,۲۸	+۲,۹۷	+۳,۹۲	+۳,۳۷	+۳,۹۲	+۳,۷۹

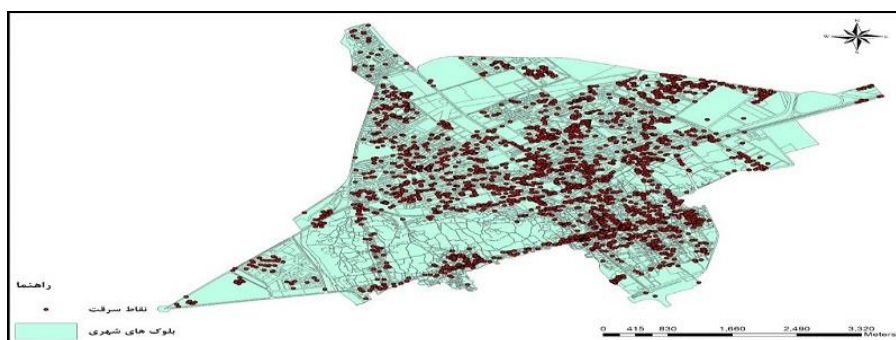
منبع: (سالنامه آماری استان سمنان، ۱۳۹۵: ۱۱۲).

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود از نظر تغییرات جمعیتی، شهر سمنان طی شش دوره پس از انقلاب روند افزایشی را داشته است. به طوری که دارای متوسط رشد جمعیتی سالیانه بالای ۳ درصد بوده است. از دلایل اصلی این موضوع مهاجرت از شهرها و استان‌های هم‌جوار به خصوص استان‌های تهران، مازندران و گلستان و نیز بحث صنعتی شدن شهر سمنان می‌باشد (قدس و کامیابی، ۱۳۹۳: ۱۷۲). از نظر کاربری، عملکرد اصلی شهر سمنان خدماتی است و از مجموع کاربری‌های پیشنهادی شهر سمنان، بیشترین سطوح مربوط به مسکونی با ۲۸,۸۷ درصد، معابر با ۲۶,۶۱ درصد، خدمات با ۲۳,۸ درصد و پارک و فضای سبز با ۱۱,۹۳ درصد اختصاص دارد (مهندسین مشاور آرمانشهر، ۱۳۹۴: ۸). از نظر تقسیمات شهری، شهر سمنان به دو منطقه، سه ناحیه و همچنین چهل محله تقسیم می‌شود. منطقه یک: بافت جنوبی شهر را در بر می‌گیرد که ۱۰۸۸ هکتار مساحت دارد. منطقه دو: بخش‌های شمالی شهر را شامل می‌گردد که مساحت آن ۱۳۴۵ هکتار می‌باشد (کامیابی و طاهری، ۱۳۹۴: ۳۱).

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

توزیع فضایی محل وقوع جرایم مرتبط با سرقت در شهر سمنان

در شکل شماره (۴) توزیع نقطه‌ای جرایم مرتبط با سرقت در شهر سمنان نشان داده شده است، حجم بالای نقاط بر روی نقشه بیانگر تمرکز و تجمع آشکار در وقوع جرایم سرقت در بخش‌های خاصی از شهر است. نحوه پراکندگی محل ارتکاب جرایم مرتبط با سرقت در سطح شهر نشان‌دهنده این نکته اساسی است که تمرکز محل وقوع جرایم در قسمت‌های خاصی از شهر اتفاق افتاده است، به گونه‌ای که بخش مرکزی و شمال شرقی شهر و همچنین بخش قدیمی و فرسوده شهر دارای تراکم وقوع بیشتری است و در واقع یک الگوی خوشه‌ای به خود گرفته است. علاوه بر آن، روند قابل مشاهده این است که با فاصله گرفتن از این مراکز به سمت حاشیه شهر به جز در قسمت شمال شرقی شهر جرایم سرقت به صورت پراکنده پخش شده و از تمرکز آن‌ها در منطقه‌ای خاص خبری نیست. در واقع می‌توان گفت با حرکت از مرکز شهر به سمت حاشیه با یک روند کاهشی در وقوع جرایم سرقت روبرو هستیم.



شکل (۴) نقشه توزیع نقطه‌ای جرایم سرقت در شهر سمنان

منبع: (نگارندگان).

با نگاهی به نقشه فوق می‌توان به چند کانون عمده سرقت در سطح شهر سمنان پی برد. به‌طوری که مهم‌ترین کانون‌های سرقتی که در نقشه فوق می‌توان به آن اشاره کرد، عبارت‌انداز: ^۳ محدوده میدان امام تا چهارراه مازندران، محدوده میدان مشاهیر تا میدان معلم، محدوده محله جهادیه، محدوده محله کدیور در بلوار حکیم الهی و همچنین شهرک مسکن مهر اشاره نمود. با نظر به محل‌های شکل‌گیری این کانون‌ها، می‌توان به چند نکته مهم در زمینه شکل‌گیری کانونی جرایم در برخی مناطق شهر پی برد، اولین نکته این‌که شکل‌گیری وقوع اکثر جرایم سرقت در مقابل مکان‌های شلوغ و معابر پرازدحام و همچنین اماکن عمومی شهر شکل گرفته است. به‌طوری که برخی از این کانون‌ها از پرازدحام‌ترین مناطق شهر در طی روز هستند که خودبه‌خود این شلوغی و ازدحام کیس‌های مطلوب و مورد نظر سارقین را در دسترس قرار می‌دهد و سارقین را تشویق به عمل مجرمانه می‌کند. برای مثال می‌توان به محدوده میدان امام تا چهارراه مازندران اشاره کرد که تبدیل به یکی از کانون‌های اصلی جرم سرقت شده است.

دومین نکته شکل‌گیری کانونی سرقت در نگاه اول را باید در نوع کاربری‌های اراضی کانون‌های سرقت جستجو کرد. به‌طوری که کاربری‌های تجاری در مناطق مرکزی مخصوصاً محدوده بازار باعث شکل‌گیری این کانون‌های سرقت در سطح شهر شده است. نکته سوم شکل‌گیری کانون‌های سرقت را باید نوع بافت آن مناطق عنوان کرد؛ که بیشتر مناطق کانونی سرقت دارای بافت فرسوده و قدیمی هستند که نمونه بارز آن محله کهنه دژ در ناحیه بافت مرکزی شهر و محله کدیور در قسمت جنوب غربی شهر سمنان عنوان کرد؛ و اما آخرین نکته را می‌توان روابط اجتماعی پایین در برخی نواحی مخصوصاً محدوده مسکن مهر بخاطر نوساخت بودن این شهرک و عدم شناخت کافی همسایگان نسبت به هم عنوان کرد که این موضوع باعث احساس غریبگی در آن مناطق می‌شود و افراد نسبت به هم چندان احساس مسئولیتی نمی‌کنند دانست. به‌طوری که براساس آخرین سرشماری مرکز آمار در سال ۱۳۹۵ مجموعاً ۲۹۷۷۲ نفر در این محله ساکن هستند که از این تعداد ۳۷۸۶ نفر را مهاجرانی تشکیل می‌دهد که در این محله زندگی می‌کنند. این‌ها مواردی است که در نگاه اول به چگونگی توزیع نقاط وقوع سرقت در شهر سمنان می‌توان به آن پی برد.

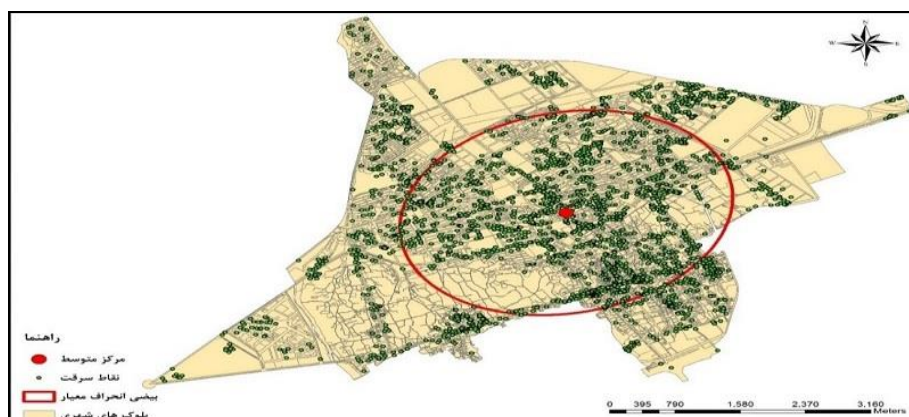
روش‌های آماری گرافیک مبنا

نخستین گروه از روش‌های تحلیل فضایی بزهکاری، روش‌های آماری گرافیک مبنا است تا بدین وسیله میزان گرایش به مرکز و توزیع فضایی کلی جرایم در محدوده جغرافیایی مورد مطالعه مشخص گردد. بیضی انحراف معیار و نقطه مرکز متوسط دو مورد از آزمون‌های آماری جامع می‌باشند. مرکز میانگین و بیضی انحراف معیار برای سنجش گرایش به مرکز، پراکندگی و جهت پراکندگی توزیع جرایم به کار می‌رود. نقطه مرکز متوسط را می‌توان به‌عنوان معیاری تقریبی برای مقایسه توزیع فضایی انواع گوناگون جرم یا بررسی وقوع جرم یک نوع بزه خاص در دوره‌های زمانی مختلف به کار گرفت به عبارت دیگر نقطه مرکز متوسط، مکان مرکزی را به‌صورت میانگین مبنایی تمام مکان‌های بزهکاری مشخص می‌کند و نسبت به توزیع و پراکندگی نقاط جرم در سطح شهر محاسبه می‌شود؛ و بیضی انحراف معیار فاصله مکان هر جرم تا مرکز میانگین، پراکندگی، جهت و

^۳ بدلیل عدم خوانایی نقشه اسم مناطق تنها در نقشه محدوده مورد مطالعه آورده شده است.

موقعیت آن را مشخص می‌کند؛ به عبارت دیگر در این آزمون اندازه و شکل بیضی، میزان پراکندگی را معین می‌کند و امتداد آن جهت حرکت رفتارهای مجرمانه را نشان می‌دهد. تفاوت میان بیضی بیانگر تفاوت‌های نسبی در الگوهای پراکندگی جرائم و جهت آن در گروه‌ها و داده‌های بزهکاری است.

شکل شماره (۵) مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار مربوط به جرم سرقت به وقوع پیوسته در سطح شهر سمنان را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در نقشه مشاهده می‌شود مرکز متوسط جرم سرقت تقریباً بر مرکز جغرافیایی شهر سمنان منطبق است. به طوری که این مرکز اندکی بالاتر از میدان مشاهیر و در خیابان میرزای بزرگ شیرازی به سمت میدان معلم قرار گرفته است. بیضی انحراف معیار کل جرایم سرقت نیز تقریباً مناطق مرکزی شهر را در بر گرفته است. به طوری که از میدان ابودر در جنوب تا بلوار دولت در شمال و نیز از بلوار امیرکبیر در شرق تا تقریباً میدان مادر در غرب کشیده شده است؛ و در واقع این بیضی بیشتر حالت تقریباً دایره‌ای دارد و همان‌طور که گفته شد تقریباً اکثر مناطق مرکز شهر را در بر گرفته است؛ که این امر نشان دهنده آن است که اکثر جرایم سرقت گرایش به سمت مرکز را داشته‌اند و می‌توان گفت که وزن این جرایم باعث شده است تا بیضی انحراف معیار به سمت مرکز جغرافیایی شهر گرایش پیدا کند.



شکل (۵) مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار جرایم سرقت در شهر سمنان

منبع: نگارندگان).

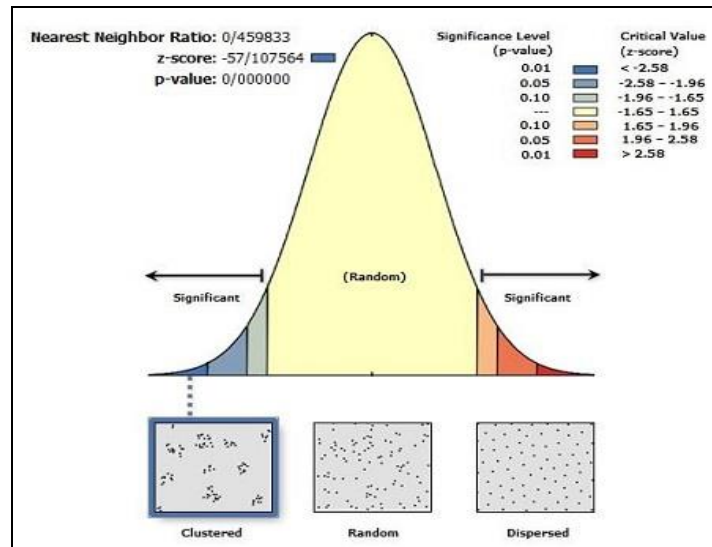
از جمله مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری این نوع الگو را می‌توان به کاربری تجاری و همچنین اداری تمرکز یافته در مرکز شهر و نیز به بافت فرسوده که در نواحی جنوبی بیضی قرار دارند اشاره کرد که اکثراً به صورت خیابان‌ها و کوچه‌های تنگ و فاقد کنترل غیرمستقیم توسط دیگران است. در واقع کاربری تجاری و اداری واقع در مرکز شهر که خود جاذب جمعیت‌اند، خود باعث جذب سارقین به این مناطق شده تا اکثر اعمال مجرمانه خود را در این نواحی انجام دهند؛ و با توجه به اینکه براساس آمار سرقت‌هایی نظیر وسایل و قطعات اتومبیل، موتور و جیب‌بری در رده‌های نخست از نظر تعداد در میان سایر انواع سرقت را دارند، اکثراً از نوع سرقت‌هایی می‌باشند که در مناطق شلوغ و کاربری‌های جاذب جمعیت مثل تجاری رخ می‌دهند. لذا مشاهده می‌شود حجم بسیاری از سرقت در مرکز شهر اتفاق افتاده است و مرکز متوسط سرقت شهر در مرکز شهر سمنان قرار گرفته است که کشش سرقت را به سمت مرکز شهر نشان می‌دهد.

آزمون خوشه‌بندی

مفیدترین و در عین حال کارآمدترین آزمون آماری جامع برای تحلیل الگوهای کلی بزهکاران مخصوصاً تشخیص کانون‌های جرم‌خیز شهری آزمون خوشه‌بندی است. آزمون خوشه‌بندی نخستین گام برای شناسایی الگوهای فضایی بزهکاری و کانون‌های جرم‌خیز شهری است. چندین روش برای آزمون خوشه‌بندی توزیع بزهکاری قابل استفاده است که شاخص نزدیک‌ترین همسایه (NNI)^۴ از جمله بهترین این آزمون‌هاست. شاخص نزدیک‌ترین همسایه روشی ساده و سریع برای آزمون خوشه‌ای بودن یا تمرکز جرائم در یک محدوده جغرافیایی است. با نتایج

^۴ Nearest Neighbor Index (NNI)

این آزمون به سرعت می‌توان دریافت که آیا داده‌های مجرمانه تمرکز خوشه‌ای دارند یا خیر؟ اگر در نتیجه آزمون داده‌های مجرمانه شکل خوشه‌ای نداشته باشد کانون‌های جرم‌خیزی شکل نگرفته است و دیگر لازم نیست محقق وقت خود را برای شناسایی کانون‌های جرم‌خیز صرف نماید. لذا اگر نتیجه آزمون شاخص نزدیک‌ترین همسایه برابر یک باشد، داده‌های بزهکاری به صورت تصادفی توزیع شده است و اگر نتیجه کوچک‌تر از یک باشد بیانگر خوشه‌ای بودن داده‌های مجرمانه است و اگر شاخص نزدیک‌ترین همسایه بزرگ‌تر از یک باشد نشانگر الگوی توزیع یکنواخت داده‌های مجرمانه است؛ و در این رابطه از نمره Z می‌توان برای اطمینان از صحت آزمون شاخص نزدیک‌ترین همسایه به کار گرفت. هر چه نمره Z عدد منفی بزرگ‌تری باشد بیشتر می‌توان به درستی آزمون شاخص نزدیک‌ترین همسایه اطمینان کرد.



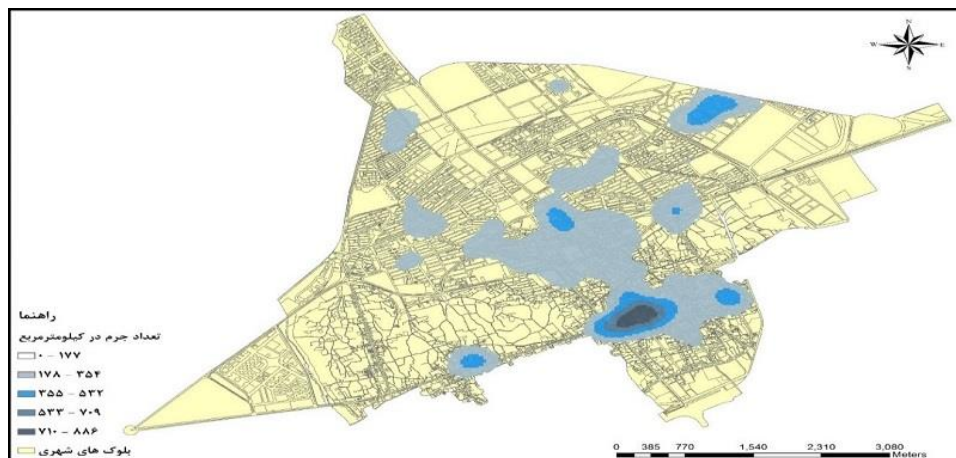
شکل (۶) نمودار شاخص نزدیک‌ترین همسایه برای کل جرایم سرقت در شهر سمنان
منبع: نگارندگان).

همان‌گونه که در شکل شماره (۶) مشاهده می‌شود میزان شاخص نزدیک‌ترین همسایه برای جرم سرقت برابر با ۰,۴۵ می‌باشد. بر این اساس می‌توان گفت نحوه توزیع فضایی جرم سرقت در سطح شهر سمنان از الگوی کاملاً خوشه‌ای پیروی می‌کند. همچنین بررسی مقدار Z که معادل $-۵۷,۱۰$ می‌باشد، تأییدکننده خوشه‌ای بودن کامل توزیع فضایی نقاط مربوط به جرم سرقت در محدوده شهر سمنان است؛ بنابراین با توجه به میزان شاخص نزدیک‌ترین همسایه و نمره Z در رابطه با جرم سرقت می‌توان این‌گونه بیان داشت که این اعداد نشان می‌دهد محدوده‌های خاصی از سطح شهر سمنان محل تمرکز بزهکاری‌های سرقت است و در واقع سرقت در این شهر از الگوی متمرکز پیروی می‌کند و در نقطه مقابل سایر بخش‌های شهر از نظر ارتکاب جرایم سرقت محدوده‌های پاک محسوب می‌شوند.

آزمون تخمین تراکم کرنل

آزمون تخمین تراکم کرنل یکی از مناسب‌ترین روش‌ها برای به تصویر کشیدن داده‌های بزهکاری به صورت سطوح پیوسته است. آزمون تخمین تراکم کرنل سطح همواری از تغییرات در تراکم نقاط جرم در روی محدوده ایجاد می‌نماید. براساس روش یاد شده و به منظور تشخیص کانون‌های جرم سرقت در محدوده شهر سمنان این محاسبات در محیط Arc GIS انجام گرفت و نتیجه آزمون به صورت نقشه‌هایی درآمد. با بررسی‌هایی که از نحوه توزیع فضایی نقاط وقوع کلیه جرایم سرقت در محدوده شهر سمنان با استفاده از روش کرنل صورت گرفت نتیجه آزمون‌های قبلی به اثبات رسید. به طوری که جرم سرقت در شهر سمنان به صورت خوشه‌ای پخش شده است و بنابراین برخی از مناطق شهر دارای تراکم بسیار زیاد سرقت می‌باشند، درحالی

که سایر مناطق شهر یا فاقد و یا دارای کمترین میزان سرقت می‌باشند. بدین ترتیب این موضوع باعث شکل‌گیری کانون‌هایی از جرم سرقت در شهر سمنان شده است.



شکل (۷) کانون‌های جرم خیز جرایم سرقت در شهر سمنان

منبع: (نگارندگان).

همان‌گونه که در شکل شماره (۷) مشخص شده است، کانون‌های جرم خیز مربوط به کل جرایم سرقت در شهر سمنان به‌طور کلی در چهار گروه دسته‌بندی شده‌اند. سایر مناطق شهر که میزان تراکم جرم سرقت در سطح آن‌ها برابر با صفر الی ۱۷۷ است، جزء مناطق پاک شهر محسوب شده است و به رنگ خاصی نمایش داده نشده‌اند و فقط بلوک‌های شهری در سطح آن‌ها نمایان است. با بررسی توزیع فضایی جرم سرقت در محدوده شهر سمنان، مناطقی که با رنگ آبی پررنگ و در یک طیف ظاهر شده‌اند در واقع حاصل تجمع تکرار وقوع سرقت در این مناطق و محدوده‌ها است. لذا با توجه به نقشه فوق و نتیجه‌ای که براساس آزمون کرنل مشخص شد، مهم‌ترین کانون سرقت در شهر سمنان را می‌توان محدوده خیابان امام، از میدان امام تا چهارراه مازندران دانست؛ که از بیشترین مقدار تراکم جرم سرقت برخوردار است. به‌طوری که حجم میزان نقاط وقوع سرقت در این محدوده از مقدار بسیار بالای تراکم ۷۱۰ الی ۸۸۶ فقره جرم حکایت دارد؛ که این بدان معنا است که در هر کیلومترمربع از این ناحیه شهر تعداد ۷۱۰ الی ۸۸۶ فقره جرم سرقت به وقوع پیوسته است؛ که این موضوع، باعث شده است تا این بخش از شهر تبدیل به مهم‌ترین کانون جرم سرقت شهر سمنان شود.

از مهم‌ترین ویژگی این بخش از شهر می‌توان به کاربری‌های متعدد تجاری و فروشگاه‌های این ناحیه اشاره کرد؛ که به‌نظر می‌رسد اصلی‌ترین دلیل تبدیل این بخش به مهم‌ترین کانون سرقت شهر سمنان همین موضوع باشد. در واقع وجود کاربری‌های جاذب جمعیت در این ناحیه همچون بازار سمنان و پاساژهای متعدد تجاری که به‌طور مداوم جمعیت زیادی را به‌منظور برخی امور به این ناحیه می‌کشاند. خودبه‌خود محیط بسیار مساعدی را به‌منظور انجام اعمال مجرمانه توسط سارقین در این ناحیه فراهم می‌نماید؛ که این عوامل خود باعث شکل‌گیری مهم‌ترین کانون سرقت شهر سمنان در این ناحیه شده است. دومین رتبه از تراکم بیشترین میزان وقوع جرم یعنی میزان ۵۳۳ الی ۷۰۹ فقره جرم در یک کیلومترمربع نیز اختصاص دارد به حاشیه همین کانون اول که این موضوع نشان از اوج حساسیت این منطقه در سطح شهر سمنان در زمینه وقوع جرم سرقت می‌باشد.

اما سومین دسته از کانون‌های جرم سرقت در شهر سمنان که اختصاص دارد به کانون‌های سرقتی که به‌طور متوسط میزان ۳۵۵ الی ۵۳۲ فقره جرم سرقت در هر کیلومترمربع در سطح آن‌ها انجام شده است که به‌طور خوشه‌ای در چند نقطه شهر قرار دارند که عبارت‌انداز، حاشیه کانون رتبه اول و دوم سرقت که به سمت بازار سمنان یعنی در جهت شمال کشش پیدا کرده است، شهرک مسکن مهر، محله جهادیه، محله کدیور واقع در بخش محلات ثلاث، محدوده خیابان میرزای بزرگ شیرازی از میدان معلم به سمت جنوب تا بلوار ولیعصر و آخرین کانون در این رتبه‌بندی به محدوده میدان امام رضا اختصاص دارد.

یکی از کانون‌های جرم سرقت که در دسته سوم از رتبه‌بندی کانون‌های جرم خیز شهر سمنان که به‌طور متوسط ۳۵۵ الی ۵۳۲ فقره جرم در سطح آن‌ها انجام شده است، قرار دارد؛ شهرک مسکن مهر است. از جمله مهم‌ترین دلایلی که می‌توان گفت باعث شکل‌گیری کانون جرم سرقت در سطح این شهرک شده است را باید روابط متقابل پایین در سطح این شهرک و عدم احساس مسئولیت ساکنین در قبال سایر ساکنین شهرک دانست؛ که این احساس غریبی که افراد این محله نسبت به هم دارند باعث می‌شود تا اموال و دارایی‌های دیگر ساکنین محله برای افراد چندان اهمیتی نداشته باشد. در قبال سرقت یا دیگر موارد که به افراد محله لطمه‌ای وارد می‌شود چندان از خود واکنش نشان ندهند؛ زیرا از مهم‌ترین ویژگی این محدوده با توجه به نو احداث بودن شهرک، مهاجر بودن اکثریت ساکنین آن است. طبق تحقیقی که دفتر تحقیقات ناجا سمنان انجام داده است، از نمونه مورد مطالعه همه عنوان کرده‌اند که کمتر از ده سال است که در این شهرک ساکن بوده‌اند و همچنین ۴۴ درصد نیز عنوان کرده‌اند که کمتر از ده سال است که به شهر سمنان آمده‌اند، به تبع این موضوع و عدم آشنایت کافی ساکنان نسبت به هم باعث شکل‌گیری نوعی عدم مسئولیت نسبت به سایر ساکنین محله شده و همین موضوع تأثیر زیادی بر افزایش میزان سرقت در سطح محله دارد.

از جمله مناطق دیگری که در دسته سوم کانون‌های سرقت در شهر سمنان قرار دارند، محله جهادیه و همچنین محله کدیور هستند؛ که می‌توان مهم‌ترین ویژگی این دو محله قرارگیری هر دو آن‌ها در محدوده بافت فرسوده شهر سمنان می‌باشد؛ که وجود معابر و کوچه‌های تنگ و باریک و ساختمان‌ها و بناهای قدیمی و فرسوده از مهم‌ترین ویژگی‌های بافت این محلات است؛ که این عوامل باعث شده است تا شاخص‌های طراحی محیطی در پیشگیری از جرم (CPTED) در سطح این دو محله در سطح پایینی قرار داشته باشند و لذا نظارت غیرمستقیم افراد و در واقع کنترل غیرمستقیم در سطح بسیار پایینی واقع شده باشد. همچنین مهاجرت درون‌شهری ساکنین اصلی شهر از محلات قدیمی مثل جهادیه و جایگزینی آنان توسط افراد غریبه و مهاجرین تازه وارد که از طبقه اقتصادی و اجتماعی نسبتاً پایینی برخوردار هستند در سطح این محلات. باعث شکل‌گیری کانون‌هایی از جرم در این محلات شده است.

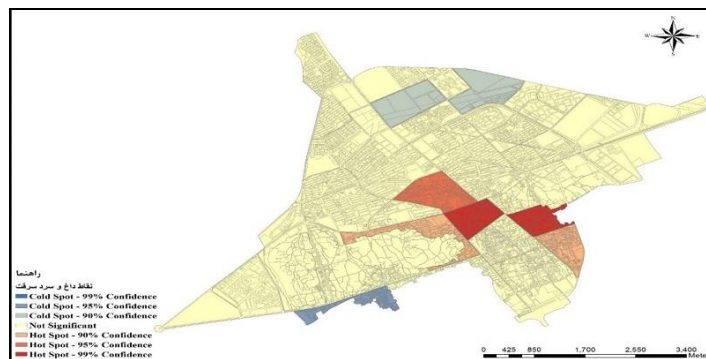
اما آخرین کانون از دسته سوم کانون‌های سرقت شهر سمنان به خیابان میرزای بزرگ شیرازی از میدان معلم تا بلوار ولیعصر مربوط می‌شود. این کانون همانند کانون اول یعنی خیابان امام از نظر کاربری بیشتر به کاربری‌های تجاری و اداری اختصاص دارد و لذا در طول روز این محدوده پذیرای حجم زیادی از جمعیت می‌باشد که برای انجام کارهای روزانه خود به این مناطق از شهر مراجعه می‌کنند؛ که همان‌گونه که در قسمت قبل گفته شد، از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری این کانون می‌توان همین شلوغی و وجود افراد غریبه و ناشناس در طول روز در سطح این مناطق را عنوان کرد.

دسته چهارم کانون‌های جرم سرقت در شهر سمنان که آخرین دسته کانون‌های جرم شهر محسوب می‌شود و از میزان ۱۷۸ الی ۳۵۴ فقره جرم در هر کیلومترمربع دارا هستند؛ بیشتر مربوط می‌شود به حاشیه کانون‌های دسته سوم جرم سرقت. در واقع بیشترین مساحت کانون دسته چهارم را مناطق مرکزی شهر دارا هستند؛ که از اندکی بالاتر از میدان حافظ شروع شده و تا بخش‌هایی بالاتر از میدان معلم ادامه پیدا می‌کند؛ اما از برخی تک کانون‌هایی که در این دسته جای گرفته‌اند، می‌توان به قسمت‌های مرکزی شهرک گلستان که تا محدوده شمال شرقی آن یعنی تا بیمارستان کوثر کشیده شده است، محدوده میدان امام علی و همچنین محدوده میدان مادر را نام برد. به نظر می‌رسد در شکل‌گیری این کانون‌های تک کاربری‌های خاص بیشترین تأثیر را داشته‌اند. برای مثال در محدوده شهرک گلستان جلوی بیمارستان کوثر باعث تجمع حجم عظیمی از جرایم سرقت در این محدوده شده است. همچنین در محدوده میدان امام علی داخل و اطراف مجتمع ققنوس باعث تمرکز زیادی از نقاط وقوع جرم سرقت در این ناحیه شده است.

شناسایی نقاط داغ و سرد احتمال وقوع سرقت

آزمون هات اسپات به منظور شناسایی نقاط داغ و سرد احتمال وقوع جرم در سطح یک محدوده مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این آزمون میزان فاصله جرایم باهم سنجیده می‌شود و محدوده‌ای را که در مرکز این فاصله قرار گرفته باشد به عنوان مناطق داغ که احتمال میزان وقوع سرقت در آن بسیار بالاست را انتخاب می‌کند. لذا با استفاده از این آزمون می‌توان به این نتیجه رسید که چه مناطقی از محدوده مورد مطالعه به عنوان داغ‌ترین نقاط شناخته می‌شوند و بسته به نوع رتبه آن ۹۰ تا

۹۹ درصد احتمال دارد در آن مناطق جرم به وقوع بپیوندد؛ و در جهت عکس کدام مناطق به عنوان نقاط سرد ما شناخته می-شوند و به احتمال ۹۰ تا ۹۹ درصد وقوع جرم در آن مناطق منتفی است.



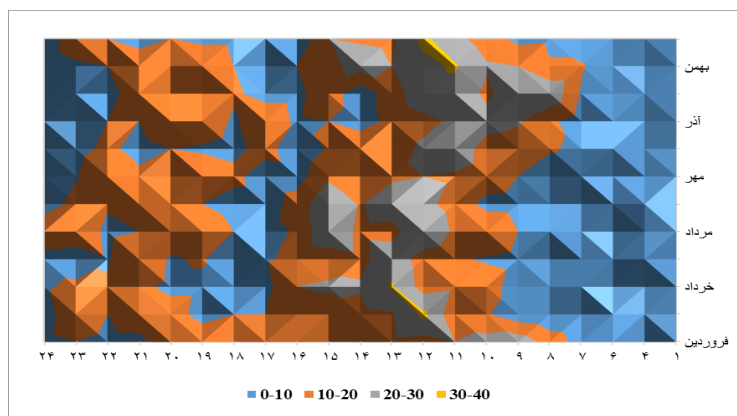
شکل (۸) نقشه نقاط داغ و سرد جرم سرقت در شهر سمنان با استفاده از آزمون هات اسپات

منبع: (نگارندگان).

همان گونه که مشاهده می شود و بر طبق شکل شماره (۸) داغ ترین نقاط وقوع جرم در سطح شهر سمنان مربوط به جنوب خیابان ۱۷ شهریور و شمال خیابان شهید بهشتی می باشد؛ یعنی می توان گفت احتمال تکرار وقوع سرقت در این مناطق برابر با ۹۹ درصد می باشد. همچنین در مرتبه دوم محدوده باغ فرودس قرار دارد که با اطمینان ۹۵ درصد احتمال وقوع سرقت در آن مناطق وجود دارد. در رتبه سوم که میزان احتمال وقوع سرقت در آن مناطق برابر با ۹۰ درصد است؛ محله جهادیه و در واقع جنوب خیابان بهشتی و همچنین ضلع جنوبی خیابان ۱۷ شهریور بعد از میدان سعدی و خیابان سعدی در ضلع غربی و تا حدودی ضلع شمالی بلوار حکیم الهی بعد از میدان امام قرار دارند. همان گونه که مشاهده می شود اکثر نقاط داغ که احتمال وقوع سرقت در آن ها بالاست در محدوده مرکز شهر واقع شده اند. در رابطه با مناطقی نیز که احتمال وقوع سرقت در آن ها بسیار پایین است؛ می توان به محله کوشک مغان واقع در محلات ثلاث اشاره کرد که احتمال وقوع سرقت در سطح این محله با اطمینان ۹۹ درصد منتفی است؛ و در مرتبه های بعدی که میزان وقوع سرقت در سطح آن ها پایین است، محدوده شمال مسکن مهر و شمال شهرک مدیران قرار دارد.

تحلیل زمانی وقوع جرایم سرقت

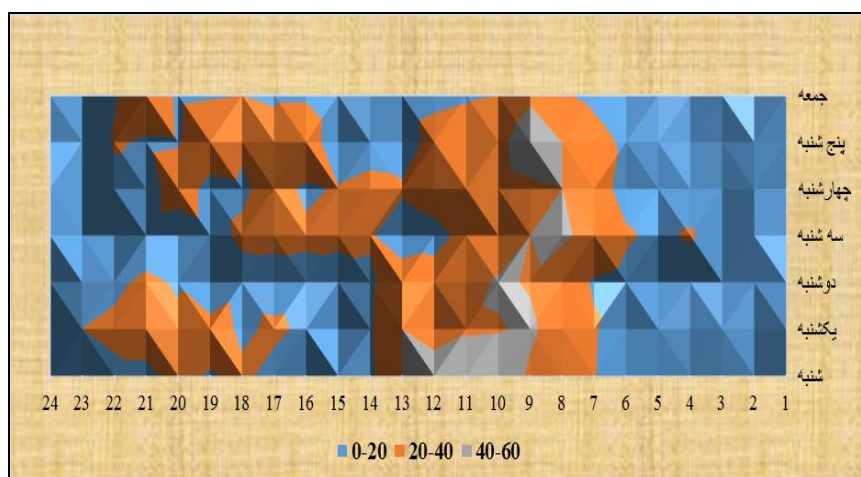
تحلیل زمانی بزهکاری بر پایه تغییرات نوع و میزان بزهکاری در بستر زمان براساس مقاطع زمانی فصل های سال یا ماه های مختلف سال، روزهای هفته و ساعات شبانه روز انجام می گیرد. این تحلیل می تواند به دست اندرکاران قضایی و انتظامی در شناسایی بهتر کانون های جرم خیز، الگوهای بزهکاری و پیشگیری از بزهکاری کمک نماید.



شکل (۹): تحلیل زمانی (ماه های سال و ساعات شبانه روز) جرایم سرقت در شهر سمنان

منبع: (نگارندگان).

شکل شماره (۹) تحلیل زمانی ماه‌های سال و ساعات شبانه‌روز مربوط به کل جرایم سرقت در شهر سمنان است. در این گراف با حرکت بر روی محور زمان از ساعت ۰۱:۰۰ تا ۰۷:۰۰ محیط با مقدار تراکم ۰-۲۰ فقره جرم در طی این مدت که با رنگ آبی به نمایش گذاشته شده است در طی همه ماه‌های سال کاملاً دارای وضعیت محیطی آرامی است؛ اما از ساعت ۰۸:۰۰ به بعد رشد فزاینده لکه‌های جرم کاملاً ملموس است، به طوری که در بازه زمانی ۱۰-۱۶ و ۱۹-۲۲ لکه‌های وسیع جرم با مقدارهای متفاوت دیده می‌شود که در این میان مراکز ثقل جرم که نقاط بحرانی این گراف خوانده می‌شوند با مشخصات زیر در شکل قابل شناسایی است: به طور کلی ساعات ۱۲-۱۴ را می‌توان دوره پیک انجام جرم سرقت در شهر سمنان دانست بدین گونه که به طور متوسط در طی ماه‌های مختلف سال در طی این زمان میزان ۲۰-۳۰ فقره سرقت انجام گرفته است. با این وجود می‌توان حادثه‌ترین زمان وقوع سرقت را در شهر سمنان در طی ماه‌های اردیبهشت و خرداد و همچنین بهمن و اسفند در طی ساعات ۱۲-۱۳ شناسایی کرد که بیشترین میزان وقوع را در طی کل سال به خود اختصاص داده‌اند.



شکل (۱۰) تحلیل زمانی (روزهای هفته و ساعات شبانه روز) جرایم سرقت در شهر سمنان

شکل شماره (۱۰) که تحلیل زمانی روزهای هفته و ساعات شبانه‌روز وقوع تمامی جرایم سرقت مورد بررسی در شهر سمنان را نشان می‌دهد؛ بدین صورت آشکار می‌سازد که از ساعت ۲۳:۰۰ شب تا ساعت ۰۶:۰۰ صبح در کل هفته دارای شرایطی کاملاً آرام و عاری از هرگونه جرمی است. امام از ساعت ۰۷:۰۰ تا ساعت ۱۴:۰۰ میزان وقوع سرقت به طور فزاینده افزایش یافته است که میزان اوج گزارش سرقت را در طی تمام طول هفته ساعت ۸-۹ صبح به خود اختصاص داده است، به طوری که در طی این ساعات در کل هفته به طور میانگین ۴۰-۶۰ فقره جرم سرقت گزارش شده است. در این رابطه روزهای شنبه و یکشنبه به عنوان پیک روزهای هفته از نظر وقوع سرقت از نظر ساعات وقوع از پراکندگی بیشتری برخوردار بوده‌اند و بیشترین میزان وقوع سرقت در این دو روز از ساعت ۰۹:۰۰ صبح تا ساعت ۱۳:۰۰ بعد ظهر به وقوع پیوسته است. بدین ترتیب عملیات اکتشاف و گشت‌زنی‌های انتظامی می‌تواند بر طبق الگوی به دست آمده صورت بگیرد تا یک تطابق و همبستگی میان وقوع بزه در زمان و مکان ویژه و عملیات پلیسی و مانورهای انتظامی با توجه به کانون‌های جرم‌خیز صورت بگیرد.

در واقع تحلیل زمانی جرم سرقت در شهر سمنان نشان می‌دهد، با توجه به فرصت‌های مجرمانه بیشتر در ساعات اداری روز و هم‌زمان با فعالیت مردم و فعالیت ادارات، بانک‌ها، سازمان‌ها و مراکز عمده‌فروشی و خرده‌فروشی در این ساعات مجرمین بیشتر اقدام به ارتکاب عمل مجرمانه خود نموده‌اند. می‌توان گفت با افزایش حضور جمعیت در طی ساعات مختلف جرایم ارتكابی نیز افزایش یافته و نقطه اوج آن نیز که ساعات نزدیک ظهر است تقریباً با پیک جمعیت و شلوغی در معابر و اماکن همراه است. عامل دیگر این موضوع را باید در عدم اطلاع از وقوع سرقت در طی ساعات ۲۴ تا ۷ صبح عنوان کرد که با توجه به خواب بودن افراد، از وقوع سرقت اطلاعی پیدا نکرده و با فرا رسیدن روز و بیدار شدن مردم، میزان گزارش وقوع سرقت نیز افزایش پیدا کرده است؛ که این الگو در زمینه ایام هفته و در مورد روز شنبه نیز صدق می‌کند که ممکن است به علت عدم آگاهی از وقوع سرقت در برخی اماکن از قبیل مغازه و کارگاه‌ها در طی روز جمعه برخی از آمار سرقت این روز در روز شنبه مخابره شود؛ که

بیشترین میزان گزارش سرقت در ساعات اولیه روز شنبه نیز می‌تواند گواهی بر این مدعا باشد. لذا این الگو نشان می‌دهد که برنامه امنیتی انتظامی می‌بایست الگویی مطابق با روند وقوع بزه سرقت تدارک دیده شود و با توجه به نوع و وقوع جرایم ارتكابی بهترین برنامه و عملیات با پدیده فوق با توجه به نوع و ماهیت جرم انجام شود.

نتیجه‌گیری

قطعاً در جهت امر پیشگیری و استفاده از توان انتظامی یک شهری گام اول همانا شناسایی بستر آسیب‌زا و در حقیقت کشف کانون‌های جرم‌خیز خواهد بود، در حقیقت اگر مشکل و نقاط ضعف که در اینجا کانون‌های جرم‌خیز می‌باشند کشف و شناسایی نشود امکان برنامه‌ریزی، پیشگیری و برخورد وجود نخواهد داشت. در این زمینه سامانه‌های اطلاعاتی مدرن و رایانه-ای به کمک مدیریت شهری و انتظامی درآمده است و در اکثر شهرهای کشورهای پیشرفته و مدرن با این الگویی‌ها و در واقع کشف معلول و سپس به دنبال برنامه‌ریزی و رفع نقایص موجود و کشف علت جرم‌خیزی می‌پردازند. شهر سمنان با توجه به موقعیت و جایگاه اداری - سیاسی خود در استان سمنان و همچنین ویژگی‌های صنعتی که دارد با جمعیت رو به ازدیاد و عمدتاً مهاجر که از مناطق مختلف استان و یا دیگر استان‌های کشور و یا حتی مهاجرین خارجی که اغلب تابعه کشور افغانستان هستند، پتانسیل بالایی در امر جرم‌خیزی از منظر فرهنگی و اجتماعی، کالبدی (بافت فرسوده و قدیمی زیاد در سطح شهر)، شرایط اقتصادی ضعیف برخی محلات واقع در بافت فرسوده و غیره را دارا می‌باشد؛ که این عوامل باعث شده است تا برخی مناطق خاص از شهر که دارای یک سری ویژگی‌های محیطی و اجتماعی خاصی هستند، نسبت به سایر مناطق شهر بیشتر در معرض سرقت قرار گرفته و در واقع میزان وقوع سرقت در سطح آن‌ها نسبت به سایر مناطق بسیار بالا باشد و باعث تبدیل این مناطق به کانون‌های جرم سرقت شهر سمنان شوند که شناسایی این کانون‌ها در سطح شهر و همچنین بررسی و کشف عواملی که باعث شکل‌گیری این کانون‌ها شده است، می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین راهکار در زمینه پیشگیری و کاهش جرم سرقت مطرح باشد.

مطابق یافته‌های این پژوهش بزه سرقت بیشتر در محلات مرکزی شهر سمنان رخ داده است و مهم‌ترین کانون‌های تمرکز بزه این سرقت بر محله کهنه دژ و به عبارت بهتر محدوده بازار سمنان انطباق یافته است. وجود اهداف و فرصت‌های مناسب در این مناطق و مخصوصاً در محدوده میدان امام تا چهارراه مازندران موجب بالا بودن میزان ارتكاب بزه سرقت در این مناطق بوده است. در واقع تنها کانون جرم‌خیز بزه سرقت در محدوده بخش مرکزی شهر (میدان امام تا چهارراه مازندران) و بافت قدیمی بازار سنتی شهر سمنان بوده است. شلوغی این محدوده در برخی ساعات خاص (ساعات اولیه صبح تا هنگام ظهر)، شرایط محیطی محدوده بازار، وجود ورودی‌های متعدد در کوچه‌های پیرامون بازار و عدم پوشش انتظامی مناسب از دلایل اصلی وقوع بزه سرقت در این بخش از شهر بوده است. از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که باعث شکل‌گیری این کانون شده است را می‌توان به کاربری غالب تجاری محدوده، بافت فرسوده و قدیمی منطقه که اغلب دارای وضعیت کالبدی نامناسبی می‌باشند، کوچه‌های تنگ و باریک و نفوذناپذیری اغلب مناطق داخلی محدوده، عدم رعایت اصول CPTED در طراحی کالبد محدوده و شکل‌گیری نقاط گیر در سطح آن، کمبود نظارت طبیعی و چشمان ناظر در داخل بافت محدوده، مهاجرت ساکنین بومی محدوده به مناطق شمالی شهر به دلیل شرایط نامساعد محله و کمبود خدمات شهری در آن و جایگزینی آنان توسط افراد مهاجر که اغلب از سطح طبقه اقتصادی - اجتماعی پایینی برخوردارند و اغلب افراد مهاجر روستایی و یا اتباع افغانی که غالباً به صورت مجردي در سطح محدوده زندگی می‌کنند اشاره کرد.

از نظر تحلیل زمانی جرایم براساس یافته‌ها می‌توان به یک نوع رابطه بین ساعات اداری و وقوع جرم چه از نظر ماه‌های سال و چه در طی ایام هفته رسید به‌طوری که میزان وقوع جرم از ساعات ۰۸:۰۰ الی ۱۴:۰۰ به‌طور فزاینده‌ای افزایش می‌یافته است. همچنین از نظر ماه‌های سال طی ماه‌های آخر سال یعنی بهمن و اسفند و همچنین اردیبهشت و خرداد وقوع سرقت نسبت به ماه‌های دیگر دارای رشد چشمگیری است و نهایتاً در بین ایام هفته دو روز ابتدایی هفته بیشترین میزان وقوع سرقت را در بین ایام هفته به خود اختصاص داده‌اند. لذا با این بررسی‌ها می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که جرم سرقت شهر سمنان از

نظر زمانی چه ساعت، هفته و ماه کاملاً با زمان‌های شلوغی شهر منطبق است؛ و زمان‌های ازدحام جمعیت مصادف با زمان‌های پیک سرقت بوده است.

با بررسی فرصت‌های بزهکاری و شرایط مکانی و الگوهای فضایی که موجب افزایش احتمال ارتکاب بزه سرقت در سطح شهر سمنان شده است، بایستی جهت کنترل مکان‌های مستعد وقوع این نوع بزه اقدام شود. به عبارت دیگر با شناخت، اصلاح و کنترل مشخصه‌های مکانی و ویژگی‌های محیطی که در اندیشه یک مجرم بالقوه، برای ارتکاب بزه مناسب و مفید تشخیص داده می‌شود، می‌توان از بروز بزهکاری پیشگیری کرد. با استفاده از یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد راهکارهای زیر برای کنترل بزه سرقت و افزایش امنیت در شهر سمنان مؤثر است:

- با توجه به نتیجه تحقیق و شکل‌گیری الگوی خوشه‌ای جرم سرقت در شهر سمنان و عدم پخشایش زیاد آن در کل سطح شهر، بهتر است حضور پلیس در محدوده کانون‌های جرم‌خیزی که در این پژوهش شناسایی شد، مخصوصاً در محدوده میدان امام تا چهارراه مازندران و شهرک مسکن مهر به منظور اینکه امکان کنترل مناسب انتظامی را در این محدوده‌ها افزایش داده و به تبع آن با افزایش کنترل انتظامی فرصت‌های بزهکاری برای سارقین کاهش می‌یابد؛ بطور مناسب برنامه‌ریزی شود، بنابراین مکان‌یابی و احداث مراکز انتظامی حتی به صورت واحدهای کوچک و به شکل کانکس‌های انتظامی در این محدوده‌ها ضروری به نظر می‌رسد.
- با توجه به نتیجه دوم تحقیق یعنی تحلیل زمانی سرقت بهتر است گشت‌های انتظامی در ساعات پیک وقوع جرم یعنی ساعات نزدیک ظهر که بیشترین سرقت‌ها به وقوع پیوسته، در کانون‌های جرم حضور مؤثر داشته باشند
- از نظر ماه‌های سال و همچنین ایام هفته بهتر است به منظور کاهش وقوع سرقت در روزهای شنبه و همچنین ماه‌های پایانی سال مخصوصاً ماه‌های بهمن و اسفند گشت‌های پلیس هدمند و بصورت متمرکز در مکان‌های جرم‌خیز حضور داشته باشند.
- نصب دوربین‌های مدار بسته در محدوده میدان امام تا چهارراه مازندران، بدلیل ناآشنا بودن و حس غریبگی بالا در این مناطق و عدم شناخت از هم‌دیگر به‌منظور نظارت مستقیم بر اموال و دارایی‌های افراد در این مناطق.

منابع

- بارانی، محمد و کلانتری، محسن و جباری، کاظم، (۱۳۸۹)، تحلیل الگوهای مکانی - زمانی بزهکاری در مناطق شهری (مطالعه موردی: جرایم سرقت به عنف و شرارت و باج‌گیری در بخش مرکز شهر تهران)، تهران، انتظام اجتماعی، (۱)۲.
- بواندیا، هرماندو گومز، (۱۳۸۰)، جرایم شهری، گرایش‌ها و روش‌های مقابله با آن‌ها، ترجمه گیوه‌چیان، فاطمه، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پرهیز، فریاد و مشکینی، ابوالفضل و مهدنژاد، حافظ و مرادی‌نیا، سجاد، (۱۳۹۰)، تشکیل پایگاه داده‌ای جرایم شهری با استفاده از تکنیک‌های گرافیک مبنا، درون‌یابی و سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی GIS، (مورد مطالعه جرایم ارتكابی شهر زنجان)، تهران، مطالعات امنیت اجتماعی.
- پوراحمد، احمد و رهنمایی، محمدتقی و کلانتری، محسن، (۱۳۸۲)، بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران، تهران، پژوهش‌های جغرافیایی، ۴۴.
- پیشگاهی فرد، زهرا و کلانتری، محسن و پرهیز، فریاد و حق‌پناه، احسان، (۱۳۹۰)، تحلیل جغرافیایی کانون‌های جرم‌خیز جرایم مرتبط با مواد مخدر در شهر کرمانشاه، اصفهان، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۱۱.
- تیلور، رالف بی و هارل ادل وی، (۱۳۸۹)، محیط کالبدی و بزهکاری، ترجمه کلانتری محسن و قزلباش، سمیه، زنجان، آذرکلک.
- جباری، کاظم، (۱۳۸۸)، شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز شهری با استفاده از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی GIS، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زنجان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی زنجان.

- جیسون، سوزان و ویلسون، پل آر، (۱۳۹۰)، طراحی محیطی جرم ستیز: پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی؛ ترجمه کلانتری، محسن و سلامی بیرامی، ابودر، زنجان، آذرکلک.
- سالنامه آماری استان سمنان، (۱۳۹۰). تهران، مرکز ملی آمار.
- شمعی، علی و موحد، علی و ویسی، رضا، (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل فضایی جرایم مواد مخدر در کلان شهر تهران مورد مطالعه: منطقه ۲ شهرداری تهران، تهران، بررسی مسائل اجتماعی ایران، (۲)۵.
- عبادی نژاد، سید علی و کنعانی، اکبر و مهدوی نیا، مهدی، (۱۳۹۸)، شناسایی کانون‌های جرم‌خیز سرقت داخل خودرو و بررسی تأثیر تراکم جمعیت در شکل‌گیری این کانون‌ها در شهر گرگان، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۲۵، ۳۷-۵۰.
- عباسی ورکی، الهام، (۱۳۸۷)، شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز شهر قزوین با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زنجان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه زنجان.
- غنی‌زاده، جهان‌آقا و کلانتری، محسن، (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی نظم و امنیت در پارک‌های شهر تهران با استفاده از اصول و راهبرد-های پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، تهران، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، (۳)۵.
- فلسون، مارکوس و کلارک، رونالد وی، (۱۳۸۹) فرصت و بزهکاری، نگرشی کاربردی برای پیشگیری از جرم، ترجمه کلانتری، محسن و قزلباش سمیه، زنجان، آذرکلک.
- قدس، محسن و کامیابی، سعید، (۱۳۹۳)، استفاده از تکنیک AHP در محیط GIS برای مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی (مطالعه موردی: شهر سمنان)، سمنان، کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی، (۳)۲
- قصری، محمد و کلانتری، محسن و جباری، کاظم و قزلباش، سمیه، (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر نوع و میزان کاربری اراضی شهری در شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری، مطالعه موردی: جرایم مرتبط با مواد مخدر در بخش مرکزی شهر تهران، تهران، ژئوپلیتیک، (۲)۷
- کامیابی، سعید و سیدعلی پور، سیدخلیل و میرعمادی، ابراهیم، (۱۳۹۵)، ارزیابی ایمنی فضای شهری با تأکید بر شاخص‌های پدافند غیرعامل با استفاده از روش AHP و TOPSIS مطالعه موردی: شهر سمنان، تهران، پدافند غیرعامل، (۱)۷
- کامیابی، سعید و طاهری، سید مجتبی، (۱۳۹۴)، بررسی و مکان‌یابی مراکز پارکینگ طبقاتی با استفاده از روش AHP و TOPSIS (مطالعه موردی: شهر سمنان)، مازندران، مطالعات برنامه‌ریزی شهری، (۹)۳
- کلانتری، محسن و پوراحمد، احمد و ابدالی، یعقوب و الله قلی پور، سارا، (۱۳۹۷)، تحلیل فضایی کیفیت زندگی در کانون‌های جرم-خیز (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهر تهران)، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۲۱، ۱-۳۰.
- کلانتری، محسن و توکلی، مهدی، (۱۳۸۶)، شناسایی کانون‌های جرم‌خیز شهری، تهران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، (۲)۲
- کلانتری، محسن و قزلباش، سمیه و یغمایی، بامشاد، (۱۳۸۹)، بررسی جغرافیایی کانون‌های جرم‌خیز شهری زنجان (مورد مطالعه: جرایم مرتبط با مواد مخدر)، تهران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۷۴.
- کلانتری، محسن و قزلباش، سمیه و یغمایی، بامشاد، (۱۳۹۱)، بررسی الگوهای مکانی بزهکاری در سطوح منطقه‌ای مورد شناسی: جرایم مرتبط با مواد مخدر در استان خراسان جنوبی، زاهدان، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، ۴.
- کلانتری، محسن، (۱۳۸۰)، بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، پایان‌نامه دوره دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، به راهنمایی محمدتقی رهنمایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- مهندسین مشاور آرمانشهر، (۱۳۹۴)، طرح جامع شهر سمنان.
- نظریان، اصغر و زیاری، یوسفعلی و خزاعی، نساء، (۱۳۹۲)، بررسی نظریات جرم‌شناسی محیطی در ارتباط با پیشگیری از بزهکاری در محیط‌های شهری، اصفهان، پژوهش‌های علوم انسانی دانشگاه اصفهان، (۴)۲۱.
- نوغانی دخت بهمنی، محسن و میر محمدتبار، سیداحمد، (۱۳۹۴)، بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم (فراتحلیلی از تحقیقات انجام شده در ایران)، اصفهان، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، (۳)۴
- ولد، جرج و برنارد، توماس و اسنیپس، جفری، (۱۳۸۸)، جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، ترجمه شجاعی، علی، تهران، سمت.
- یزدانی، محمدحسن و فیروزی مجنده، ابراهیم و هاشمی، جواد، (۱۳۹۷)، بررسی الگوی پراکنش فضایی جرایم سرقت در شهر اردبیل به منظور شناسایی کانون جرم‌خیز سرقت، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۲۲، ۱۳۷-۱۶۴.
- Conrow, L., Aldstadt, J. & Mendoza, N. S. (2015), A spatio-temporal analysis of on-premises alcohol outlets and violent crime events in Buffalo, NY, Applied Geography 58 (2015) 198e205.

- Cozens, P. (2008). Crime prevention through Environmental Design In western australia: Planning for sustainable urban futures, 3(3), 272-292. <https://doi.org/10.2495/SDP-V3-N3-272-292>
- Engel, C., Beckenkamp, M., Glöckner, A., Irlenbusch, B., Hennig-schmidt, H., Kube, S., ... Towfigh, E. (2014). International Review of Law and Economics First impressions are more important than early intervention : Qualifying broken windows theory in the lab. *International Review of Law & Economics*, 37, 126–136. <https://doi.org/10.1016/j.irl.2013.07.005>
- Gau, J. M., Corsaro, N., & Brunson, R. K. (2014). Journal of Criminal Justice Revisiting broken windows theory : A test of the mediation impact of social mechanisms on the disorder – fear relationship. *Journal of Criminal Justice*, 42(6), 579–588. <https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2014.10.002>
- Ha, T., Oh, G., & Park, H. (2015). Comparative analysis of Defensible Space in CPTED housing and non-CPTED housing. *International Journal of Law, Crime and Justice*, 43(4), 496–511. <https://doi.org/10.1016/j.ijlcj.2014.11.005>.
- Hedayati, M., Abdullah, A., & Ignatius, J. (2016). International Journal of Law, Crime and Justice Examining the effects of crime prevention through environmental design (CPTED) on Residential Burglary, 46, 86–102.
- Hinkle, J. C., & Yang, S. (2014). Journal of Criminal Justice A New Look into Broken Windows : What Shapes Individuals ' Perceptions of Social Disorder?. *Journal of Criminal Justice*, 42(1), 26–35. <https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2013.11.002>
- Hipp, J. R., & Kane, K. (2017). Cities and the larger context: What explains changing levels of crime? *Journal of criminal justice*, 49, 32-44.
- Ratcliffe, J. H. (2004). The Hotspot Matrix: A Framework for the Spatio-Temporal Targeting of Crime Reduction. *Police Practice and Research*, 5(1), 5–23. <https://doi.org/10.1080/1561426042000191305>
- Sampson, R. J., & Raudenbush, S. W. (2004). Seeing Disorder : Neighborhood Stigma and the Social Construction of “ Broken Windows ”*, 67(4), 319–342.
- Sharma, R., Palria, S. and Bhalla, P. (2016), Crime mapping analysis of Ajmer city -A GIS approach, *Journal of Geomatics* Vol 10 No. 1 April 2016

تحلیل میزان اثرگذاری فرایندهای جهانی شدن بر کیفیت زندگی روستاییان مطالعه موردی: روستاهای دهستان کبود گنبد شهرستان کلات

حمداالله سجاسی قیداری^۵ - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
الهام عاشوری - کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
رمضان فخرایی - کارشناسی تکنولوژی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد، بجنورد، ایران
مجید جویانی آبی بیگلو - کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه سراج تبریز، تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۷

چکیده

به نظر می‌رسد که جهانی شدن برای مردم بیم و امید به ارمغان آورده است. در این بین آثار جهانی شدن بر روستاییان عمق و پیچیدگی بیشتری دارد. در این راستا تحقیق حاضر با هدف میزان اثرگذاری فرایندهای جهانی شدن بر کیفیت زندگی روستاییان انجام شده است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به شیوه پیمایش میدانی در بین ۱۰ نقطه روستایی با حجم نمونه ۱۱۸ نفر بوده است. جمع آوری داده‌ها از طریق ابزار پرسشنامه در قالب ۴۲ شاخص در سه بعد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی - محیطی در سطح دهستان کبودگنبد شهرستان کلات می‌باشد. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که روستاهای دهستان کبود گنبد، به طور نابرابر از فرایندهای جهانی تاثیر پذیرفته اند به طوری که روستای گرو با گرفتن رتبه یک بیشتر از سایر روستاها از فرایندهای جهانی تاثیر پذیرفته است. ویژگی‌های کارکردی روستاهای ایران نشان می‌دهد که به دلیل محدودیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه روستایی و تجربیات جهانی حاصل از جهانی شدن، تهدیدهای فراوری روستاها بیشتر از فرصت‌های پیش روی آنان است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، کیفیت زندگی، توسعه روستایی، تغییرات روستایی.

نحوه استناد به مقاله: سجاسی قیداری، حمداالله، عاشوری، الهام، فخرایی، رمضان و جویانی آبی بیگلو، مجید (۱۳۹۹)، تحلیل میزان اثرگذاری فرایندهای جهانی شدن بر کیفیت زندگی روستاییان (مطالعه موردی: روستاهای دهستان کبود گنبد شهرستان کلات)، پژوهشنامه جغرافیا و نظام‌های فضایی، ۱ (۴)، ۲۰-۳۸.

<http://jgss.ir/Article/15826>

مقدمه

هر عصری تکیه بر مفاهیمی دارد که تصور عموم مردم را به خود جلب می‌کند و اخیراً جهانی شدن به عنوان یکی از این مفاهیم در عصر ما ظهور کرده است (پور احمد و رستمی، ۱۳۸۴: ۳) بدون شک، جهانی شدن باعث بوجود آمدن رابطه غیر قابل انکاری بین سطوح محلی، ملی و بین‌المللی شده است (نجاززاده، ۱۳۹۱: ۲). جهانی شدن اصطلاحی است که در تفسیر دنیای چند بعدی و پیچیده امروز کاربرد دارد و دربرگیرنده دگرگونی‌های رخ داده در روندهای کنونی جریان‌های اجتماعی و فرهنگی است (روبرتس، ۲۰۰۸: ۱). از نکات عمده و مهمی که همواره در جهانی شدن مطرح است، تاثیرگذاری پیامدهای آن بر فرهنگ محلی و روستایی است. این نگرانی وجود دارد که با توسعه جهانی شدن در فرهنگ جهانی حل شوند و با آن درآمیزند و از بین بروند. ایجاد فرهنگ واحد مصرفی جهانی و نابودی و یکپارچگی محصولات و جوامع محلی از تبعات منفی جهانی شدن است (تن دون، ۲۰۰۴: ۲). اما باید در نظر داشت که کیفیت زندگی در محیط‌های روستایی تحت تاثیر و عوامل و نیروهای متعدد و گوناگونی می‌باشد. یکی از مهم‌ترین عوامل و نیروها، فرایندهای جهانی شدن است که عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی روستاها را در بر گرفته است، بطوریکه شکل‌گیری و تبدیل شدن زندگی روستاییان به زندگی شهری و مدرن تحت تاثیر این فرایند بوده است (وثوقی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳). نادیده گرفتن مسائل و مشکلات روستاییان موجب اتلاف انرژی و توانایی بخش عظیمی از جامعه می‌شود. عدم توجه به زندگی روستاییان در عرصه‌های مختلف در روستا، امکان به نتیجه رساندن بسیاری از طرح‌های اجتماعی و اقتصادی را بی نتیجه می‌سازد، یکی از عواملی که موجب می‌شود روستاییان در عرصه‌های مختلف روستا حضور و فعالیت داشته باشند بهبود کیفیت زندگی در روستا یک فرصت و منفعتی است برای برنامه‌ریزان روستایی تا از بروز مشکلات اجتماعی، اقتصادی و ... جلوگیری کنند و در نهایت به بهبود شرایط زندگی در روستاها کمک کنند (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۷: ۳). روستاهای ایران در دهه‌های گذشته به ویژه دو دهه اخیر با رشدی روزافزون تحت تاثیر این فرایند روبرو بوده اند. بطوریکه گسترش روز افزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و پیشرفت‌های بشری ناشی از علم و تکنولوژی و ... علاوه بر تحت تاثیر قرار دادن شهرها به روستاها نیز نفوذ کرده، هم اکنون روستاها در ابعاد مختلف کیفیت زندگی از جمله کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و ... تحت تاثیر این پدیده و فرایندهای ناشی از آن قرار گرفته‌اند. امروزه فرهنگ جهانی با نیروی عظیم تبلیغات و قدرت روز افزون، تقریباً می‌تواند هر نقطه از دنیا را تحت تاثیر خود قرار دهد، حتی روستاهای دور افتاده و کوچک را و سپس تاثیری نازدودنی بر کیفیت زندگی محلی بر جای نهد. امروزه هر کدام از ابعاد کیفیت زندگی در روستاها به گونه‌ای از فرایندهای جهانی تاثیر پذیرفته‌اند جهانی شدن که یک پدیده گسترده جهانی است، آثار متفاوتی بر زندگی مردم جهان، از جمله شهری روستایی، بر جای نهاده است (با اقتباس از طاهرخانی، ۱۳۸۳: ۲). فشارهای ناشی از جهانی شدن بر نواحی روستایی بیشتر از سایر نواحی است، زیرا تراکم پایین جمعیت، تنوع فعالیت‌های اقتصادی و سطح نامتعارف بالای فقر بر شدت آسیب‌پذیری نواحی روستایی می‌افزاید (محمدنژاد و خدادادی، ۱۳۹۰: ۲). این مسائل ما را به این سوال رهنمون می‌کند که فرایندهای جهانی چه تاثیراتی بر کیفیت زندگی روستاییان دارد؟ از آنجا که تحقیقات متعددی در زمینه جهانی شدن و کیفیت زندگی صورت گرفته اما همه آن‌ها به نوعی این دو مقوله را به طور جداگانه مورد سنجش قرار داده‌اند و همچنین خلاء مطالعات صورت گرفته در این حوزه در کشورهای در حال توسعه همچون

ایران و به خصوص شهر مشهد، و همچنین کمبود دانش کافی در زمینه اختلاف سطوح کیفیت زندگی در مقیاس‌های کوچک همچون روستا و... از مهم‌ترین ضرورت‌های انجام این مطالعه است.

جدول ۱: ادبیات تحقیق پیرامون کیفیت زندگی و جهانی شدن

محقق	عنوان تحقیق	یافته‌های تحقیق
قنبری و همکاران، ۱۳۹۲	سنجش و ارزیابی شاخص کیفیت زندگی در مناطق روستایی	نتایج این پژوهش نشان داد میزان رضایتمندی از کیفیت زندگی و سطح کیفیت زندگی مردم دهستان میانده از نظر ابعاد سلامت جسمانی و روانی، در حد متوسط و بالاتر است؛ اما از حیث ابعاد سلامت محیط، سلامت اجتماعی و اقتصادی، میانگین رضایتمندی، پایین‌تر از حد متوسط است. به علاوه بررسی‌ها نشان داد بین رضایتمندی از ابعاد پنج گانه کیفیت زندگی، همبستگی مستقیم وجود دارد.
افتخاری، رکن‌الدین و همکاران، ۱۳۸۹	ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی	در این مقاله سعی شده است که به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که ویژگی‌های کیفیت زندگی از دیدگاه جامعه نمونه کدام‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که بر اساس دیدگاه‌های جامعه نمونه، کیفیت آموزش، کیفیت محیط مسکونی، کیفیت محیط فیزیکی و کیفیت درآمد و اشتغال، پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شده‌اند. همچنین یافته‌های تحقیق نشان دهنده آن است که میان جامعه نمونه به لحاظ رضایتمندی از مولفه‌های موثر بر کیفیت زندگی، تفاوت معنا داری وجود دارد.
صابونچی، ۱۳۹۰	نگرش برنامه چهارم توسعه به کیفیت زندگی و بررسی میزان تحقق شاخص‌های آن	در این مقاله به مشاهده اثرات تغییرات و سیاست‌گذاری‌ها و اندازه و اهمیت آن، به طور عینی در برنامه چهارم می‌پردازد. عملکرد شاخص‌های ناظر بر کیفیت زندگی در بخش‌های مختلف برنامه چهارم گویای این است که با وجود آنکه در مبانی نظری برنامه چهارم بعد از انقلاب، کیفیت زندگی در سه قلمرو نیازهای حمایتی، نیازهای محیطی و نیازهای اساسی مورد توجه بوده، اما در متن برنامه کیفیت زندگی ناظر بر نظام بهداشت و درمان است.
نجارزاده، ۱۳۹۱	تطبيق نظریات جهانی شدن فرهنگ در روستاها بر اساس شاخص‌های سبک زندگی.	نتایج مطالعه نشان می‌دهد که در منطقه یاد شده، تفاوت در سبک زندگی را نه در همه گروه‌ها بلکه عمدتاً در بین دانشجویان و شاخص رسانه‌ها مشاهده کرد و تاثیر پذیری از رسانه‌ها بر دیگر جنبه‌های زندگی آنان نیز سایه انداخته است.

منبع: تنظیم بر اساس منابع در دسترس، ۱۳۹۹

اسکات (۲۰۰۱) در تحقیق خود با تمرکز بر کیفیت زندگی نشان داده است که جهانی شدن به دلیل حذف مشاغل به ویژه در بخش صنعت اثر منفی بر کیفیت زندگی انسان‌ها دارد. به عقیده گیلن (۲۰۰۰) و همچنین سوروس (۲۰۰۱) جهانی شدن با کاهش حیطه نفوذ دولت، توانایی آنها را در ارتقای کیفیت زندگی کاهش می‌دهد. ساپکوتا در مقاله‌ای (۲۰۱۱) با استفاده از مدل اثرات ثابت و الگوی داده‌های تابلویی به بررسی اثر جهانی شدن بر کیفیت زندگی برای ۱۲۴ کشور در حال توسعه طی دوره‌های زمانی ۲۰۰۵-۱۹۹۷ پرداخته است. مدل وی نتایج حاصل از این تحقیق را نشان می‌دهد، که جهانی شدن باعث ارتقای سطح توسعه انسانی و توسعه جنسیتی و کاهش فقر انسانی، در کشورهای مورد مطالعه می‌باشد. اسپرسو (۱۹۹۹) به بررسی اثر آزاد سازی اقتصادی و کیفیت زندگی پرداخته است، در این پژوهش اثر آزاد سازی اقتصادی بر امید به زندگی و میزان سواد بررسی شده است. طبق نتایج بدست آمده، آزادی اقتصادی بیشتر، منجر به افزایش کیفیت زندگی و نیز بهبود کیفیت زندگی طی زمان شده است. زوئیلک (۲۰۰۱) نیز در مقاله‌ای نشان داده که آزاد سازی تجاری ناشی از جهانی شدن به رشد، قابلیت کارایی و دستمزدها کمک کرده و کیفیت زندگی

کارگران را افزایش می‌دهد. همانطور که از بررسی پیشینه تحقیق مشخص می‌گردد، در مطالعات داخلی میزان توجه به اثرگذاری جهانی شدن بر کیفیت زندگی ضعیف می‌باشد اما در مطالعات خارجی می‌توان مطالعاتی در این زمینه مشاهده کرد. بر این اساس هدف این مطالعه بررسی تاثیر فرایند جهانی شدن بر کیفیت زندگی روستاییان در روستاهای دهستان کبود گنبد شهرستان کلات می‌باشد. اهمیت این مطالعه از آنجا ناشی می‌شود که اگر بتوان عوامل موثر تاثیر گذاری که دارای تاثیر مثبت هستند به خوبی شناخت و در جهت تقویت آنها برنامه ریزی کرد و همچنین اثر عوامل مخرب بر کیفیت زندگی روستاییان را کاهش داد می‌توان به بهبود شرایط و زندگی روستاییان در روستا امیدوار شد. بر این اساس سوالات به این شکل قابل صورتبندی است که: تا چه میزان بین فرایندهای کیفیت زندگی روستاییان و به تبع آن توسعه روستا رابطه معناداری وجود دارد؟ و کدام بعد از ابعاد کیفیت زندگی بیشتر تحت تاثیر فرآیند جهانی شدن قرار گرفته است؟

مبانی نظری

جهانی شدن

در سال‌های اخیر جهانی شدن با توجه به روند پرشتاب خود، یکی از مهم‌ترین فرآیندهای فراگیر مشاهده در میان دانشمندان، سیاست‌گزاران، سیاست‌مداران و حتی عموم مردم بوده است. در نتیجه، دانشمندان تلاش‌های خود را به تجزیه و تحلیل اثرات جهانی شدن بر جنبه‌های مختلف زندگی انسان و جامعه اختصاص داده‌اند. تاکنون تعاریف متعددی از مفهوم جهانی شدن ارائه گردیده اما هنوز تعریفی جامع و فراگیر و مقبول همگان حاصل نشده است. دیوید هلد در کتاب مردم سالاری و نظام جهانی؛ جهانی شدن را حرکتی به سوی نوعی مردم سالاری جهان شمول می‌نگرد که در عین حال، کثرت فرهنگی و اقتصادی را نیز در برخواهد داشت (شیبانی، ۱۳۸۱: ۶). بحث و مجادلات دانشمندان در مورد مکانیسم اثر و برندگان و بازندگان جهانی شدن بسیار شدید است، بعضی از آنها کاملاً دیدی نقادانه نسبت به جهانی شدن دارند، به طوری که آنها معتقدند جهانی شدن، اثر منفی بر روی کیفیت زندگی و جامعه دارد. این افراد بر این باورند که جهانی شدن در حال ایجاد یک دوره جدید از تاریخ بشر است که در آن حکومت‌ها و دولت‌ها در بهبود کیفیت زندگی مردمان خود ناتوان هستند. به نظر آنان جهانی شدن موجب افزایش فقر و نابرابری درآمد و از دست رفتن هویت‌های محلی به ویژه روستاییان می‌شود. در مقابل نیز، بسیاری از دانشمندان تاثیر مثبت جهانی شدن بر کیفیت زندگی را باور دارند. به نظر هواداران جهانی شدن، فرصت‌هایی برای افزایش آگاهی و درآمد و دستمزد است که منجر به بهبود کیفیت زندگی می‌شود. به اعتقاد آنان جهانی شدن مزیت‌های زیادی برای انسان‌ها در پی خواهد داشت که هر کدام می‌تواند موجب تحول و افزایش روند پیشرفت کشورها گردد. گشایش بازارهای جهانی، افزایش رقابت، رفاه اجتماعی و اقتصادی بالاتر، گسترش دانش و تکنولوژی مثال‌هایی از این موارد هستند. با وجود این دو عقیده متضاد در مورد جهانی شدن بر شاخص کیفیت زندگی و اینکه همه قسمت‌های یک جامعه (شهر- روستا) خواه ناخواه درگیر فرآیند جهانی شدن می‌شوند (عبدی، ۱۳۹۲: ۸).

کیفیت زندگی

تاریخچه پیدایش مفهوم کیفیت زندگی به دوران ارسطو در ۳۸۵ سال قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد. توجه جغرافیا به کیفیت زندگی و مفاهیم مربوط به آن به اواخر دهه ۱۹۶۰ بر می‌گردد. مفاهیم اولیه کیفیت زندگی، در مباحث مربوط به توسعه پایدار ارائه شده است. کیفیت زندگی (QOL) نیز از اصطلاحات مبهم است که تعریف واحدی بر آن وجود ندارد. در حالت کلی QOL را شدت درجه انتخاب می‌دانند، حق انتخاب بیشتر برای ساکنان یک کشور به معنای کیفیت بالاتر زندگی در آن کشور است. در گذشته انتخاب را بیشتر با رویکرد اقتصادی در نظر می‌گرفتند، و تولید ملی سرانه را به عنوان شاخص QOL می‌دانستند. تولید ملی سرانه علیرغم اهمیتی که دارد برای بیان وضعیت جنبه‌های

اجتماعی QOL ناکافی به نظر می‌رسید. لذا سازمان ملل برای رفع این نقص شاخص توسعه انسانی (HDI) را برای اندازه گیری همه جانبه QOL معرفی کرد. شاخص توسعه انسانی بر اساس مهمترین اجزاء دخیل بر QOL یعنی عمر طولانی، تحصیلات و استانداردهای مناسب زندگی بنا شده است (عبدی، ۱۳۹۲: ۸). مطالعات نشان می‌دهد که هریک از متخصصان برای اندازه گیری یا سنجش کیفیت زندگی از شاخص هایی استفاده کرده اند، به طور کلی و با توجه به مطالعات جهانی و در نظر گرفتن ساختار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، می توان شاخص های کلی درج شده در جدول زیر را برای سنجش کیفیت زندگی روستاییان ارائه کرد (افتخاری وهمکاران، ۱۳۹۰: ۷۹).

جدول ۲: ابعاد و شاخص های تحقیق

بعد	شاخص
اقتصادی	تنوع فرصت شغلی، تنوع درآمدی، شیوه مصرف - مصرف گرایی، مادی گرایی
اجتماعی	مدگرایی، انسجام اجتماعی، اندازه خانواده، تغذیه، آگاهی و آموزش، بهداشت و سلامتی، امنیت، اوقات فراغت، ارزش های فردی و اعتقادی، ارزش های اجتماعی، تعامل اجتماعی
کالبدی - محیطی	کیفیت مسکن، کیفیت دسترسی، کیفیت محیط، کیفیت زیرساختها، مصرف منابع طبیعی، آلودگی محیطی، توسعه رسانه ها، استفاده از انرژی

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

در این تحقیق، از میان دو رویکرد فوق، با توجه به قرابت بیشتر ابعاد ذهنی با مفهوم سرمایه اجتماعی، از دیدگاه امریکایی کیفیت زندگی، یعنی کیفیت ذهنی زندگی ناظر بر زندگی روستایی است: یعنی ما کیفیت زندگی ذهنی را با تاکید بر عرصه زندگی - روستا- مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. بدین ترتیب در انتخاب شاخص های ارزیابی، ترکیبی از شاخصهای کیفیت زندگی و کیفیت محیط روستایی، با تاکید بر زندگی روستایی، مورد نظر پژوهشگران است.

روش تحقیق

روش تحقیق در مطالعه حاضر توصیفی - تحلیلی می‌باشد. اطلاعات مربوط به پیشینه تحقیق و کلیات موضوع، از طریق مطالعات کتابخانه ای و جستجو در سایتهای اینترنتی تهیه شده است. اطلاعات محیطی نیز به صورت میدانی و با استفاده از تکنیک های پرسشنامه، مصاحبه و بازدید از روستاهای نمونه، جمع آوری شده است. طراحی پرسشنامه بنابر ضرورت و هدف تحقیق یعنی اثرگذاری فرایندهای جهانی بر کیفیت زندگی در طیف پنج گزینه ای (۱: کم، ۵: خیلی زیاد) صورت گرفته است. با توجه به روایی در تدوین و تنظیم پرسشنامه با کسب نظرهای متخصصان و کارشناسان برنامه ریزی روستایی و اعمال اصلاحات لازم، روایی پرسشنامه تایید گردید. پایایی آن نیز با استفاده از فرمول ویژه آلفای کرونباخ و نرم افزار SPSS در بعد اقتصادی ۷۰ درصد، اجتماعی ۹۱ درصد، زیست محیطی ۹۰ درصد بدست آمدند که ۷۰ درصد در سطح متوسط و ۹۰ و ۹۱ درصد در سطح بسیار مطلوب می‌باشند. بدیهی است هر قدر آلفای کرونباخ به ۱ نزدیک تر باشد همبستگی درونی بین سوالات بیشتر و در نتیجه پرسش ها همگن تر خواهند بود. جامعه آماری این پژوهش تمامی اقشار روستاییان در ۱۰ روستای دهستان کبود گنبد شهرستان کلات می‌باشد. و در نهایت با استفاده از فرمول کوکران ۹۲ خانوار برآورد گردید، که این تعداد خانوار مجدداً با استفاده از قاعده تسهیم به نسبت در بین ۱۰ روستای ذیل تفکیک شده اند، و در نهایت حجم نمونه به ۱۱۸ رسید.

جدول ۳: آبادی های دارای سکنه

نام دهستان	تعداد آبادی (۱۳۹۰)	تعداد آبادی های دارای سکنه (۱۳۹۰)
کبودگنبد	۲۱	۲۰

ماخذ: سالنامه آماری ۱۳۹۵

با استفاده از فرمول کوکران ۹۲ خانوار به عنوان نمونه انتخاب شده که این تعداد خانوار مجدداً با استفاده از قاعده تسهیم به نسبت در بین ۱۰ روستای ذیل تفکیک شده اند. در نهایت حجم نمونه به ۱۱۸ رسید.

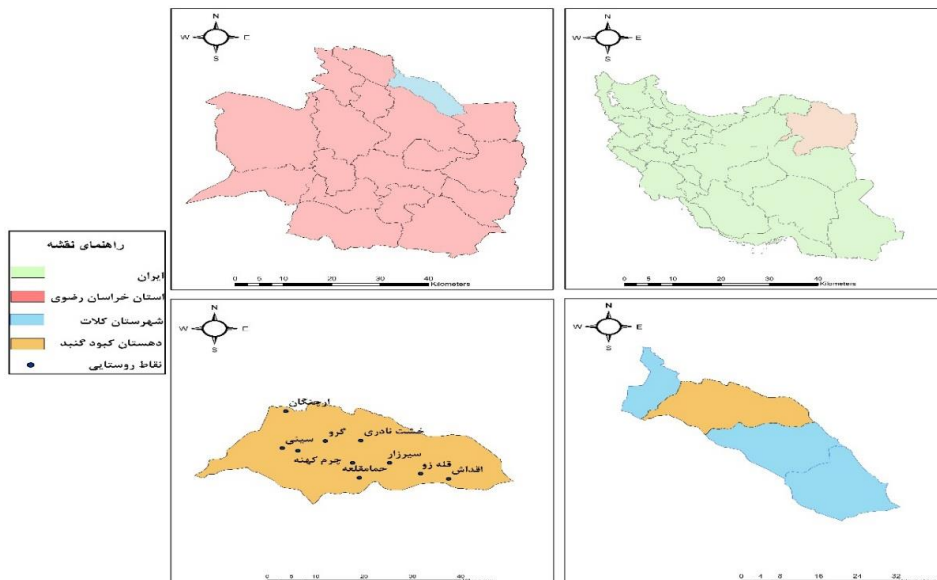
جدول ۴: تعداد نمونه گیری های صورت گرفته در محدوده مورد مطالعه

روستا	جمعیت	خانوار	تعداد نمونه ها	اصلاح جمعیت محدود
آقداش	۶۲۳	۱۷۲	۸	۱۰
سبزرار	۷۵۴	۱۸۸	۹	۱۰
قله زو	۹۷۸	۲۷۹	۱۳	۱۳
حمام قلعه	۸۲۲	۲۳۶	۱۱	۱۱
جلیل آباد	۱۸۴	۴۸	۲	۱۰
خشت	۳۷۱	۱۱۱	۵	۱۰
گرو	۱۹۴۷	۴۸۴	۲۳	۲۲
سینی	۳۵۴	۱۱۵	۵	۱۰
ارچنگان	۲۳۹	۸۰	۴	۱۰
چرم کهنه	۸۰۴	۲۴۸	۱۲	۱۲
جمع	۷۰۷۶	۱۹۶۱	۹۲	۱۱۸

ماخذ: جهاد کشاورزی دهستان کبودگنبد شهرستان کلات، ۱۳۹۹

تحقیق حاضر از جنبه هدف نیز کاربردی می‌باشد، زیرا نتایج حاصل از آن می‌تواند برنامه ریزان و تصمیم گیران امر را در زمینه امور اجتماعی و کاهش تاثیرات منفی تهاجم فرهنگی رهنمون باشد. روش تحقیق در این مطالعه بر اساس مطالعات میدانی، و جمع آوری داده ها از طریق پرسشنامه و روش نمونه گیری تصادفی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی اقشار روستاییان در روستاهای دهستان کبودگنبد شهرستان کلات می‌باشد. انتخاب نمونه از این جامعه آماری به صورت نمونه گیری تصادفی و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۱۸ نفر برآورد گردیده است.

شکل ۱: موقعیت جغرافیایی دهستان



یافته‌های تحقیق

بررسی های توصیفی از ۱۱۸ پرسشنامه نشان می‌دهد که در روستاهای مورد مطالعه، از مجموع پاسخگویان تعداد ۵۵ نفر را زنان (۴۶٫۶٪) و تعداد ۶۳ نفر را مردان (۵۳٫۴٪) تشکیل می‌دهند. از نظر سطح سواد داده‌ها نشان می‌دهد که سطح تحصیلات دیپلم و بی سواد به ترتیب با ۳۵٫۶٪ و ۲۲٫۶٪ بیشترین افراد پاسخگو را تشکیل می‌دهد. سطح تحصیلات دیپلم به بالا با (۲۱٫۱) و راهنمایی (۱۲٫۷)، ابتدایی (۷٫۶) درصد، به ترتیب سایر افراد پاسخگو را در بر می‌گیرند.

جدول ۵: ویژگیهای عمومی پاسخگویان

ویژگی عمومی	گروه‌ها	فراوانی مطلق هر گروه	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۶۳	۵۳٫۴
	زن	۵۵	۴۶٫۶
	جمع	۱۱۸	۱۰۰
سطح تحصیلات	بیسواد	۲۷	۲۲٫۶
	ابتدایی	۹	۷٫۶
	راهنمایی	۱۵	۱۲٫۷
	دیپلم	۴۲	۳۷
	دیپلم به بالا	۲۵	۲۱٫۱
جمع	۱۱۸	۱۰۰	

ماخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۹)

جدول ۶: میزان استفاده ماهیانه از اینترنت

مولفه	گروه‌ها	فراوانی مطلق هر گروه	درصد فراوانی
میزان استفاده ماهیانه از اینترنت	۰-۱	۱۴	۱۰
	۱-۱۰	۱۳	۱۱
	۱۰-۲۰	۱	۰٫۸
	۲۰-۳۰	۵	۴٫۲
	۳۰ و بیشتر	۱	۰٫۸
	جمع	۱۱۸	۱۰۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۹)

جدول فوق نشان می‌دهد که رنج ساعتی ۰-۱ با ۱۰ درصد بیشترین درصد از پاسخگویان و رنج ساعتی ۲۰-۳۰ ساعت با ۶٫۸ درصد کم‌ترین درصد از پاسخگویان را در خصوص ساعات استفاده از اینترنت را نشان می‌دهد.

جدول ۷: بررسی مولفه‌ها

مولفه	بلی	درصد	خیر	درصد	بدون پاسخ	درصد
استفاده از موبایل	۹۴		۲۴		۱۱۸	-
میزان استفاده از کامپیوتر	۵۹	۵۰	۵۹		۵۰	-
میزان استفاده از بازبهای کامپیوتری	۴۹	۴۱	۶۹		۵۸	-
فیلمهای خارجی	۵۱	۴۳٫۲	۶۷		۵۶٫۸	-
تمایل به خوردن غذاهای آماده	۲۴	۲۰٫۳	۹۳		۷۸٫۸	۸
لغات انگلیسی	۳۲	۲۷٫۱	۸۶		۷۲٫۹	-

زبان غیر محلی	۴۵	۳۸,۱	۲۳	۶۱,۹	-	-
مسافرت‌های خارجی	۴۹	۲۴,۶	۶۹	۷۴	-	-
مدهای جدید	۵۵	۴۶,۶	۶۳	۵۳,۴	-	-
لباس با طرح‌های خارجی	۵۱	۴۳,۲	۶۷	۵۶,۸	-	-
دکوراسیون‌های جدید	۶۶	۵۵,۹	۵۲	۴۴,۱	-	-
برنامه‌های ماهواره	۳۹	۳۳,۱	۷۹	۶۶,۹	-	-
موسیقی‌های خارجی	۴۸	۴۰,۷	۷۰	۵۹,۳	-	-

ماخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۹)

جدول بالا مولفه‌های موجود در روستاهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. بیشتر این متغیرها از فراوانی بالایی برخوردار است. و بیشتر روستاییان به لحاظ برخورداری از این متغیرها پاسخ مثبت داده‌اند.

بررسی نرمال بودن متغیرها

در این آزمون فرضیه صفر نرمال بودن داده‌هاست. اگر مقدار Z Kolmogorov-Smirnov بین $+1,96$ و $-1,96$ باشد و سطح معناداری کمتر از $0,05$ باشد، فرضیه صفر رد می‌شود و نرمال بودن داده‌ها تایید می‌شود. نتایج جدول (7) نشان می‌دهد که کلموگروف-اسمیرنوف هر سه بعد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی-محیطی بین $+1,96$ و $-1,96$ می‌باشد و سطح معناداری آن‌ها کمتر از $0,05$ می‌باشد. بدین منظور از آزمون t که برای بررسی نرمال بودن متغیرهاست استفاده می‌کنیم.

جدول ۸: آزمون کلموگروف-اسمیرنوف

نتیجه آزمون	سطح معنی داری	Kolmogorov-Smirnov Z	انحراف معیار	میانگین	بعد
تایید نرمال بودن	۰,۰۸	۱,۲۵	۱,۰۴	۲,۷۶	اقتصادی
تایید نرمال بودن	۰,۴۵	۰,۸۵۶	۰,۷۵۶	۲,۵۹	اجتماعی
تایید نرمال بودن	۰,۴۶	۰,۸۵	۰,۶۲۷	۲,۱۳	کالبدی-محیطی

ماخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۹).

بررسی شاخص‌های اصلی تحقیق

آزمون t

بعد اقتصادی پژوهش توسط ۶ شاخص بررسی گردیده است. به منظور بدست آوردن وضعیت اثرگذاری فرآیندهای جهانی بر کیفیت زندگی روستاییان از آزمون t مستقل استفاده شده است. با توجه به جدول (9) میانگین، انحراف معیار، مقدار t و سطح معناداری برای هر یک از شاخص‌های مورد نظر آمده است. در تمام این شاخصها سطح معنی داری (sig) کمتر از $0,05$ است که بیانگر تاثیرات فرآیندهای جهانی بر اقتصاد زندگی روستاییان می‌باشد. در بعد اقتصادی شاخص تقلید از سبک زندگی شهری با بالاترین میانگین بیشترین تاثیر گذاری را در زندگی روستاییان داشته است و شاخص فعالیت‌های اشتغال زایی با کمترین میانگین کمترین اثرگذاری را در این بعد از خود نشان داده است.

جدول ۹: شاخص‌های بعد اقتصادی تحقیق

شاخص	اختلاف میانگین	میزان اختلاف در سطح اطمینان ۹۵٪		سطح معنی داری	T مقدار	میانگین	انحراف معیار
		حد بالا	حد پایین				
تجمل‌گرایی	۲,۹	۳,۱۴	۲,۶۷	۰	۲۴,۵۶	۲,۹	۱,۲۸
شیوه مصرف	۳,۱۱	۳,۸۵	۲,۳۸	۰	۸,۴	۳,۱۱	۴,۰۳

۳,۰۸	۲,۲۷	۱۱,۵۳	۰	۲,۷	۳,۸۳	۳,۲۷	تقلید از سبک زندگی شهرنشینان
۰,۹۳	۲,۴۲	۲۸,۱۵	۰	۲,۵۲	۲,۵۹	۲,۴۲	کارافرینی
۰,۸۸	۲,۲۹	۲۸,۰۴	۰	۲,۱۳	۲,۴۵	۲,۲۹	اشتغال مولد و پایدار
۱,۱۷	۲,۶۱	۲۴,۰۹	۰	۲,۳۹	۲,۸۲	۲,۶۱	افزایش منابع درآمدی

ماخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۹).

بررسی اطلاعات گردآوری شده در بعد اجتماعی نشان داد میزان تاثیر حاصل از فرایندهای جهانی بر روی کیفیت زندگی اجتماعی روستاییان کاملا معنادار و چشم گیر است. از آنجایی که سطح معنی داری حاصل از آزمون t برای تمام شاخص‌ها کمتر از ۰/۰۵ است، لذا فرایندهای جهانی توانسته است موجبات اثرگذاری در بعد اجتماعی را تحقیق داشته باشد. با احتساب دامنه طیفی که بین ۱ تا ۵ بر اساس طیف لیکرت در نوسان است، نتایج نشان می‌دهد اثرگذاری فرایندهای جهانی بر ابعاد کیفیت زندگی بیشتر از حد متوسط ارزیابی شده‌اند. این تفاوت در سطح معناداری ۰,۰۵ معنادار و تفاوت مولفه‌ها از مطلوبیت عددی مورد آزمون مثبت می‌باشد. می‌توان با احتمال ۹۵٪ استدلال کرد که فرض H0 آزمون مبنی بر عدم تاثیر گذاری دومیانگین واقعی و مفروض رد شده و در مقابل، فرض H1 مبنی بر تاثیرگذاری این دومیانگین مورد پذیرش قرار می‌گیرد. در بعد اجتماعی شاخص تغییر فرهنگ با بالاترین میانگین بیشترین تاثیر را پذیرفته است و شاخص استفاده از نرم افزار (تلگرام، وایبر و...) کمترین تاثیر گذاری را داشته است.

جدول ۱۰: شاخص‌های بعد اجتماعی تحقیق

انحراف معیار	میانگین	مقدار t	سطح معنی داری Sig	میزان اختلاف در سطح اطمینان ۹۵٪		اختلاف میانگین	شاخص
				حد بالا	حد پایین		
۱,۲۷	۳,۱۰	۲۶,۴۸	۰,۰۰۰	۲,۸۷	۳,۲۳	۳,۱۰	تغییر فرهنگ پوشش
۱,۱۸	۲,۸۲	۲۵,۷۹	۰,۰۰	۲,۶۰	۳,۰۳	۲,۸۲	وحدت و یکپارچگی
۱,۲۲	۲,۷۰	۲۳,۹۰	۰,۰۰	۲,۴۷	۲,۹۲	۲,۷۰	حل اختلافات و دوری از نزاع
۱,۱۴	۲,۸۶	۲۷,۲۶	۰,۰۰	۲,۶۵	۳,۰۷	۲,۸۶	باروری
۱,۱۹	۲,۶۴	۲۴,۰۳	۰,۰۰	۲,۴۲	۲,۸۶	۲,۶۴	کاهش جمعیت
۰,۷۸	۲,۴۱	۳۳,۲۷	۰,۰۰	۲,۲۷	۲,۵۶	۲,۴۱	جایگزین کردن مواد غذایی سالم
۰,۸۲	۲,۳۸	۳۱,۵۳	۰,۰۰	۲,۲۳	۲,۵۳	۲,۳۸	الگوی وارداتی تغذیه
۱,۶۸	۲,۴۱	۱۵,۵۶	۰,۰۰	۲,۱۰	۲,۷۲	۲,۴۱	آگاهی و هشدار مواد سرطان زا
۱,۳۱	2,54	۲۱,۰۴	۰,۰۰	۲,۳۰	۲,۷۷	۲,۵۳	دانش و آگاهی
۰,۸۹	۲,۴۵	۲۹,۸۹	۰,۰۰	۲,۲۹	۲,۶۱	۲,۴۵	آموزش بکارگیری اینترنت
۰,۹۲	۲,۵۰	۲۹,۴۱	۰,۰۰	۲,۳۳	۲,۶۷	۲,۵۰	امنیت
۱,۱۲	۲,۳۲	۲۲,۴۲	۰,۰۰	۲,۱۱	۲,۵۲	۲,۳۲	امنیت مجازی
۱,۰۶	۱,۷۳	۱۷,۷۱	۰,۰۰	۱,۵۴	۱,۹۳	۱,۷۳	گوشی‌های هوشمند
۱,۱۹	۲,۰۹	۱۸,۹۴	۰,۰۰	۱,۸۷	۲,۳۰	۲,۰۹	سرگرمی‌های مجازی
۲,۲۶	۲,۳۳	۱۱,۱۷	۰,۰۰	۱,۹۲	۲,۷۴	۲,۳۳	مسافرت
۱,۱۶	۲,۶۶	۲۴,۹۱	۰,۰۰	۲,۴۴	۲,۸۷	۲,۶۶	تغییر ارزش‌های روستاییان
۱,۲۳	۲,۵۶	۲۲,۵۵	۰,۰۰	۲,۳۴	۲,۷۹	۲,۵۶	مسلط شدن ارزش‌های جهانی
۱,۱۲	۲,۷۴	۲۶,۶۰	۰,۰۰	۲,۵۴	۲,۹۵	۲,۷۴	تغییر ارزش‌ها
۱,۱۳	۲,۷۰	۲۵,۷۹	۰,۰۰	۲,۴۹	۲,۹۱	۲,۷۰	افزایش روابط
۰,۹۴	۲,۳۷	۲۷,۴۵	۰,۰۰	۲,۲۰	۲,۵۴	۲,۳۷	فردگرایی

ماخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۹).

شاخص‌های کالبدی-محیطی

در ارزیابی بعد کالبدی-محیطی بررسی اطلاعات گردآوری شده نشان داد میزان تاثیر حاصل از فرآیندهای جهانی بر بعد کالبدی-محیطی بیشتر از حد متوسط است لذا تغییرات ایجاد شده در بعد کالبدی-محیطی نیز کاملاً معنادار و محسوس است. لذا فرآیندهای جهانی توانسته است در بعد کالبدی-محیطی کیفیت زندگی روستاییان اثراتی داشته باشد. همانطور که ملاحظه می‌شود شاخص استفاده از وسایل نقلیه در این بعد با بالاترین میانگین توانسته است بیشترین تاثیرگذاری را در میان روستاییان داشته باشد و بر عکس شاخص امکانات تجاری با کسب پایین‌ترین میانگین کمترین تاثیرپذیری را داشته است.

جدول ۱۱: شاخص‌های بعد کالبدی-محیطی تحقیق

شاخص	اختلاف میانگین	میزان اختلاف در سطح اطمینان ۹۵٪		سطح معنی داری	مقدار t	میانگین	انحراف معیار
		حد بالا	حد پایین				
منابع جایگزین	۲,۵۳	۲,۷۴	۲,۳۲	۰,۰۰	۲۴,۰۴	۲,۵۳	۱,۱۴
استفاده از وسایل نقلیه	۳,۱۳	۳,۳۸	۲,۸۸	۰,۰۰	۲۴,۹۶	۳,۱۳	۱,۳۶
آلودگی صوتی	۲,۷۷	۳,۰۱	۲,۵۳	۰,۰۰	۲۲,۹۷	۲,۷۷	۱,۳۱
دسترسی به اینترنت و فناوری اطلاعات	۲,۴۴	۲,۶۳	۲,۲۵	۰,۰۰	۲۵,۴۶	۲,۴۴	۱,۰۴
وسایل ارتباط جمعی	۲,۰۷	۲,۲۳	۱,۹۲	۰,۰۰	۲۶,۳۹	۲,۰۷	۰,۸۵
انرژی‌های پاک	۲,۳۷	۲,۵۶	۲,۱۷	۰,۰۰	۲۴,۳۰	۲,۳۷	۱,۰۶
انرژی‌های جدید	۲,۲۷	۲,۳۵	۲,۰۴	۰,۰۰	۵,۳۳	۲,۲۷	۴,۶۲
امکانات تجاری	۱,۶۱	۱,۷۷	۱,۴۴	۰,۰۰	۱۹,۷۱	۱,۶۱	۰,۸۸
امکانات بهداشتی	۱,۹۸	۲,۱۶	۱,۸۰	۰,۰۰	۲۱,۸۲	۱,۹۸	۰,۹۸
امکانات آموزشی	۲,۲۷	۲,۰۷	۲,۰۷	۰,۰۰	۲۲,۶۰	۲,۲۷	۱,۰۹
بهداشت محیط	۲,۹۵	۳,۱۷	۲,۷۳	۰,۰۰	۲۶,۸۱	۲,۹۵	۱,۱۹
پارک و فضای سبز	۲,۰۰	۲,۱۷	۱,۸۳	۰,۰۰	۲۳,۲۵	۲,۰۰	۰,۹۳
زیرساخت‌ها	۲,۳۶	۲,۵۴	۲,۲۰	۰,۰۰	۲۶,۵۷	۲,۳۶	۰,۹۶۰
رعایت قوانین ساخت و ساز	۲,۴۵	۲,۵۴	۲,۱۸	۰,۰۰	۲۷,۶۸	۲,۴۵	۰,۹۶
امکانات	۲,۶۱	۲,۶۳	۲,۲۸	۰,۰۰	۲۶,۰۱	۲,۶۱	۱,۰۹
معماری	۲,۳۷	۲,۸۱	۲,۴۱	۰,۰۰	۳۲,۶۹	۲,۳۷	۰,۷۸

ماخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۹).

رابطه بین ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی-محیطی

در جدول شماره (۱۱) میزان همبستگی هریک از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی-محیطی مورد بررسی قرار گرفته است. باتوجه به داده‌های حاصل از همبستگی پیرسون، بین بعد اقتصادی با بعد اجتماعی و کالبدی-محیطی رابطه‌ی مثبت و معناداری در سطح ۰,۰۰ وجود دارد. وجود همبستگی بعد اقتصادی با خودش از نظر شدت بسیار قوی و در سطح معنی‌داری برابر با ۰,۰۰ می‌باشد. همچنین مقدار آماره پیرسون برای بعد اجتماعی ۰,۶۸۵ و در بعد زیست محیطی ۰,۶۰۸ می‌باشد که بیانگر این مطلب است که رابطه قوی بین این متغیرها وجود دارد و فرآیندهای جهانی تاثیرات زیادی بر این ابعاد داشته است.

جدول ۱۲: ارتباط بین بعد اقتصادی با بعد اجتماعی و زیست محیطی

ضریب همبستگی پیرسون	بعد		اقتصادی	اجتماعی	کالبدی-محیطی
	اقتصادی	مقدار آماره پیرسون	۱	۰,۶۸۵	۰,۶۰۸
		سطح معنی داری	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۹).

جدول شماره (۱۲) نشان می‌دهد که بین بعد اجتماعی با دو بعد اقتصادی و کالبدی-محیطی رابطه معناداری وجود دارد که مقدار آماره پیرسون نوع همبستگی و شدت آن را بیان می‌کند، شدت این رابطه قوی می‌باشد. سطح معنی داری در ۰,۰۰ نشان دهنده این است که بین این دو بعد رابطه معناداری وجود دارد. همچنین وجود رابطه بعد اجتماعی با خودش از نظر شدت بسیار قوی و معنادار می‌باشد. باتوجه به مقدار آماره و سطح معنی داری می‌توان این گونه استنباط کرد که فرایندهای جهانی تاثیرات زیادی در این سه بعد داشته است.

جدول ۱۳: ارتباط بین بعد اجتماعی با بعد اقتصادی و زیست محیطی

ضریب همبستگی پیرسون	بعد		اقتصادی	اجتماعی	کالبدی
	اجتماعی	مقدار آماره پیرسون	۰,۶۸۵	۱	۰,۷۱۴
		سطح معنی داری	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۹).

همانطور که در جدول شماره (۱۳) مشاهده می‌شود سطح معنی داری بین بعد زیست محیطی با بعد اجتماعی و اقتصادی ۰,۰۰، کوچک تر از ۰,۰۵ است و قابل تایید می‌باشد. همچنین میزان آماره پیرسون وجود رابطه معنادار و قوی بین ابعاد کالبدی-محیطی با دو بعد اجتماعی و اقتصادی را نشان می‌دهد البته رابطه بین بعد زیست محیطی با خودش از نظر شدت در سطح بسیار قوی است. باتوجه به نتایج بدست آمده می‌توان بیان کرد فرایندهای جهانی توانسته است تاثیرات چشمگیری در زمینه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی-محیطی داشته باشد.

جدول ۱۴: ارتباط بین بعد زیست محیطی با بعد اقتصادی و اجتماعی

ضریب همبستگی پیرسون	بعد		اقتصادی	اجتماعی	کالبدی-محیطی
	کالبدی-محیطی	مقدار آماره پیرسون	۰,۶۰۸	۰,۷۱۴	۱
		سطح معنی داری	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۹).

روش آنتروپی:

آنتروپی یک مفهوم بسیار با اهمیت در علوم اجتماعی، فیزیک و تئوری اطلاعات است. زمانیکه داده های یک ماتریس آنتروپی بطور کامل مشخص شده باشند، روش آنتروپی می‌تواند برای ارزیابی وزن ها بکار رود (پورطاهری، ۱۳۹۲: ۸۸). در این مرحله پس از نرمال کردن ماتریس به روش معمولی به محاسبه E، محاسبه درجه انحراف (d)، و محاسبه وزن می‌پردازیم.

جدول ۱۵: ماتریس نرمال شده شاخص‌های اقتصادی

نام روستا	درآمد	ایجاد اشتغال	کارافرینی	سبک زندگی	شیوه مصرف	تجمل گرایی
خشت	۰,۱۲	۰,۱۱	۰,۱۳	۰,۱۳	۰,۱	۰,۱۴
سیرزار	۰,۰۷	۰,۰۸	۰,۰۸	۰,۰۶	۰,۰۶	۰,۰۷

قله زو	۰,۱	۰,۱	۰,۱	۰,۱۱	۰,۰۸	۰,۱	
سینی	۰,۰۸	۰,۱۱	۰,۰۹	۰,۰۶	۰,۰۷	۰,۰۸	
گرو	۰,۱۲	۰,۱۱	۰,۱۳	۰,۱۸	۰,۱۳	۰,۱۳	
حمام قلعه	۰,۱۳	۰,۱۲	۰,۱۱	۰,۱۲	۰,۱	۰,۱۲	
جلیل آباد	۰,۱	۰,۰۹	۰,۱	۰,۰۹	۰,۰۹	۰,۱	
ارچنگان	۰,۰۹	۰,۰۸	۰,۰۷	۰,۰۵	۰,۰۷	۰,۰۶	
آقداش	۰,۰۷	۰,۰۹	۰,۰۸	۰,۰۶	۰,۰۷	۰,۰۶	
چرم	۰,۱۱	۰,۱۲	۰,۱۱	۰,۱۲	۰,۲۳	۰,۱۳	
E	-۰,۹۹	-۱,۰۰	-۰,۹۹	-۰,۹۷	-۰,۹۶	-۰,۹۸	
dj	۱,۹۹	۲	۱,۹۹	۱,۹۷	۱,۹۶	۱,۹۸	۱۱,۸۸
w	۰,۱۷	۰,۱۷	۰,۱۷	۰,۱۷	۰,۱۶	۰,۱۷	۱
F*	۰,۱۳	۰,۱۲	۰,۱۳	۰,۱۸	۰,۲۳	۰,۱۴	
F-	۰,۰۷	۰,۰۸	۰,۰۷	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۰۶	

طبق روش آنتروپی از محاسبه وزن‌ها نتیجه گرفتیم همه شاخص‌ها تقریباً از وزن یکسانی برخوردارند. بنابراین در روستاهای مورد مطالعه فرآیندهای جهانی می‌تواند با مدیریت درست در ابعاد اقتصادی تاثیر بسزا و موثری داشته باشد.

محاسبه روش ویکور:

روش ویکور از نوع مدل‌های چند معیاره است که برای تصمیم‌گیری‌های پیچیده استفاده می‌شود. در این روش پس از نرمال کردن ماتریس و وزن دهی، به تعیین نقطه ایده‌آل مثبت و منفی در هر شاخص می‌پردازیم و مقدار سودمندی و مقدار تاسف را محاسبه کرده و بر اساس کمترین رتبه، رتبه‌بندی می‌کنیم.

جدول ۱۶: ماتریس نرمال شده شاخص‌های اقتصادی

نام روستا	چرم	آقداش	ارچنگان	جلیل آباد	حمام قلعه	گرو	سینی	قله زو	سیرزار	خشت
افزایش منافع درآمدی	۰,۰۴	۰,۱۷	۰,۱۳	۰,۰۸	۰,۰۰	۰,۰۳	۰,۱۵	۰,۰۸	۰,۱۷	۰,۰۱
ایجاد اشتغال	۰,۰۰	۰,۱۱	۰,۱۷	۰,۱۱	۰,۰۰	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۶	۰,۱۳	۰,۰۲

کارافرینی	۰,۰۰	۰,۱۵	۰,۰۹	۰,۱۲	۰,۰۰	۰,۰۵	۰,۰۹	۰,۱۷	۰,۱۵	۰,۰۵		
تقلید از سبک زندگی شهرنشینان	۰,۰۷	۰,۱۵	۰,۰۹	۰,۱۵	۰,۰۰	۰,۰۸	۰,۱۲	۰,۱۷	۰,۱۵	۰,۰۶		
شیوه مصرف	۰,۱۲	۰,۱۶	۰,۱۴	۰,۱۵	۰,۰۹	۰,۱۲	۰,۱۳	۰,۱۵	۰,۱۶	۰,۰۰		
تجمل گرایی	۰,۰۰	۰,۱۵	۰,۰۸	۰,۱۳	۰,۰۲	۰,۰۴	۰,۰۹	۰,۱۷	۰,۱۷	۰,۰۳	-S	*S
sum	۰,۲۲	۰,۹۲	۰,۵۴	۰,۷۴	۰,۱۷	۰,۲۹	۰,۶۲	۰,۹۵	۰,۹۱	۰,۱۸	۰,۹۵	۰,۱۷
R	۰,۱۲	۰,۱۷	۰,۱۴	۰,۱۵	۰,۰۹	۰,۱۲	۰,۱۳	۰,۱۷	۰,۱۷	۰,۰۶	۰,۱۷	۰,۰۶
Q	۰,۳۳	۰,۹۸	۰,۶۲	۰,۸۰	۰,۱۷	۰,۳۷	۰,۶۱	۱,۰۰	۰,۹۷	۰,۰۰	-R	*R
رتبه	۳	۹	۶	۷	۲	۴	۵	۱۰	۸	۱		

ماخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۹).

نتایج حاصل از روش ویکور بر اساس رتبه‌دهی بیانگر تاثیر گذاری فرآیندهای جهانی بر بهبود کیفیت زندگی روستاییان است. بیشترین تاثیر را در بعد اقتصادی فرآیندهای جهانی در روستای چرم که اولین رتبه را به خود اختصاص داده می‌باشد. روستای چرم از لحاظ متغیرهای (افزایش منابع درآمدی، ایجاد اشتغال و...) بیشترین تاثیر را در بین روستای دیگر به خود اختصاص داده است. روستای گرو رتبه دوم، خشت رتبه سوم، روستای حمام قلعه رتبه چهارم، جلیل آباد رتبه پنجم و قلعه زو، رتبه ششم، سینی رتبه هفتم، آقداش رتبه هشتم، سیرزار رتبه نه و ارچنگان رتبه دهم را به خود اختصاص داده است که حاکی از قرار نگرفتن یا تاثیر پذیری کم این روستا در مقابل بعد اقتصادی فرآیندهای جهانی در این بعد می‌باشد.

جدول ۱۷: ماتریس نرمال شده شاخص های اجتماعی

نام روستا	خشت	سیرزار	قله زو	سینی	گرو	حمام قلعه	جلیل آباد	ارچنگان	آقداش	چرم
تغییر پوشش	۰,۰۴	۰,۰۵	۰,۰۳	۰,۷۸	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۴	۰,۰۷	۰,۰۵	۰,۰۱
وحدت	۰,۰۴	۰,۰۷	۰,۰۵	۰,۵۰	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۰۱
حل اختلاف	۰,۰۴	۰,۰۷	۰,۰۶	۰,۸۳	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۴	۰,۰۷	۰,۰۷	۰,۰۱
باروری	۰,۰۴	۰,۰۶	۰,۰۵	۰,۸۶	۰,۱	۰,۰۱	۰,۰۵	۰,۰۷	۰,۰۵	۰,۰۲
کاهش جمعیت	۰,۰۴	۰,۰۵	۰,۰۳	۰,۶۰	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۵	۰,۰۷	۰,۰۴	۰,۰۳
مواد غذایی سالم	۰,۰۴	۰,۰۷	۰,۰۲	۰,۶۷	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۵	۰,۰۷	۰,۰۵	۰,۰۲
الگوی تغذیه	۰,۰۴	۰,۰۷	۰,۰۲	۰,۶۷	۰,۰۲	۰,۰۵	۰,۰۲	۰,۰۵	۰,۰۵	۰,۰۲
آگاهی مواد سرطانی	۰,۰۴	۰,۰۶	۰,۰۷	۰,۷۵	۰,۰۶	۰,۰۵	۰,۰۰	۰,۰۷	۰,۰۵	۰,۰۵
دانش و آگاهی	۰,۰۵	۰,۰۰	۰,۱۰	۱,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۷	۰,۰۷	۰,۰۷	۰,۰۲	۰,۰۲
آموزش اینترنت	۰,۰۷	۰,۰۳	۰,۰۳	۰,۷۵	۰,۰۰	۰,۰۷	۰,۰۷	۰,۰۷	۰,۰۵	۰,۰۲
امنیت	۰,۰۴	۰,۰۶	۰,۱۱	۰,۸۳	۰,۰۴	۰,۰۰	۰,۰۷	۰,۰۶	۰,۰۶	۰,۰۵
امنیت	۰,۰۴	۰,۰۷	-۱,۱۹	۰,۶۰	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۷	۰,۰۳

مجازی													
گوشی هوشمند	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۰۹	۰,۷۱	۰,۰۰	۰,۰۶	۰,۰۷	۰,۰۷	۰,۰۷	۰,۰۲			
سرگرمیمجاز ی	۰,۰۰	۰,۲۹	-۰,۲۸	۱,۰۰	۰,۲۸	-۰,۲۹	-۰,۲۹	-۰,۲۹	۰,۲۹	۰,۲۸			
مسافرت	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۰۸	۰,۸۶	۰,۰۰	۰,۰۷	۰,۰۶	۰,۰۶	۰,۰۷	۰,۰۶			
تغییر ارزشهای روستایی	۰,۰۴	۰,۰۵	۰,۱۲	۰,۷۵	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۳	۰,۰۶	۰,۰۷	۰,۰۳			
ارزش های جهانی	۰,۰۴	۰,۰۵	۰,۱۵	۰,۸۳	۰,۰۰	۰,۰۳	۰,۰۵	۰,۰۷	۰,۰۶	۰,۰۱			
تغییر ارزش ها	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۱۰	۰,۷۸	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۴	۰,۰۷	۰,۰۵	۰,۰۲			
افزایش روابط	۰,۰۴	۰,۰۶	۰,۱۳	۱,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۴	۰,۰۵	۰,۰۷	۰,۰۷	۰,۰۴			
فرد گرایی	۰,۰۴	۰,۰۶	۰,۱۶	۰,۸۳	۰,۰۶	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۰۶	۰,۰۷	۰,۰۶			
SI	۰,۴۷	۰,۷۱	-۰,۱۹	۱۵,۶	۰,۰۲	۰,۲۹	۰,۵۸	۰,۸۹	۰,۷۷	۰,۲۳	۱۵,۶	۰,۱۹	
RI	۰,۰۷	۰,۰۷	۰,۱۶	۱,۰۰	۰,۰۶	۰,۰۷	۰,۰۷	۰,۰۷	۰,۰۷	۰,۰۶	۱	۰,۰۶	
Q	۰,۰۳	۰,۰۳	۰,۰۵	۱,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۳	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۵۱			
رتبه	۴	۷	۳	۱۰	۱	۲	۶	۸	۵	۹			

ماخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۹).

نتایج حاصل از روش از روش ویکور بر اساس رتبه‌دهی بیانگر تاثیر گذاری فرآیندهای جهانی بر بهبود کیفیت زندگی روستاییان است. فرآیندهای جهانی در روستای گرو که اولین رتبه را به خود اختصاص داده تاثیرپذیری بیشتری را از خود در بعد اجتماعی نسبت به سایر روستاها نشان داده است. که نشان دهنده این می‌باشد که متغیرهای (پوشش، وحدت، نزاع و...) در روستای گرو بیشترین تاثیر را در این روستا در مقابل فرآیندهای جهانی از خود نشان می‌دهد. روستای حمام قلعه در این بعد نیز رتبه دوم را به خود اختصاص می‌دهد. قله زو رتبه سوم، خشت رتبه چهارم، آقداش رتبه پنجم، جلیل آباد رتبه ششم، سیرزار رتبه هفتم ارچنگان رتبه هشتم، چرم رتبه نه و سینی بر خلاف دیگر روستاها رتبه ی آخر را به خود اختصاص داده است که حاکی از نشان دادن کمترین تاثیر در مقابل متغیرهای اجتماعی فرآیندهای جهانی و عدم تاثیر پذیری در این روستا می‌باشد.

جدول ۱۸: محاسبه مدل ویکور

نام روستا	خشت	سیرزار	قله زو	سینی	گرو	قلعه حمام	جلیل آباد	ارچنگان	آقداش	چرم
استفاده بی رویه	۰,۰۰	۰,۰۴	۰,۰۲	۰,۰۶	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۳	۰,۰۶	۰,۰۲	۰,۰۱
مصرف منابع جایگزین	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۳	۰,۰۳	۰,۰۳	۰,۰۰	۰,۰۴	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۰۳
وسایل نقلیه	۰,۰۳	۰,۰۶	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۵	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۰۲
الودگی	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰
فناوری اطلاعات	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۰۴	۰,۰۰	۰,۰۶	۰,۰۴	۰,۰۵	۰,۰۴	۰,۰۴

وسایل ارتباط	۰,۰۲	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۰۳	۰,۰۰	۰,۰۶	۰,۰۴	۰,۰۶	۰,۰۶	۰,۰۱		
انرژی پاک	۰,۰۰	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۰۴	۰,۰۰	۰,۰۵	۰,۰۵	۰,۰۴	۰,۰۶	۰,۰۳		
جدید	۰,۰۳	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۳	۰,۰۰	۰,۰۶	۰,۰۳	۰,۰۵	۰,۰۴	۰,۰۲		
تجاری	۰,۰۶	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۵	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۳	۰,۰۳	۰,۰۴	۰,۰۰		
بهداشتی	۰,۰۶	۰,۰۲	۰,۰۳	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۳	۰,۰۴	۰,۰۵	۰,۰۲		
آموزشی	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۱	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۱	۰,۱	۰,۱	۰,۰۰		
بهداشت محیط	۰,۰۰	۰,۱	۰,۰۰	۰,۱	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۱	۰,۱	۰,۰۰		
پارک	۰,۰۵	۰,۰۳	۰,۰۲	۰,۰۶	۰,۰۰	۰,۰۵	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۰۵	۰,۰۴		
زیرساخت	۰,۰۵	۰,۰۴	۰,۰۵	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۶	۰,۰۳	۰,۰۶	۰,۰۵	۰,۰۴		
انطباق	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۶	۰,۰۰	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۰۴		
تجهیزات	۰,۰۴	۰,۰۵	۰,۰۳	۰,۰۶	۰,۰۰	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۶	۰,۰۶	۰,۰۵		
انطباق با معماری	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۰۵	۰,۰۰	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۰۵	S-	S*
SI	۰,۵۵	۰,۶۱	۰,۵۱	۰,۷۴	۰,۰۳	۰,۵۷	۰,۶۳	۰,۸۸	۰,۸۸	۰,۴۶	۰,۰۳	۰,۸۸
RI	۰,۰۶	۰,۰۶	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۰۳	۰,۰۶	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۰۶	۰,۰۵	۰,۰۳	۰,۰۶
Q	۰,۸	۰,۷۹	۰,۴۷	۱,۰۲	۰,۰۰	۰,۸۱	۰,۷۳	۰,۹۹	۱	۰,۶۲	R-	R*
رتبه دهی	۶	۵	۲	۱۰	۱	۷	۴	۸	۹	۳		

ماخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۹).

نتایج حاصل از روش ویکور بر اساس رتبه دهی بیانگر تاثیر گذاری فرآیندهای جهانی بر بهبود کیفیت زندگی روستاییان است. فرآیندهای جهانی در روستای گروکه اولین رتبه را به خود اختصاص داده عملکرد مطلوبی از خود در بعد کالبدی- محیطی نسبت به سایر روستاها نشان داده است و بیان کننده این مطلب می‌باشد که روستای گرو به لحاظ متغیرهای (استفاده بی رویه از منابع طبیعی، مصرف منابع جایگزین و...) بیشترین تاثیرات را از فرآیندهای جهانی نسبت به سایر روستاها در این متغیرها از خود نشان داده است. روستای قله زو و چرم، جلیل آباد، سیرزار، خشت، حمام قلعه، ارچنگان و آقداش به ترتیب رتبه‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم را به خود اختصاص داده‌اند. روستای سینی بر خلاف دیگر روستاها رتبه‌ی آخر را به خود اختصاص داده‌اند که نشان دهنده این نکته می‌باشد که این روستا در متغیرهای کالبدی- محیطی کمترین تاثیر را از فرآیندهای جهانی دارا می‌باشد.

محاسبه کلی مدل ویکور

جدول ۱۹: محاسبه کلی مدل ویکور

نام روستا	خشت	سیرزار	قله زو	سینی	گرو	حمام قلعه	جلیل آباد	ارچنگان	آقداش	چرم
افزایش درآمد	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
ایجاد اشتغال	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰
کارافرینی	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
سبک زندگی شهرنشینان	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
شیوه مصرف	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰
تجمل گرایی	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰
فرهنگ پوشش	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰
وحدت و	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰

یکپارچگی										
حل اختلافات	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰
باروری	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
کاهش جمعیت	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱
مواد غذایی سالم	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
الگوی تغذیه	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
آگاهی مواد سرطان زا	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲
دانش و آگاهی	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱
بکارگیری اینترنت	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
امنیت	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲
امنیت مجازی	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۱
گوشی هوشمند	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
سرگرمی های مجازی	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲
مسافرت	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲
ارزشهای روستاییان	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
ارزش های جهانی	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰
تغییر ارزش ها	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
افزایش روابط	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
فرد گرایی	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲
استفاده بی رویه	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱
منابع جایگزین	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
وسایل نقلیه	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
آلودگی	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
فناوری اطلاعات	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
وسایل ارتباطی	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰
انری پاک	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
جدید	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
تجاری	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰
بهداشتی	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
آموزشی	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
بهداشت محیط	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
پارک	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲
زیر ساخت	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
انطباق	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱
تجهیزات	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲

انطباق با معماری	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	S-	S*
SI	۰,۴۲	۰,۷۴	۰,۵۴	۰,۷۶	۰,۱۵	۰,۴۹	۰,۶۱	۰,۹۰	۰,۸۶	۰,۴۱	۰,۹۰	۰,۱۵
RI	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲
Q	۰,۶۸	۱,۷۷	۰,۳۴	۰,۷۲	۰,۰۰	۰,۵۶	۰,۷۲	۰,۹۴	۰,۷۸	۰,۲۰	R-	R*
رتبه دهی	۵	۱۰	۳	۷	۱	۴	۶	۹	۸	۲		

ماخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۹).

جدول ۲۰: رتبه‌بندی روستاهای دهستان بر اساس تاثیر فرآیندهای جهانی بر کیفیت زندگی روستاییان

نام روستا	بعد محیطی - کالبدی	بعد اجتماعی	بعد اقتصادی	رتبه دهی کلی در همه ابعاد
خشت	۶	۴	۳	۵
سیرزار	۵	۷	۹	۱۰
قله زو	۲	۳	۶	۳
سینی	۱۰	۱۰	۷	۷
گرو	۱	۱	۲	۱
حمام قلعه	۷	۲	۴	۴
جلیل آباد	۴	۶	۵	۶
ارچنگان	۸	۸	۱۰	۹
آفداش	۹	۵	۸	۸
چرم	۳	۹	۱	۲

ماخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۹)

همانطور که رتبه روستای گرو در محاسبه مدل ویکور به تفکیک ابعاد اقتصادی (رتبه ۲)، اجتماعی (رتبه ۱)، کالبدی - محیطی (رتبه ۱) را به خود اختصاص داده است در رتبه‌بندی نهایی حاصل از مدل ویکور نیز که همه ابعاد (شاخص‌ها) کیفیت زندگی با هم مورد تحلیل قرار گرفته‌اند، بیان کننده این مطلب می‌باشد که روستای گرو اولویت اول را در بین روستاهای مورد مطالعه در تاثیرپذیری از فرآیندهای جهانی به خود اختصاص داده است. که با میزان جمعیت روستا که پرجمعیت ترین روستای دهستان کبود گنبد می‌باشد مطابقت دارد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر عوامل موثر بر کیفیت زندگی روستاییان را در فرآیند جهانی شدن در بین ۱۰ روستای دهستان کبودگنبد، با ۱۱۸ نمونه پرسشنامه مورد مطالعه قرار داده است. این مطالعه با استفاده از روش پیمایشی انجام شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه بود. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل نشان دهنده آن بود که فرایندهای جهانی بر کیفیت زندگی روستاییان چه تاثیراتی بر جای گذاشته است که می‌توان گفت فرآیندهای جهانی در روستاهای دهستان کبود گنبد در بعد اجتماعی تاثیرات معناداری داشته است، بیشترین تاثیر در این بعد را تغییر فرهنگ روستاییان با میانگین (۳,۲) به خود اختصاص داده و کمترین تاثیرپذیری را در این بعد شاخص گوشی‌های هوشمند با میانگین (۱,۴۷) به خود اختصاص داده است. در بعد اقتصادی تحقیق نیز فرآیندهای جهانی تاثیر معناداری داشته است که بیشترین تاثیر را در این بعد شاخص تقلید از سبک زندگی شهرنشینان با میانگین (۳,۲۷) به خود اختصاص داده است، و کمترین تاثیرپذیری را شاخص اشتغال مولد و پایدار با میانگین (۲,۳) به خود اختصاص داده است. در بعد کالبدی - محیطی بیشترین تاثیر را شاخص استفاده از وسایل نقلیه با میانگین (۳,۱۴) و کمترین تاثیرپذیری در این بعد را شاخص امکانات تجاری با میانگین (۱,۶۱) به خود اختصاص داده است. نتایج حاصله از مدل ویکور نشان می‌دهد

به تفکیک ابعاد روستای چرم در بعد اقتصادی با گرفتن رتبه یک بالاترین تاثیرپذیری را در این بعد در میان روستاهای دیگر داشته است، روستای گرو با گرفتن رتبه یک در دو بعد اجتماعی و کالبدی- محیطی بیشترین تاثیرپذیری را در این ابعاد از خود نشان می‌دهد. در کل آزمون ویکور برای تمام شاخص‌ها گرفته شد و روستای گرو با کسب رتبه یک به عنوان تاثیر پذیرفته‌ترین روستای این دهستان به لحاظ تاثیر پذیری از فرآیندهای جهانی شناخته شد. نتایج بررسی نشان دهنده این نکته می‌باشد که ضعف اصلی روستاهای کشور در این است که تاثیرات جهانی شدن در تمام شاخص‌های کیفیت زندگی مشاهده نمی‌شود، بلکه عمده تاثیرات حاکی از تاثیر گذاری بر فرهنگ و تمایل به روحیه گرایی در روستاییان می‌باشد و تاثیراتی در شاخص‌های کارآفرینی، ایجاد اشتغال و... که منجر به پویایی و عدم مهاجرت در روستاها شود مشاهده نمی‌شود. همانطور که نتایج تحقیق گویای آن است روستاییان بیشتر از ابعاد منفی جهانی شدن تاثیر پذیرفته اند. می‌توان تاثیر مثبت فرآیندهای جهانی را در افزایش استفاده روستاییان از تلفن همراه، کامپیوتر و رسیدگی به دکوراسیون منازل دانست. همچنین در روستاهای مورد مطالعه نیز مسیر تغییرات به سمت افزایش تقاضا برای خرید کالاهای مصرفی است. به طوری که ضرورت تزئینی وسایل زندگی بیشتر از ضرورت کارکردی آن هاست. بنابراین فرآیندهای جهانی با گسترش روزافزون خود در کشور تاثیرات منفی و در عین حال مثبتی را می‌تواند از خود به جای بگذارد که هر چند شهرها توانسته‌اند علاوه بر تاثیرات منفی از تاثیرات فرآیندهای جهانی در جهت مثبت آن نیز بهره ببرند اما روستاها به لحاظ اینکه آسیب پذیرتر از شهرها هستند به گونه‌ای متفاوت از فرآیندهای جهانی تاثیر می‌پذیرند که بیشتر تاثیرات منفی آن را شامل می‌شود و در نهایت مهاجرت آن‌ها را در پی خواهد داشت. ورود خدمات زیربنایی و عمرانی به روستا، ورود وسایل ارتباط جمعی جدید، ارتباط با شهرنشینان و ... منجر به حرکت جامعه روستایی از سبک زندگی روستایی به سمت سبک زندگی شهری و یکپارچه جهانی شده است. تغییر در عادات و حرکت به سمت جامعه مصرفی از دیگر ویژگی‌های مهم این تاثیرات می‌باشد. به نظر می‌رسد جامعه روستایی با ویژگی‌های خود در فرآیند جهانی شدن آسیب پذیرتر است. با این حال توجه به آثار مثبت و منفی جهانی شدن بر جامعه روستایی کشور، می‌تواند فرصت‌های متعددی را نیز از ابعاد مختلف برای روستاها به وجود آورد. کمک به توسعه فرصت‌های شغلی به ویژه در بخش خدمات، افزایش سطح دانش و آگاهی سیاسی و فرهنگی، برخورداری از فرصت‌های مناسب برای به فعلیت رساندن استعدادهای درونی نمونه‌هایی از آثار مثبت جهانی شدن بر جامعه روستایی کشور می‌تواند باشد. از این رو برنامه ریزان باید در تصمیم گیری‌های خود به نحوی عمل کنند که تاثیرات مثبت فرآیندهای جهانی روز به روز در روستاهای ما گسترش یابد و موجب افزایش درآمد روستاییان، کارآفرینی، اشتغال و ... که موجب ثبات جمعیت و جلوگیری از مهاجرت و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی روستاییان را در پی داشته باشد. بدین منظور لازم است راهکارهای زیر با توجه خاص به تجربیات جهانی در فرآیند جهانی شدن به منظور کاهش آثار منفی آن بر روستاها، مورد توجه برنامه‌ریزان کشور قرار گیرد:

- توانمند سازی روستاییان در جهت استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات.
 - تاکید بر حقوق روستاییان.
 - توسعه آموزش و مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای.
 - حمایت از حقوق کارگران روستایی و امنیت شغلی آنان.
 - تقویت باورها و ارزش‌های بومی و اجتماعی در مقابل تبعات منفی جهانی شدن.
 - تامین امنیت روستاییان در دسترسی به نیازهای هیئتی همچون بهداشت، غذا، پوشاک و درمان.
 - تامین فرصت‌های برابر شغلی.
- بی تردید، دستیابی به اهداف فوق نیازمند پاره‌ای اقدامات نرم افزاری مرتبط با ساختار برنامه‌ریزی کشور است. تغییر نگرش به جهانی شدن و نقش آن در در بهبود کیفیت زندگی با در نظر گرفتن رویکرد "جهانی شدن و توسعه" به

جای رویکرد "جهانی شدن در توسعه"، سرآغاز تحول نرم افزاری در این بخش محسوب می‌شود که می‌تواند نقش بسزایی در کاهش چالش‌های فراروی جامعه روستایی در فرآیند جهانی شدن داشته باشد.

منابع

- افتخاری، رکن‌الدین، فتاحی، احمد و پور طاهری، مهدی (۱۳۸۹). ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی، استان لرستان)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۲(۴۳)، ۱۳-۳۳.
- پوراحمد، احمد، رستمی، شایان. (۱۳۸۴). جهانی شدن و شهر، انتشارات جهاد دانشگاهی، پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی.
- جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان، ۱۳۹۰: ۲۵-۴۹.
- خواجه نوری، بیژن، مقدس، علی اصغر. (۱۳۸۷). رابطه بین تصور از بدن و فرآیند جهانی شدن، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۷.
- رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین و شکیبیا، علیرضا. (۱۳۸۷). ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، فصلنامه علمی پژوهشی و رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۱ و ۳۰.
- شیبانی، عبدالکریم، سرفرازی، مهرزاد، قوانلو، الهام، (۱۳۹۰). تاثیرهای جهانی شدن بر هویت قومی ایل قشقایی، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال دوم، پیش شماره سوم، ۱۱-۱۳۰.
- صابونچی، زهره. (۱۳۹۰). نگرش برنامه چهارم توسعه به کیفیت زندگی و بررسی میزان تحقق شاخص‌های آن، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی - ۱۶(۴۰) ۲۲۸-۲۰۱.
- طاهر خانی، مهدی. (۱۳۸۳). اثرهای جهانی شدن بر جوامع روستایی (شواهد و تجارب)، مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی: چالش‌ها و چشم‌اندازها، تهران، موسسه توسعه روستایی ایران.
- غفاری، غلامرضا، امیدی، رضا. (۱۳۸۸). کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی، تهران، شیرازه. ۲۵.
- قنبری، یوسف، رحیمی، حمزه و احمدیان، مهدی. (۱۳۹۲). سنجش و ارزیابی شاخص کیفیت زندگی در مناطق روستایی، نشریه پژوهش و برنامه ریزی روستایی، ۳(۲۴)، ۷۳-۹۶.
- محمدنژاد، علی، خدادادی، پروین. (۱۳۹۰). بررسی تاثیر رسانه‌های مجازی در عصر جهانی شدن بر عرصه زیست اجتماعی روستاها، مجموعه مقالات اولین همایش جغرافیا و برنامه ریزی توسعه روستایی (دانشگاه فردوسی مشهد).
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). سالنامه آماری استان خراسان رضوی.
- مرکز آمار ایران، شناسنامه آبادی‌های استان خراسان رضوی، سالهای ۱۳۹۵-۱۳۹۰.
- نجارزاده، محمد. (۱۳۹۰). بررسی تفاوت‌های سبک زندگی گروه‌های شهری و روستایی در ارتباط با فرآیند جهانی شدن فرهنگی، مطالعه موردی: اصفهان و روستاهای آن، جامعه‌شناسی کاربردی، ۱۳۹۱، جلد ۲۳، شماره ۴، ۱۶۴-۱۴۳.
- وثوقی، منصور، ایمانی، علی، کاظمی، جهانی شدن و تحولات ساختاری در جامعه روستایی. (۱۳۸۸). مجله جامعه‌شناسی معاصر، سال دوم/شماره اول/زمستان ۸۸.
- Roberts, Q. (2008). Learning from the Media: Perceptions of "America" From Chinese Students and Scholars, University of Maryland, College Park.
- Sapkota, J. B., (2011), Impacts of Globalization on Quality of life Evidens from Developing countries, Global Institute for Asian Regional Integration (GIARI) Working paper 2011-E-1
- Scott, Robery E, (2001), NAFTA's impact on the states: the industries and states that suffered the most in the Agreements first seven years. Economic policy in state Briefing paper; Washington, DC
- Sposto, Alfredo G. Zaleski, A., (1999), Economic Freedom and Quality of life, constitutional political Economy, 10, 185-197

- Tondon, S., 2004. Globalization and culture, available on satishtandon.com accessed on April 5, 1991.
- Zoellick, Robert B, (2001), Remarks at the national Foreign trade COUNCIL, July 26

تحلیل وضعیت زیست‌پذیری مجتمع‌های مسکونی انبوه (مورد پژوهی: محله بهار شهر اصفهان)

فرزانه دهقانی گیشی - کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران
داریوش مرادی چادگانی^۶ - استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۰۸

چکیده

افزایش جمعیت در شهرها، منجر به انبوه‌سازی مسکن شده است. امروزه فرسودگی مناطق متراکم و ساختمان‌های بلند مرتبه از جمله واقعیتهای شهرهای بزرگ می‌باشند و به همراه خود مسائل، مشکلات و نیازهای خاصی را ایجاد کرده است. چنین بافت‌های روز به روز با کاهش شرایط زیست‌پذیری روبرو می‌شود، چرا که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از تاسیسات، خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردار می‌شود. محله بهار که در جنوب شهر اصفهان واقع شده، پس از گذشت ۴۷ سال از ساخت آن، با افت شرایط زیست‌پذیری روبرو گردیده است و این ساختمان‌های قدیمی، نمای نامطلوبی را برای منطقه ۶ شهر اصفهان ایجاد کرده است. هدف اصلی این پژوهش تحلیل وضعیت زیست‌پذیری مؤلفه‌های مسکونی، مؤسسات تولیدی - خدماتی و روفاه عمومی، وضعیت مجراهای انطباق یافته و ساختار تصمیم‌گیری می‌باشد که برای ارزیابی وضعیت شاخص‌های ذکر شده پرسشنامه‌ای با حجم نمونه ۱۳۵ نفر از ساکنان محله بهار تدوین گردیده و با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی و آزمون میانگین به کمک نرم افزار SPSS تحلیل شده است. براساس نتایج حاصل از پژوهش، ساختار فضائی - فعالیتی مسکونی و ساختار تصمیم‌گیری مهم‌ترین زمینه‌هایی در وضعیت نامناسب، و ساختمان‌های فرسوده و کم دوام، عدم جذب سرمایه‌گذار در زمینه مسکن، عدم مشارکت ساکنان با یکدیگر، توان اقتصادی پایین ساکنان، عدم اعتماد ساکنان به شهرداری، دشورا بودن دریافت پروانه ساخت و ساز در محله از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن می‌باشد.

واژگان کلیدی: زیست‌پذیری، مسکن انبوه، محله بهار، شهر اصفهان

نحوه استناد به مقاله: دهقانی گیشی، فرزانه، مرادی چادگانی، داریوش (۱۳۹۹)، تحلیل وضعیت زیست‌پذیری مجتمع‌های مسکونی انبوه (مورد پژوهی: محله بهار شهر اصفهان)، پژوهشنامه جغرافیا و نظام‌های فضایی، ۱ (۴)، ۳۹ - ۵۴.

<http://jgss.ir/Article/15826>

مقدمه

وقوع انقلاب صنعتی در اروپا و دنبال آن افزایش تقاضای مسکن ناشی از بازسازی‌های جنگ جهانی، به ارائه روش‌های مختلفی به منظور پاسخگویی به این تقاضای عمده منجر شد. یکی از این روش‌ها که در اروپا بعد از انقلاب صنعتی در پاسخگویی به تقاضای عمده به سمت آن رفت و در شرایط فعلی کشورهای در حال توسعه نیز می‌تواند راه‌حلی مناسب باشد، انبوه‌سازی مسکن است که در واقع الگویی از ساخت است که از توجیهات اقتصادی، فنی و مدیریتی بالایی برخوردار است (ارجمندنیا، ۱۳۷۰: ۲۵).

در کشورهای جهان سوم، موج شهرنشینی و مهاجرت‌های روستائیان به شهرها و نرخ رشد بالای شهری و در پی آن، کمبود مسکن، از عواملی است که سبب شده، آن‌ها به سمت انبوه‌سازی پیش روند و در حال حاضر نیز این رویکرد، قابل توجه آنان می‌باشد (Benros et al, 2009: 310).

امروزه فرسودگی مناطق متراکم و ساختمان‌های بلند مرتبه از جمله واقعیت‌های شهرهای بزرگ می‌باشند که به همراه خود مسائل، مشکلات و نیازهای خاصی را ایجاد کرده‌اند بطوریکه بخش مهمی از فعالیت‌های مدیران شهری به بهبود شرایط و اتخاذ راهکارهای مناسب جهت ارتقای شرایط زندگی در این مناطق اختصاص یافته است (سعیدنیا، ۱۳۸۳). چنین بافت‌های روز به روز با کاهش شرایط زیست‌پذیری روبرو خواهد شد، چرا که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تاسیسات، خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸، به نقل از کلانتری و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۱-۳۰).

آپارتمانی شدن شهر، آینده‌ای غیرقابل اجتناب برای ساکنان کلان‌شهرهاست شاید سکونت و فعالیت در شهرهایی با این میزان جمعیت، جز با پذیرش الگوی استقرار عمودی امکان‌پذیر نباشد محله بهار شهر اصفهان پس از گذشت ۴۷ سال با افت شرایط زیست‌پذیری مواجه شده است و علی‌رغم موقعیت اقتصادی مناسب محله، کسی به دنبال سرمایه‌گذاری در این محله نیست. از این رو این پژوهش در راستای هدف تحلیل شرایط زیست‌پذیری مجتمع‌های مسکونی انبوه در محله بهار درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر می‌باشد:

- مهم‌ترین مؤلفه‌های سنجش زیست‌پذیری کدامند؟
- وضعیت زیست‌پذیری در محله بهار چگونه است؟
- محله بهار در کدام زمینه‌ها با افت شرایط زیست‌پذیری مواجه شده است؟

پیشینه تحقیق

در پژوهشی تحت عنوان زیست‌پذیری مسکن اجتماعی^۷ سه نمونه موردی در فلاندر^۸ توسط هیلن^۹ در سال ۲۰۰۶ در حال آماده‌سازی قوانینی جدید در رابطه با مسکن اجتماعی بوده است. با توجه به قوانین حاکم، مسکن اجاره‌ای اجتماعی به قوانین فلاندر اجازه نمی‌دادند که انجمن‌های مسکن بتوانند با شرایط محلی مقابله کنند. دولت فلاندر، با هدف شناسایی پارامترهایی که به منظور آشنائی مسائل مناطق مسکونی اجتماعی از لحاظ قابلیت دسترسی به زیست‌پذیری و درک بهتر طبیعت و علل مشکلات زیست‌پذیری در نواحی مسکن اجتماعی، مورد استفاده قرار می‌گیرند دستور به انجام یک پژوهش را داده است. در این پژوهش صورت گرفته مفاهیم زیست‌پذیری، همبستگی اجتماعی معرفی شده است و براساس ادبیات نظری، مناسب بودن راهکارهای مشترک برای غلبه بر مشکلات زیست‌پذیری در مسکن اجتماعی معرفی شده است.

⁷ social housing

⁸ Flanders

⁹ Heylen

در انتها نتایج حاصل درسه مورد مناطق مسکونی اجتماعی شرح داده شده است. نواحی دارای مسکن اجتماعی که به لحاظ همبستگی اجتماعی، امنیت و مشارکت، ساکنان رضایتمندی بیشتری داشته‌اند و ویژگی‌های فیزیکی ساختمان در حد مطلوبی بوده است، نسبت به دیگر نواحی زیست‌پذیرتر می‌باشد.

خراسانی و همکاران در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی زیست‌پذیری در نواحی روستایی پیراشهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان شیراز) (۱۳۹۹) به بررسی و تحلیل وضعیت زیست‌پذیری روستاهای پیراشهری شیراز پرداخته است. از مجموع جمعیت روستایی ساکن در روستاها، تعداد ۲۹۵ سرپرست خانوار به عنوان نمونه آماری انتخاب شده اند. نتایج پژوهش بیانگر وجود تفاوت معنادار در وضعیت زیست‌پذیری روستاها بر اساس موقعیت طبیعی آن‌ها بود و مشخص گردید روستاهای دشتی در مقایسه با دیگر روستاها از وضعیت زیست‌پذیری مناسب‌تری برخوردارند. موقعیت طبیعی روستاها می‌تواند با توجه به شرایط متفاوت دسترسی به امکانات و تسهیلات خدماتی و شغلی در شهر، زیست‌پذیری متفاوتی در روستاها ایجاد نماید.

حیدری و همکاران در پژوهشی تحت عنوان پایش زیست‌پذیری اجتماعی در مناطق فرسوده شهر با رویکرد آینده پژوهی در بافت فرسوده زنجان، در سال ۱۳۹۹ به دنبال تحلیل و پیش بینی نقش مولفه‌های اجتماعی در ایجاد فضای زیست‌پذیری شهر در بافت فرسود شهر زنجان است. برای تحلیل داده‌ها نیز از مدل معادلات ساختاری به کمک تحلیل عاملی اکتشافی، و روش آینده پژوهی ساختار/ متقابل با کمک نرم افزارهای Amos و MIC MAC استفاده شد. همچنین، طبق تحلیل رویکرد آینده پژوهی، شاخص‌های «رضایت از وجود فضا برای حضور سالمندان»، «سطح فساد اجتماعی»، و «نظارت غیررسمی در شب از طریق تنوع کاربری‌ها»، و «عضویت در نهادهای مردمی» بیشترین ناپایداری را دارد و برای بهبود وضعیت زیست‌پذیری اجتماعی باید تقویت آموزش عمومی، افزایش سرانه کاربری‌ها، امنیت فردی و اجتماعی و پیوستگی و تعلق مکانی مورد تاکید قرار گیرد.

مبانی نظری

معرفی انگاشت زیست‌پذیری

واژه زیست‌پذیری بطور فزاینده به منظور توصیف شرایطی به کار می‌رود که ارتباط مستقیمی با کیفیت زندگی دارد و همچنین برای رفاه دراز مدت مردم و جوامع از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. این مفهوم در برگیرنده موضوعاتی نظیر: کیفیت محیطی، ایمنی، استطاعت پذیری مسکن، خوشایند بودن، آسایش و وجود امکانات محلی مانند: پارک، فضاهای باز، پیاده رو، رستوران و مغازه‌های خدماتی است. وجود چنین شرایطی، به ایجاد محیط‌هایی دلپذیر برای زندگی در محله‌ها کمک کرده و در مقابل فقدان این شرایط زندگی را دشوارتر می‌کند با کمی تأمل، می‌توان دریافت که در اطراف ما فاجعه‌هایی در حال وقوع است که شاید کمتر مورد توجه رسانه‌ها، سیاست‌مداران، یا شهروندان عادی قرار گرفته است. قسمتی از این بحران مربوط به توسعه‌ی فیزیکی گسترده‌ای است که زمین‌های اطراف شهرها را به سرعت بلعیده و بخشی از آن به ازدحام ترافیک و غلبه‌ی خودروی شخصی مرتبط است. چالش تهیه‌ی مسکن مناسب از لحاظ قیمت و طراحی، دسترسی نابرابر به مدارس و امکانات آموزشی، مراقبت‌های بهداشتی و بسیاری مسائل دیگر، تنها بخش‌هایی از این فاجعه‌اند. بنابراین، در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که از جنبه‌های بوم‌شناسی، اجتماعی و فرهنگی آسیب بسیار دیده است و نیازمند چاره‌جویی اساسی است (Wheeler, 2001).

خاستگاه نظری زیست‌پذیری

همچون بسیاری از نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری، شکل‌گیری این مفهوم نیز بر پایه مفاهیم موجود برنامه‌ریزی و به منظور تکمیل و عملیاتی نمودن این مفاهیم آن‌ها صورت گرفته است. از این رو، می‌توان گفت زیست‌پذیری پیشینه و

تاریخی طولانی در اندیشه‌های شهر و برنامه‌ریزی شهری دارد. زیست‌پذیری تا اواخر قرن بیستم، به این نام خوانده نشده است و اساساً از اواخر قرن بیستم که فضاهای شهری دچار مسائلی چون کیفیت پایین محیط، آلودگی صوتی و هوا و... شده بودند، مورد توجه قرار گرفت. انتقادات وارده از سوی محققان شهری و اجتماعات انسانی، جین جیکوبز و اپلیارد (۱۹۸۷) را بر آن داشت تا بر مفهوم زیست‌پذیری به عنوان یکی از رهیافت‌های دستیابی به محیط شهری قابل زیست و باکیفیت تأکید کنند و هدف آن‌ها بهبود کیفیت فضاهای شهری با مقیاس انسانی در شهرهای مدرن بود (محمودی و همکاران، ۱۳۹۶).

نظریه شهر زیست‌پذیر به عنوان موجود زنده

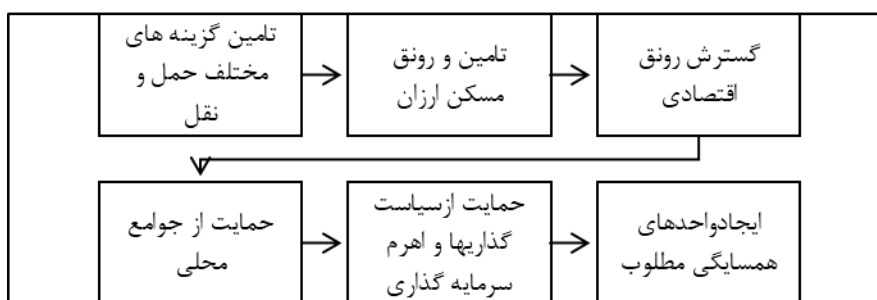
نظریه‌ی دیگر نیز به شهر زیست‌پذیر تحت عنوان «نگاه به شهر به عنوان یک موجود زنده» وجود دارد. در کنفرانس دوسالانه زیست‌پذیر ساختن شهرها، دانشگاهیان، مسئولان و متخصصان شهرها سال ۱۹۸۵ به منظور گسترش درک از شهر به عنوان یک موجود زنده و اینکه چگونه سیاست‌های شهری بر کیفیت زندگی ساکنان تأثیرگذار است، گرد هم آمدند که نتایج آن برای تعریف شهر زیست‌پذیر دسته‌بندی شده است:

جدول ۱: معرفی انگاشت شهرزیست‌پذیر بعنوان موجود زنده

اجزا	استعاره از شهر زیست‌پذیر
نظارت	مغز و سیستم عصبی
حکمرانی و مشارکت	
سنجش، یادگیری، آموزش	
ارزش‌های مشترک میان شهروندان و ساختار تصمیم‌گیری، حس مکان و حس هویت	قلب شهر زیست‌پذیر
فضای سبز، مرکز شهری سرزنده، واحدهای صنعتی	اندام شهر زیست‌پذیر
حمل و نقل، ارتباطات، جریان منابع طبیعی، کریدورهای سبز، شبکه‌های انرژی	سیستم گردش خون

ماخذ: (Lennard, 1997)

دغدغه‌های برنامه‌ریز در پرداختن به شهر زیست‌پذیر طیف گسترده‌ای از مسائل محیط شهری را شامل می‌شود که در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱: معرفی اصول شهر زیست‌پذیر

ماخذ: (Noordin, 2013:4)

معرفی ابعاد زیست‌پذیری

زیست‌پذیری همچون بسیاری از مفاهیم مربوط به برنامه‌ریزی نظیر پایداری قابل تفکیک و تعمیم به ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی می‌باشد که در ادامه به معرفی این ابعاد پرداخته شده است.

زیست‌پذیری اقتصادی

در برگیرنده سطوح اشتغال، عملکرد خرده‌فروشی‌ها، درآمد خالص و استانداردهای زندگی جمعی، ارزش زمین و دارایی‌ها و در نهایت آن بخش از هزینه‌های زندگی و رفت و آمد ساکنان شهر که در ارتباط با اصول برنامه‌ریزی شهری قرار می‌گیرد، می‌باشد.

زیست‌پذیری اجتماعی

به وسیله سطح فعالیت‌های و تعاملات اجتماعی به علاوه ماهیت ارتباطات و معاشرت‌های اجتماعی سنجیده می‌شود. یک شهر زیست‌پذیر به لحاظ اجتماعی می‌تواند از طریق سطوح پایین محرومیت، پیوستگی اجتماع قوی، ارتباطات خوب و پویایی میان لایه‌های اجتماعی، دامنه وسیعی از شیوه‌های زندگی، روحیه جمعی و غرور مدنی، روابط موزون و یک جامعه شهری با طراوت توصیف گردد.

زیست‌پذیری زیست‌محیطی

از یک سو پایداری اکولوژیکی که در رابطه با متغیرهای نظیر دفع موارد زائد و فاضلاب، آلودگی هوا و صوت انبوهی ترافیک و... قرار داد و از سوی دیگر به میزان مصرف منابع، انرژی در شهر که برگرفته از شیوه زندگی ساکنان، رفتار مصرفی آن‌ها و نیز نحوه چیدمان فضایی عناصر اصلی شهر و محلات آن می‌باشد بستگی دارد.

زیست‌پذیری فرهنگی

در برگیرنده احترام، بقا، تجلیل شهر از مردمانش، هویت، خاطرات، سنت، جشن‌ها، نشانه‌ها، میراث تاریخی و... می‌باشد.

زیست‌پذیری کالبدی

متغیرهایی همچون حس مکان، خوانایی، تمایز معمارانه، اتصال و ارتباط بخش‌های مختلف شهر و عناصر کالبدی آن، توزیع متعادل امکانات، ایمنی، روشنایی، دوستانه بودن فضاهای شهر را در بر می‌گیرد (Landry, 2000: 3-4).

روش تحقیق

این پژوهش توصیفی - تحلیلی و از نوع کاربردی است که علاوه بر توصیف ویژگی‌های زیست‌پذیری در محله بهار، به تحلیل وضعیت آن پرداخته است، برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از روش مطالعه متون و اسناد و روش میدانی استفاده شده است، اطلاعات مربوط به میانی نظری و شناخت محدوده از کتاب، مقالات و اطلاعات سرشماری (در نرم افزار GIS) بدست آمده و اطلاعات مربوط به وضعیت زیست‌پذیری محله براساس نظرات ساکنان می‌باشد، جامعه آماری این پژوهش برای سنجش وضعیت زیست‌پذیری ساکنان محله بهار بوده و تعداد آنها ۶۰۵۷ نفر می‌باشد که برای سنجش نظرات آنان براساس فرمول (حجم نمونه برای میانگین جامعه متناهی با واریانس نامعلوم به روش دقت (فاصله اطمینان) تعداد ۱۳۵ نفر از آنها بصورت تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. تحلیل‌های انجام شده شامل تحلیل‌های آماری توصیفی (درصد فراوانی و میانگین) و تحلیل‌های آمار استنباطی (t تک نمونه‌ای) می‌باشد که به منظور نمایش پراکندگی و ویژگی‌های سنجه‌های زیست‌پذیری در جمعیت هدف و نیز دستیابی به اولویت‌بندی سنجه‌ها انجام شده است.

شاخص‌های مربوط به وضعیت زیست‌پذیری در محله بهار در ۵ دسته طبقه‌بندی شده است که شامل شاخص‌های مربوط به ساختار فضایی - فعالیت مسکونی، ساختار فضایی - فعالیتی مؤسسات رفاه عمومی، ساختار فضایی - فعالیتی مؤسسات تولیدی - خدماتی، ساختار فضایی - فعالیتی مجراهای انطباق یافته و ساختار تصمیم‌گیری می‌باشد.

جدول ۲: سنجش وضعیت زیست‌پذیری مجتمع‌های مسکونی در محله بهار

مأخذ:	سنجه	ابعاد ساختار فضایی - فعالیتی
Wheeler, 2001 Landry, 2000 Van kamp, 2003 Miller et al, 2013 Lennard, 1997 Isalou et al, 2014	-استطاعت پذیری مسکن/قیمت مسکن/میزان درآمد/وضعیت اشتغال/رفاه اقتصادی/میزان جذب سرمایه/توسعه اقتصاد محلی/ارزش املاک / کیفیت بنا/عمر بنا/مصالح بنا/مسکن مناسب/ایمنی/ وضعیت مالکیت/ حس تعلق/امنیت/ مشارکت ساکنان/میزان امنیت	مسکونی
Van kamp, 2003 Lennard, 1997 Heylen, 2006:5	-دسترسی به پارک، فضای باز، پیاده رو، رستوران/تعادل در توزیع امکانات و خدمات	مؤسسات رفاه عمومی
Van kamp, 2003 Lennard, 1997 Heylen, 2006	دسترسی به کاربریهای از جمله خدمات پزشکی، مهندسی، مالی و.../ تعادل در توزیع امکانات و خدمات	مؤسسات تولیدی - خدماتی
Wheeler, 2001 Timmer et al, 2005 Lennard, 1997	کیفیت معابر/دسترسی به حمل و نقل عمومی/دسترسی به شبکه معابر/عرض معابر	مجراهای انطباق یافته
Landry, 2000 Miller et al, 2013 Lennard, 1997 Heylen, 2006	مشارکت ساکنان با شهرداری/وضعیت خدمات شهری/اعتماد ساکنان به شهرداری/میزان پاسخگویی مدیران شهری	ساختار تصمیم‌گیری

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

محدوده مورد مطالعه

منطقه شش یکی از مناطق پانزده گانه‌ی شهرداری شهر اصفهان است که در جنوب شرقی شهر واقع شده است. منطقه شش شهر اصفهان شامل ۱۲ محله رسمی و اداری می‌باشد. محله بهار نیز یکی از این محلات است که در پهنه غربی منطقه شش واقع شده است. که از شمال با محله هزار جریب از شرق با محدوده نظامی سپاه از جنوب با محله امام و از غرب با محدوده دانشگاه اصفهان هم‌جوار است. (شکل ۲).

شکل ۲: موقعیت محله بهار



ویژگی‌های محله بهار براساس سرشماری نفوس و مسکن شهر اصفهان در سال ۱۳۹۵ که از نرم افزار GIS استخراج شده، در جدول ۳ معرفی شده است.

جدول ۳: توصیف ساختار فضایی-فعالیتی در محله بهار

عاملین فعالیت																																																														
مؤسسات رفاه عمومی و تولیدی-خدماتی			افراد و خانوار																																																											
<table border="1"> <thead> <tr> <th>سهم (هکتار)</th> <th>تعداد</th> <th>مؤسسات رفاه عمومی و تولیدی-خدماتی</th> <th rowspan="10">مؤسسات رفاه عمومی</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>۱۶/۷</td> <td>۵</td> <td>آموزشی</td> </tr> <tr> <td>۲/۲</td> <td>۲</td> <td>بهداشتی-درمانی</td> </tr> <tr> <td>۰/۳</td> <td>۲</td> <td>مذهبی</td> </tr> <tr> <td>۰/۱</td> <td>۱</td> <td>فرهنگی</td> </tr> <tr> <td>۰</td> <td>۰</td> <td>انتظامی</td> </tr> <tr> <td>۰/۲</td> <td>۶</td> <td>تجاری</td> </tr> <tr> <td>۰/۴</td> <td>۱</td> <td>اداری</td> </tr> <tr> <td>۰</td> <td>۰</td> <td>گردشگری</td> </tr> <tr> <td>۰</td> <td>۰</td> <td>تأسیسات و تجهیزات شهری</td> </tr> <tr> <td>۰</td> <td>۰</td> <td>کارگاهی</td> </tr> </tbody> </table>	سهم (هکتار)	تعداد	مؤسسات رفاه عمومی و تولیدی-خدماتی	مؤسسات رفاه عمومی	۱۶/۷	۵	آموزشی	۲/۲	۲	بهداشتی-درمانی	۰/۳	۲	مذهبی	۰/۱	۱	فرهنگی	۰	۰	انتظامی	۰/۲	۶	تجاری	۰/۴	۱	اداری	۰	۰	گردشگری	۰	۰	تأسیسات و تجهیزات شهری	۰	۰	کارگاهی	<table border="1"> <tbody> <tr> <td>۶۰۵۷</td> <td>جمعیت محله</td> <td rowspan="3">خصوصیات جمعیتی</td> </tr> <tr> <td>۱۹۰۷</td> <td>تعداد خانوارهای موجود</td> </tr> <tr> <td>۳/۱۷</td> <td>بعدخانوار</td> </tr> <tr> <td>۹۸</td> <td>نسبت جنسی</td> <td rowspan="2">خصوصیات فرهنگی</td> </tr> <tr> <td>٪ ۵۰/۲</td> <td>مردان</td> </tr> <tr> <td>٪ ۴۹/۸</td> <td>زنان</td> <td>در صد با سواد</td> </tr> <tr> <td>٪ ۴۸</td> <td>تعداد شاغلین(درصد)</td> <td rowspan="2">خصوصیات اقتصادی</td> </tr> <tr> <td>٪ ۷</td> <td>تعداد بیکاران(درصد)</td> </tr> <tr> <td>٪ ۴۷</td> <td>در برابر خدمت</td> <td rowspan="3">نوع محل سکونت</td> </tr> <tr> <td>٪ ۲۸/۵</td> <td>ملکی زمین و بنا</td> </tr> <tr> <td>٪ ۱۷</td> <td>استیجاری</td> </tr> </tbody> </table>	۶۰۵۷	جمعیت محله	خصوصیات جمعیتی	۱۹۰۷	تعداد خانوارهای موجود	۳/۱۷	بعدخانوار	۹۸	نسبت جنسی	خصوصیات فرهنگی	٪ ۵۰/۲	مردان	٪ ۴۹/۸	زنان	در صد با سواد	٪ ۴۸	تعداد شاغلین(درصد)	خصوصیات اقتصادی	٪ ۷	تعداد بیکاران(درصد)	٪ ۴۷	در برابر خدمت	نوع محل سکونت	٪ ۲۸/۵	ملکی زمین و بنا	٪ ۱۷	استیجاری
	سهم (هکتار)	تعداد	مؤسسات رفاه عمومی و تولیدی-خدماتی		مؤسسات رفاه عمومی																																																									
	۱۶/۷	۵	آموزشی																																																											
	۲/۲	۲	بهداشتی-درمانی																																																											
	۰/۳	۲	مذهبی																																																											
	۰/۱	۱	فرهنگی																																																											
	۰	۰	انتظامی																																																											
	۰/۲	۶	تجاری																																																											
	۰/۴	۱	اداری																																																											
	۰	۰	گردشگری																																																											
۰	۰	تأسیسات و تجهیزات شهری																																																												
۰	۰	کارگاهی																																																												
۶۰۵۷	جمعیت محله	خصوصیات جمعیتی																																																												
۱۹۰۷	تعداد خانوارهای موجود																																																													
۳/۱۷	بعدخانوار																																																													
۹۸	نسبت جنسی	خصوصیات فرهنگی																																																												
٪ ۵۰/۲	مردان																																																													
٪ ۴۹/۸	زنان	در صد با سواد																																																												
٪ ۴۸	تعداد شاغلین(درصد)	خصوصیات اقتصادی																																																												
٪ ۷	تعداد بیکاران(درصد)																																																													
٪ ۴۷	در برابر خدمت	نوع محل سکونت																																																												
٪ ۲۸/۵	ملکی زمین و بنا																																																													
٪ ۱۷	استیجاری																																																													
خصوصیات فضای دربرگیرنده فعالیت																																																														
معیار		شاخص	درصد																																																											
زیربنا		زیر ۲۰۰ متر مربع	٪ ۹۳																																																											
		بالای ۲۰۰ متر مربع	٪ ۷																																																											
مصالح بکاررفته		بتن آرمه	٪ ۷۸																																																											
		گل	٪ ۷/۵																																																											
		آجر و آهن	٪ ۷																																																											
		اسکلت فلزی	٪ ۷																																																											
قدمت		بیش از ۴۰ سال	٪ ۷۶																																																											
		کمتر از ۴۰ سال	٪ ۲۴																																																											
شدت فعالیت و ارتباط متقابل																																																														
تراکم خانوار در واحد مسکونی	تراکم خالص مسکونی	بعد خانوار	نفر در واحد مسکونی	تراکم ناخالص جمعیتی																																																										
۲۸۰,۴	۲۸۰/۴	۳/۱۷	۳/۱۸	۱۸۴/۲																																																										

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

یافته‌های تحقیق

تحلیل توصیفی ویژگی‌های عمومی پرسش‌شوندگان

تحلیل این بخش مربوط به جنسیت، وضعیت تأهل، سن، تحصیلات، وضعیت شغلی و فعالیت، میزان درآمد ماهیانه و نوع مالکیت منزل است.

جنسیت ۴۸ درصد از نمونه آماری مؤنث و ۵۲ درصد مذکر عنوان شده است.

جدول ۴: فراوانی پاسخ به گزاره‌ی جنسیت ساکنان محله بهار

فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	مؤنث
۴۸	۴۸	۶۵	مؤنث
۱۰۰	۵۲	۷۰	مذکر

وضعیت تأهل ۲۳,۷ درصد از نمونه آماری این پژوهش مجرد، ۶۹,۷ درصد متأهل و ۶,۶ درصد نیز بدون همسر (فوت/طلاق) می‌باشد.

جدول ۵: فراوانی پاسخ به گزاره‌ی تأهل ساکنان محله بهار

فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	مجرد
۲۳,۷٪	۲۳,۷٪	۳۲	مجرد
۹۳,۴٪	۶۹,۷٪	۹۴	متأهل
۱۰۰٪	۶,۶٪	۹	بدون همسر

طبقه‌بندی استاندارد برای حوزه موضوعی مشارکت نیروی کار، اشتغال و بیکاری، تأمین اجتماعی و خدمات رفاهی، سلامت و خدمات مربوطه در پایین‌ترین سطح تفصیلی، در ۵ رد معرفی می‌شود: گروه‌های کمتر از ۱۵ سال، ۱۵ تا ۲۴ سال، ۲۵ تا ۴۴ سال، ۴۵ تا ۶۴ سال و ۶۵ سال و بیشتر (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۹). مطابق با این طبقه بندی استاندارد ۱,۴ درصد از نمونه آماری زیر ۱۵ سال، ۹,۶ درصد از نمونه، ۱۵ تا ۲۴ سال، ۲۸,۸ درصد ۲۵ تا ۴۴ سال، ۳۹,۲ درصد ۴۵ تا ۶۴ سال و ۲۱ درصد از نمونه آماری ۶۵ سال و بیشتر می‌باشد، بیشترین فراوانی مربوط به بازه سنی ۴۵ تا ۶۴ سال و کمترین آن مربوط به بازه سنی زیر ۱۵ سال می‌باشد.

جدول ۶: فراوانی پاسخ به گزاره‌ی وضعیت تأهل ساکنان محله بهار

فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	زیر ۱۵ سال
۱,۴٪	۱,۴٪	۲	زیر ۱۵ سال
۱۱٪	۹,۶٪	۱۳	۱۵ تا ۲۴ سال
۳۹,۸٪	۲۸,۸٪	۳۹	۲۵ تا ۴۴ سال
۷۹٪	۳۹,۲٪	۵۳	۴۵ تا ۶۴ سال
۱۰۰٪	۲۱٪	۲۸	۶۵ سال و بیشتر

۶,۷ درصد از نمونه آماری دارای مدرک زیردیپلم می‌باشند، همچنین ۲۶ درصد دارای مدرک دیپلم، ۱۹,۳ درصد کاردانی، ۳۴ درصد کارشناسی و ۱۴ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد به بالا می‌باشند.

جدول ۷: فراوانی پاسخ به گزاره‌ی تحصیلات ساکنان محله بهار

فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی
---------	--------------	---------

۶,۷٪	۶,۷٪	۹	زیردیپلم
۳۲,۷٪	۲۶٪	۳۵	دیپلم
۵۲٪	۱۹,۳٪	۲۶	کاردانی
۸۶٪	۳۴٪	۴۶	کارشناسی
۱۰۰٪	۱۴٪	۱۹	کارشناسی ارشد و بالاتر

۱۲,۵ درصد از نمونه آماری، وضعیت شغلی خود را بیکار عنوان کرده‌اند، همچنین ۲۱ درصد خانه‌دار، ۱,۵ درصد سرباز، ۹ درصد دانش‌آموز و دانشجوی، ۲۳ درصد شاغل و ۳۳ درصد بازنشسته می‌باشند.

جدول ۷: فراوانی پاسخ به گزاره‌ی وضعیت شغلی و فعالیت ساکنان محله بهار

فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	
۱۲,۵٪	۱۲,۵٪	۱۷	بیکار
۳۳,۵٪	۲۱٪	۲۹	خانه‌دار
۳۵٪	۱,۵٪	۲	سرباز
۴۴٪	۹٪	۱۲	در حال تحصیل
۶۷٪	۲۳٪	۳۱	شاغل
۱۰۰٪	۳۳٪	۴۴	بازنشسته

درآمد ۱۵,۵ درصد از نمونه آماری کمتر از ۵۰۰ هزار تومان در ماه می‌باشد، همچنین ۲۸ درصد از افراد نمونه درآمد بین ۵۰۰ هزار تومان تا ۱ میلیون تومان، ۴۱,۸ درصد تا ۲ میلیون تومان، ۱۰,۳ درصد ۲ تا ۵ میلیون تومان و ۴,۴ درصد درآمد بالاتر از ۵ میلیون تومان دارند.

جدول ۹: فراوانی پاسخ به گزاره‌ی میزان درآمد ماهیانه ساکنان محله بهار

فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	
۱۵,۵٪	۱۵,۵٪	۲۱	کمتر از ۵۰۰ هزار تومان
۴۳,۵٪	۲۸٪	۳۸	۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومان
۸۵,۳٪	۴۱,۸٪	۵۶	۱ تا ۲ میلیون تومان
۹۵,۶٪	۱۰,۳٪	۱۴	۲ تا ۵ میلیون تومان
۱۰۰٪	۴,۴٪	۶	بالاتر از ۵ میلیون تومان

مالکیت ۵۱ درصد از نمونه‌ی آماری شخصی، ۱۷,۲ درصد استیجاری و ۳۱,۸ درصد دولتی عنوان شده است. با توجه به وجود منازل سازمانی هوانیرو در محله بهار، درصد بالایی از مالکیت در این محله دولتی عنوان شده است.

جدول ۱۰: فراوانی پاسخ به گزاره‌ی نوع مالکیت ساکنان محله بهار

فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	
۵۱٪	۵۱٪	۶۹	شخصی
۶۸,۲٪	۱۷,۲٪	۲۳	استیجاری
۱۰۰٪	۳۱,۸٪	۴۳	دولتی

تحلیل توصیفی سنجه‌های مربوط به وضعیت زیست‌پذیری مجتمع‌های مسکونی

سنجه‌های مربوط به وضعیت زیست‌پذیری در پنج حوزه مورد ارزیابی قرار گرفته است:

- ساختار فضایی - فعالیت مسکونی

- ساختار فضایی - فعالیتی مؤسسات رفاه عمومی
- ساختار فضایی - فعالیتی مؤسسات تولیدی - خدماتی
- ساختار فضایی - فعالیتی مجراهای انطباق یافته
- ساختار تصمیم‌گیری

جدول ۱۱: آمار توصیفی مربوط به ساختار فضائی - فعالیتی وضعیت زیست‌پذیری در محله بهار

نتایج	میانگین	درصد فراوانی					سنجه	زمینه
		کاملاً موافقم	موافقم	متوسط	مخالقم	کاملاً مخالفم		
نامناسب بودن درآمد خانوار نسبت به هزینه‌های نوسازی	۱,۸	%۳	%۴,۴	%۱۴,۱	%۳۵,۶	%۴۳	تناسب درآمد خانوار و هزینه‌های نوسازی	مسکونی
سرمایه‌گذاری بسیار کم ساکنان در بخش مسکن	۱,۶	%۱,۵	%۳,۷	%۸,۱	%۳۱,۹	%۵۴,۸	میزان سرمایه‌گذاری ساکنان در بخش مسکن	
وضعیت نامناسب جذب سرمایه‌گذار در بخش مسکن	۱,۶	%۰	%۶,۷	%۶,۷	%۲۷,۴	%۵۹,۳	میزان جذب سرمایه‌گذار در بخش مسکن	
کمبود ساختمانهای نوساز و بادوام در محله	۱,۷	%۰	%۰	%۲۰,۷	%۳۱,۱	%۴۸,۱	میزان ساختمانهای نوساز و بادوام در محله	
قیمت پایین مسکن در محله نسبت به محله‌های اطراف	۲	%۶,۷	%۶,۷	%۱۱,۱	%۳۲,۶	%۴۳	وضعیت قیمت مسکن نسبت به محله‌های اطراف	
مناسب بودن ایمنی واحدهای مسکونی	۳,۴	%۱۶,۳	%۲۹,۶	%۴۰,۷	%۵,۹	%۷,۴	میزان ایمنی واحدهای مسکونی	
مهاجرت بسیار کم ساکنان به سایر محلات شهر	۳,۸	%۲۷,۴	%۴۳,۷	%۲۰	%۶,۷	%۲,۲	میزان مهاجرت ساکنان به سایر محلات شهر	
وضعیت اقتصادی نامناسب ساکنان محله	۱,۶	%۰	%۱,۵	%۱۱,۹	%۳۲,۶	%۵۴,۱	وضعیت اقتصادی ساکنان محله	
مناسب بودن وضعیت امنیت در محله	۳,۴	%۱۸,۵	%۴۵,۲	%۱۴,۸	%۹,۶	%۱۱,۹	میزان امنیت در محله	
علاقه‌مند بودن اکثریت ساکنان به محله	۳,۵	%۱۲,۶	%۴۳,۷	%۲۷,۴	%۹,۶	%۶,۷	میزان علاقه به محل زندگی	
میزان کم مشارکت ساکنان با یکدیگر	۲,۳	%۵,۲	%۷,۴	%۲۳,۷	%۴۳,۷	%۲۰	میزان مشارکت ساکنان با یکدیگر	
وضعیت بسیار مناسب فعالیتهای گذران اوقات فراغت	۴,۱	%۴۵,۲	%۳۰,۴	%۱۶,۳	%۶,۷	%۱,۵	میزان فعالیتهای گذران اوقات فراغت	مؤسسات رفاه عمومی
وضعیت مناسب دسترسی به مراکز تفریحی	۳,۸	%۲۷,۴	%۴۳	%۱۷	%۱۰,۴	%۲,۲	میزان دسترسی به مراکز تفریحی	
وضعیت مناسب دسترسی به مراکز ورزشی	۳,۴	%۱۴,۸	%۲۷,۴	%۴۸,۱	%۸,۱	%۱,۵	میزان دسترسی به مراکز ورزشی	
وضعیت مناسب دسترسی به مراکز بهداشتی-درمانی	۳,۷	%۱۷	%۴۳	%۳۶,۳	۳,۷	%۰	میزان دسترسی به مراکز بهداشتی-درمانی	
وضعیت بسیار مناسب دسترسی	۴,۲	%۴۲,۲	%۴۶,۷	%۹,۶	%۰	%۱,۵	میزان دسترسی به مراکز	

زمینه	سنجه	درصد فراوانی					میانگین	نتایج
		کاملاً مخالفم	مخالقم	متوسط	موافقم	کاملاً موافقم		
تولیدی خدماتی	آموزشی							به مراکز آموزشی
	میزان دسترسی به مراکز خدمات مالی	۰٪	۱۳٫۳٪	۴۴٫۴٪	۴۰٪	۲٫۲٪	۳٫۳	مناسب بودن دسترسی به مراکز خدمات مالی
	میزان دسترسی به خدمات حرفه پزشکی	۴٫۴٪	۵۷٫۸٪	۳۵٫۶٪	۲٫۲٪	۰٪	۲٫۳	نامناسب بودن دسترسی به خدمات حرفه پزشکی
	میزان دسترسی به خدمات حرفه مهندسی	۰٪	۳۵٫۶٪	۵۷٫۸٪	۴٫۴٪	۲٫۲٪	۲٫۷	وضعیت متوسط دسترسی به خدمات حرفه مهندسی
	میزان دسترسی به خدمات حرفه حقوقی	۰٪	۲٫۲٪	۲۴٫۴٪	۶۴٫۴٪	۸٫۹٪	۳٫۸	مناسب بودن وضعیت دسترسی به خدمات حرفه حقوقی
مجرای انطباق یافته	وضعیت تسهیلات حمل و نقل عمومی	۱۱٫۱٪	۵۷٫۸٪	۲۶٫۷٪	۴٫۴٪	۰٪	۲٫۲	نامناسب بودن تسهیلات حمل و نقل عمومی در محله
	میزان دسترسی به شبکه معابر	۰٪	۱۳٫۳٪	۴۶٫۷٪	۴۰٪	۰٪	۳٫۲	مناسب بودن وضعیت دسترسی به شبکه معابر
	کیفیت شبکه معابر سطح محله	۴٫۴٪	۴۴٫۴٪	۵۱٫۱٪	۰٪	۰٪	۲٫۴	کیفیت نسبتاً نامناسب شبکه معابر سطح محله
	عرض معابر سطح محله	۰٪	۰٪	۱۵٫۶٪	۵۷٫۸٪	۲۶٫۷٪	۴٫۱	وضعیت بسیار مناسب عرض معابر سطح محله
ساختار تصمیم‌گیری	راحتی صدور مجوز ساخت و ساز از سوی شهرداری	۲۳٪	۵۴٫۸٪	۲۲٫۲٪	۰٪	۰٪	۱٫۹	عدم راحتی ساکنان در گرفتن مجوز ساخت و ساز در محله
	وضعیت آگاهی‌رسانی شهرداری نسبت به خدمات شهری	۵٫۲٪	۱۲٫۶٪	۱۷٫۸٪	۳۶٫۳٪	۲۸٫۱٪	۳٫۶	آگاهی‌رسانی مناسب شهرداری در رابطه با خدمات شهری به ساکنان
	میزان بودجه‌های شهرداری برای عمران محله	۳۰٫۴٪	۵۶٫۳٪	۸٫۱٪	۲٫۲٪	۳٪	۱٫۹	کمبود بودجه‌های شهرداری جهت عمران و آبادی محله
	میزان همکاری شهرداری در جهت نوسازی محله	۴۵٫۲٪	۳۴٫۱٪	۱۱٫۱٪	۴٫۴٪	۵٫۲٪	۱٫۶	همکاری نامناسب شهرداری در جهت نوسازی واحدهای مسکونی
	میزان توجه شهرداری جهت ارائه خدمات عمومی	۶٫۷٪	۳۰٫۷٪	۹٫۶٪	۲۸٫۹٪	۵۱٫۱٪	۴٫۱	توجه بسیار مناسب شهرداری در جهت ارائه خدمات عمومی
	میزان توجه شهرداری جهت حفظ فضای سبز	۴٫۴٪	۱۰٫۵٪	۸۰٫۱٪	۴۴٫۴٪	۴۱٫۵٪	۴٫۲	توجه بسیار مناسب شهرداری در جهت حفظ فضای سبز
	میزان پاسخگویی شهرداری در برابر مشکلات محله	۲۹٫۶٪	۲۶٫۷٪	۳۳٫۳٪	۶٫۷٪	۳٫۷٪	۲٫۲	پاسخگویی نامناسب شهرداری در برابر مشکلات محله

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

تحلیل استنباطی وضعیت سنجش زیست‌پذیری در محله بهار

پس از توصیف متغیرهای بدست آمده از نمونه‌ی آماری، در این مرحله با تحلیل استنباطی و استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای، به تحلیل داده‌های موجود جهت پاسخگویی به پرسش‌های سنجش وضعیت زیست‌پذیری پرداخته شده است.

استنباطی وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مسکونی

برای تحلیل استنباطی پرسش‌های سنجش وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مربوط به فضا و فعالیت مسکونی از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است، بنابراین براساس بازده گزاره مربوط به ساختار فضایی-فعالیتی مسکونی، می‌توان وضعیت زیست‌پذیری را درحوزه مسکن ارزیابی کرد، افراد پاسخ‌دهنده در نمونه آماری امکان انتخاب گزینه کاملاً مخالف تا گزینه کاملاً موافق را داشته‌اند، اگر نسبت به هر گزاره نظرشان کاملاً مخالف باشد، وضعیت مسکن را نامناسب تلقی کرده و اگر نسبت به هر گزاره نظرشان کاملاً موافق باشد وضعیت مسکن را مناسب دانسته‌اند. با توجه به اینکه برای سنجش وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مسکونی ۱۱ گزاره در نظر گرفته شده است، بنابراین میانگین نمره ساختار فضایی-فعالیتی مسکونی برابر با عدد ۳۳ می‌باشد و میانگین در نمونه آماری براساس جدول ۱۲ برابر با ۲۷،۰۷ می‌باشد. آزمون t تک‌نمونه‌ای میانگین نمونه را با عدد ۳۳ مقایسه کرده و معنادار یا تصادفی بودن تفاوت میانگین با حد وسط مقیاس در جامعه آماری را بررسی می‌کند. بنابراین با توجه به اینکه میانگین در نمونه آماری از حد وسط مقیاس پایینتر می‌باشد با استفاده از آزمون t می‌توان تصادفی و یا معنادار بودن این تفاوت را مورد ارزیابی قرار داد.

جدول ۱۲: آزمون t تک نمونه‌ای برای تحلیل استنباطی وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مسکونی

Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	N	وضعیت ساختار فضایی-فعالیتی مسکونی
.29918	3.47621	27.0741	135	

Test Value = 33						
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t	وضعیت ساختار فضایی-فعالیتی مسکونی
Upper	Lower					
-5.3342	-6.5177	-5.92593	.000	134	-19.807	

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

با توجه به اینکه Sig برابر با ۰،۰۰۰ می‌باشد بنابراین می‌توان گفت در جامعه آماری تفاوت میانگین با حد وسط مقیاس معنادار بوده و بنابراین در جامعه آماری نیز میانگین وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مسکونی از حد وسط مقیاس که برابر با ۳۳ می‌باشد، پایین‌تر است، و در نتیجه در جامعه آماری وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مسکونی نامناسب تلقی می‌گردد.

تحلیل استنباطی مربوط به وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مؤسسات رفاه عمومی

براساس پنج گزاره مربوط به ساختار فضایی-فعالیتی مؤسسات رفاه عمومی می‌توان وضعیت زیست‌پذیری را در حوزه کاربری‌های مؤسسات رفاه عمومی ارزیابی کرد که براساس پنج گزاره موجود و نمره هر یک از پاسخ‌های پنج‌گانه کاملاً مخالفم (۱)، مخالفم (۲)، متوسط (۳)، موافقم (۴) و کاملاً موافقم (۵) می‌توان مقیاسی بین ۵ تا ۲۵ در نظر گرفت. که حد وسط این مقیاس عدد ۱۵ برای مقایسه با میانگین داده‌ها می‌باشد که اگر میانگین کمتر از ۱۵ باشد بیانگر وضعیت نامناسب زیست‌پذیری مؤسسات رفاه عمومی و اگر بیشتر از ۱۵ باشد بیانگر وضعیت مناسب زیست‌پذیری مؤسسات رفاه عمومی می‌باشد. اگر برابر با ۱۵ باشد بیانگر وضعیت متوسط زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مؤسسات رفاه عمومی می‌باشد. با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای و مقایسه میانگین داده‌های مربوط به وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مؤسسات رفاه عمومی و با عدد ۱۵، می‌توان معنادار و یا تصادفی بودن این تفاوت را ارزیابی کرد.

جدول ۱۳: آزمون t تک نمونه‌ای برای تحلیل استنباطی وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مؤسسات رفاه عمومی

Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	N	
.19025	2.21051	19.4148	135	وضعیت ساختار فضایی-فعالیتی مؤسسات رفاه عمومی

Test Value = 15						
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df		t
Upper	Lower					
4.7911	4.0385	4.41481	.000	134	23.205	

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

میانگین در نمونه آماری برابر با ۱۹,۴۱ بوده است که بیانگر مناسب بودن وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مؤسسات رفاه عمومی در نمونه آماری می‌باشد با توجه به اینکه Sig برابر با ۰,۰۰۰ می‌باشد بنابراین در جامعه آماری نیز می‌توان گفت تفاوت میانگین با حد وسط مقیاس معنادار بوده و این میانگین در جامعه آماری از عدد ۱۵ بالاتر است و در نتیجه در جامعه آماری نیز وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی، مؤسسات رفاه عمومی مناسب می‌باشد.

تحلیل استنباطی مربوط به وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مؤسسات تولیدی-خدماتی

براساس چهار گزاره مربوط به وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مؤسسات تولیدی-خدماتی، مقیاسی بین ۴ تا ۲۰ در نظر گرفته شده است و حد وسط این مقیاس برابر با ۱۲ می‌باشد و اگر میانگین داده‌ها بیشتر از ۱۲ بیانگر وضعیت مناسب زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مؤسسات تولیدی-خدماتی و اگر میانگین داده‌ها کمتر از ۱۲ باشد بیانگر وضعیت نامناسب مؤسسات تولیدی-خدماتی بوده و اگر با حد وسط مقیاس برابر باشد، وضعیت زیست‌پذیری مؤسسات تولیدی-خدماتی در حد متوسط می‌باشد. براساس جدول ۱۴ میانگین وضعیت زیست‌پذیری مؤسسات تولیدی-خدماتی برابر با ۱۲,۲ می‌باشد که بسیار به حد وسط مقیاس نزدیک است، حال با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای معنادار و یا تصادفی بودن تفاوت تفاوت میانگین داده‌ها با عدد ۱۲ را مورد ارزیابی قرار داد.

جدول ۱۴: آزمون t نمونه‌ای برای تحلیل استنباطی وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مؤسسات تولیدی-خدماتی

Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	N	
.06959	.80854	12.2000	135	وضعیت ساختار فضایی-فعالیتی مؤسسات تولیدی-خدماتی

Test Value = 12						
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df		t
Upper	Lower					
.3376	.0624	.20000	.005	134	2.874	

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

Sig برابر با ۰,۰۰۵ می‌باشد و با توجه به اینکه این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است بنابراین می‌توان گفت در جامعه آماری نیز میانگین از حد وسط مقیاس بالاتر بوده و تفاوت ۱۲,۲ با عدد ۱۲ معنادار بوده است، بنابراین در جامعه آماری نیز تا حدودی وضعیت مؤسسات تولیدی-خدماتی در حد مناسب می‌باشد.

تحلیل استنباطی وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مجراهای انطباق یافته

براساس چهار گزاره مربوط به ساختار فضایی-فعالیتی مجراهای انطباق یافته می‌توان وضعیت زیست‌پذیری را در حوزه مجراهای انطباق یافته ارزیابی کرد که براساس چهار گزاره موجود می‌توان مقیاسی بین ۴ تا ۲۰ در نظر گرفت. که حد وسط این مقیاس عدد ۱۲ برای مقایسه با میانگین داده‌ها می‌باشد که اگر میانگین کمتر از ۱۲ باشد بیانگر وضعیت

نامناسب زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مجراهای انطباق یافته و اگر بیشتر از ۱۲ باشد بیانگر وضعیت مناسب زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مجراهای انطباق یافته می‌باشد و اگر برابر با ۱۲ باشد بیانگر وضعیت متوسط زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مجراهای انطباق یافته است. با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای در جدول ۱۵ میانگین داده‌های مربوط به وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مجراهای انطباق یافته گزارش شده است و سپس میانگین داده‌های موجود با نمره حد وسط مقیاس مقایسه شده و نتیجه گزارش شده است.

جدول ۱۵: آزمون t تک نمونه‌ای برای تحلیل استنباطی وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مجراهای انطباق یافته

Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	N		
.12220	1.41987	12.2963	135	وضعیت ساختار فضایی-فعالیتی مجراهای انطباق یافته	
Test Value = 12					
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t
Upper	Lower				
.5380	.0546	.29630	.017	134	2.425
وضعیت ساختار فضایی-فعالیتی مجراهای انطباق یافته					

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

Sig برابر با ۰,۰۱۷ و کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد و از آنجایی که میانگین در نمونه آماری برابر با ۱۲,۲۹ است با سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که در جامعه آماری میانگین از حد وسط مقیاس بالاتر است و تفاوت میانگین در جامعه آماری با عدد ۱۲ (حد وسط مقیاس و میانگین نمره داده‌ها) معنادار بوده است و بنابراین در جامعه آماری نیز وضعیت زیست‌پذیری ساختار فضایی-فعالیتی مجراهای انطباق یافته نسبتاً مناسب می‌باشد.

تحلیل استنباطی مربوط به ساختار تصمیم‌گیری جهت سنجش زیست‌پذیری

براساس ۹ گزاره مربوط به ساختار تصمیم‌گیری، و نمره هر گزاره، مقیاسی بین ۹ تا ۴۵ در نظر گرفته شده است و حد وسط این مقیاس برابر با ۲۷ می‌باشد و اگر میانگین داده‌ها بیشتر از ۲۷ بیانگر وضعیت مناسب شاخص‌های زیست‌پذیری مربوط به ساختار تصمیم‌گیری و اگر میانگین داده‌ها کمتر از ۲۷ باشد بیانگر وضعیت نامناسب شاخص‌های زیست‌پذیری مربوط به ساختار تصمیم‌گیری بوده و اگر با حد وسط مقیاس برابر باشد، وضعیت زیست‌پذیری در ساختار تصمیم‌گیری در حد متوسط می‌باشد. میانگین شاخص‌های زیست‌پذیری مربوط به ساختار تصمیم‌گیری برابر با ۲۴,۵ می‌باشد که کمتر از حد وسط مقیاس بوده است، حال با استفاده از آزمون t نمونه‌ای می‌توان معنادار و یا نصادفی بودن تفاوت میانگین داده‌ها با حد وسط مقیاس یعنی عدد ۲۷ مورد ارزیابی قرار گرفته است.

جدول ۱۶: آزمون t تک نمونه‌ای برای تحلیل استنباطی وضعیت شاخص‌های زیست‌پذیری ساختار تصمیم‌گیری

Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	N	
.25472	2.95961	24.5037	135	وضعیت ساختار تصمیم‌گیری

Test Value = 0					
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t
Upper	Lower				
25.0075	23.9999	24.50370	.000	134	96.197
وضعیت ساختار تصمیم‌گیری					

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

Sig برابر با ۰,۰۰۰ می‌باشد و با توجه به اینکه این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است بنابراین می‌توان گفت تفاوت میانگین داده‌ها با حد وسط مقیاس معنادار بوده و در جامعه آماری میانگین داده‌ها از حد وسط مقیاس یعنی عدد ۲۷ کمتر می‌باشد و در نتیجه وضعیت زیست‌پذیری مربوط به ساختار تصمیم‌گیری نامناسب است.

نتیجه‌گیری

براساس نتایج بدست آمده در نمونه آماری می‌توان گفت در جامعه آماری وضعیت زیست‌پذیری بدین صورت می‌باشد:

- وضعیت نامناسب ساختار فضایی- فعالیتی مسکونی
 - وضعیت مناسب ساختار فضایی- فعالیتی مؤسسات رفاه عمومی
 - وضعیت نسبتاً مناسب ساختار فضایی- فعالیتی مؤسسات تولیدی-خدماتی
 - وضعیت نسبتاً مناسب ساختار فضایی- فعالیتی مجراهای انطباق یافته
 - وضعیت نامناسب ساختار تصمیم‌گیری
- مهم‌ترین زمینه‌ها در این محله جهت برنامه‌ریزی ارتقای زیست‌پذیری مجتمع‌های مسکونی، ساختار فضایی- فعالیتی مسکونی و ساختار تصمیم‌گیری می‌باشد. در زمینه ساختار فضایی- فعالیتی مسکونی ساختمان‌های فرسوده و کم دوام با قدمت بسیار بالا و ایمنی پایین، عدم سرمایه‌گذاری ساکنان محله در زمینه مسکن، عدم جذب سرمایه‌گذاری در زمینه مسکن در محله، عدم مشارکت ساکنان بایکدیگر در راستای نوسازی واحدهای مسکونی و توان اقتصادی پایین ساکنان و در زمینه ساختار تصمیم‌گیری عدم اعتماد ساکنان به شهرداری، عدم همکاری شهرداری در راستای عمران و آبادی محله، دشوار بودن دریافت پروانه ساخت و ساز توسط ساکنان، مهم‌ترین مسائل برای برنامه‌ریزی ارتقای زیست‌پذیری می‌باشد بنابراین مهم‌ترین پیشنهادات این پژوهش عبارت است از:
- بازنگری در محدوده مصوب شهر اصفهان و الحاق محله بهار به‌عنوان محدوده بافت فرسوده جهت برخورداری از امتیازات آن
 - فراهم نمودن زمینه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی جهت مشارکت در راستای ارتقای زیست‌پذیری این محدوده
 - فراهم نمودن سازوکارها و شرایط لازم از جمله اعطای امتیازت به این محدوده از طرف بخش عمومی جهت تسهیل نمودن ارتقای زیست‌پذیری مجتمع‌های مسکونی
 - استفاده از افراد تسهیل‌گر و قابل اعتماد در محله جهت فراهم نمودن زمینه مشارکت ساکنان در راستای ارتقای زیست‌پذیری محدوده
 - و به صورت کلی تقویت ساختارهای تصمیم‌گیری جمعی جهت بهبود وضعیت شرایط زیست‌پذیری محله بهار

منابع

- ارجمندنی، اصغر (۱۳۷۰)، جمعیت و مسکن، مجله محیط‌شناسی، دوره ۱۶، صص ۲۵-۳۸.
- حیدری، محمدتقی، انبارلو، علیرضا، رحمانی، مریم، طهماسبی مقدم، حسین (۱۳۹۹)، پایش زیست‌پذیری اجتماعی در مناطق فرسوده شهر با رویکرد آینده پژوهی (مطالعه موردی: بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان)، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی، شماره ۷۳، صص ۱۵۵-۱۲۱.
- خراسانی، محمد امین، اکبریان رونیزی، سعیدرضا (۱۳۹۹)، ارزیابی زیست‌پذیری در نواحی روستایی پیراشهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان شیراز)، مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای شماره ۴۰، صص ۱۴۶-۱۳۳.

- سعیدنیا، احمد (۱۳۸۳)، نظام مراکز شهری / فضاهاى مسكونى، كتاب سبز شهردارى‌ها، جلد چهارم، انتشارات سازمان شهردارى‌ها و دهيارى‌هاى کشور.
- شهردارى اصفهان (۱۳۹۵)، www.isfahan.ir، آمارنامه شهردارى اصفهان، تاريخ دسترسى ۱۳۹۹/۱۱/۲.
- کلاترى، خليل، آباد، حسين، پوراحمد، احمد (۱۳۸۵)، فنون و تجارب برنامه ريزى مرمت بافت تاريخى شهرها، انتشارات جهاد دانشگاهى، صص ۳۰-۳۱.
- Bernos. D, Duarte. J.p (2009), An integrated system for providing mass customized housing, Automation in Construction, No,18: pp310-320.
- Heylen. K (2006), Livability in social housing: Three case-studies in Flanders, urban planning institute of the republic of Slovenia, International Conference Workshop 18 - Residential Environments and People.
- Isalou. A, Litman. T, Shahmoradi. B (2014), Testing the housing and transportation affordability index in a developing world context: A sustainability comparison of central and suburban districts in Qom, Iran. Transport Policy.
- Landry. Ch (2000), Urban Vitality: A New source of Urban Competitiveness, prince claus fund journal, ARCHIS issue Urban Vitality / Urban Heroes.
- Lennard. H.L (1997), Principles for the Livable City In Lennard, International Making Cities Livable Conferences, pp.14-46 .
- Mahmoudi. M, Ahmad. F, Abbasi. B (2015) Livable street: the effect of physical problem on the quality and livability of Kuala Lumpur streets, Cities, No(43), pp:104-114.
- Miller. C, Mac Alister. J (2013), Vitality in urban space, livalble city coference, Sidny, Auostralia, pp:1-2
- Noordin. M (2013) Planning for Liveable Cities, Organized by JPBW Sabah, Vol 3, No 8, pp.1-13.
- Timmer. V. Seymoar. N.k (2005), The Livable City Proceedings of The World Urban, International Centre for Sustainable cities, Vancouver, Canada. (Pp.45-65).
- Van Kamp. I, Leidelmeijer. K, Marsman. G, De. H (2003), urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study, Landscape and Urban Planning, pp: 5-18.
- Wheeler. S, (2001), Livable Communities: Creating Safe and Livable Neighborhoods, Towns, and Regions in California.

بررسی عوامل موثر بر رقابت‌پذیری شهری در بافت‌های تاریخی

مطالعه موردی: بافت تاریخی آمل^{۱۰}

سعید گلزار طاهر - کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

فرزین محمودی^{۱۱} - استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

سید محمود میثاقی - استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۹

چکیده

امروزه رقابت‌پذیری شهری چالش اصلی مدیران شهری در راستای دستیابی به جایگاهی شایسته برای شهرهاست. به همین منظور شناسایی مولفه‌های کلیدی ارتقای رقابت‌پذیری شهری یکی از عوامل اساسی در حفظ و توسعه شهرها به شمار می‌رود. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که ابزارها و عوامل موثر بر رقابت‌پذیری شهری بصورت عام و بستری‌های رقابت‌پذیری شهری در بافت تاریخی شهر آمل به صورت خاص کدام است؟ برای پاسخ به این سوالات از دو روش میدانی و کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات بهره گرفته شده است و با روش توصیفی-تحلیلی نتایج پژوهش حاصل گردیده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد بافت تاریخی آمل در زمینه تعامل، فرهنگ، سنت‌های مردم محلی از عوامل انسانی موثر بر رقابت‌پذیری شهرها، دارای ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های فراوانی برای توسعه گردشگری شهری است. همچنین در زمینه نوآوری، خلاقیت و استعدادهای محلی نیز بافت قدیم آمل دارای استعدادهایی نظیر برخورداری از صنایع فرهنگی و بومی برخورداری از موسیقی سنتی است که به ترتیب می‌تواند در جهت توسعه کارآفرینی شهری و برندینگ شهری مورد توجه قرار گیرد. به همین جهت بافت قدیم آمل بسترهای لازم موثر بر رقابت-پذیری شهری را در سطح استان برخوردار است.

واژگان کلیدی: رقابت‌پذیری، شهر، بافت تاریخی، آمل.

نحوه استناد به مقاله: گلزار طاهر، سعید، محمودی، فرزین و میثاقی، سید محمود (۱۳۹۹)، بررسی عوامل موثر بر رقابت‌پذیری شهری در

بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی: بافت تاریخی آمل)، پژوهشنامه جغرافیا و نظام‌های فضایی، ۱ (۴)، ۵۵-۷۱.

<http://jgss.ir/Article/14741>

^{۱۰} مقاله حاضر برگرفته از مطالعات پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول تحت عنوان: "بکارگیری رویکرد بازآفرینی شهری فرهنگ‌مبنا به منظور ارتقای رقابت‌پذیری شهری" است که با راهنمایی نگارندگان دوم و سوم در دانشگاه مازندران ارائه شده است.

^{۱۱} نویسنده مسئول مقاله:

مقدمه

ظهور پدیده جهانی شدن به‌عنوان مفهومی نو و فراگیر در اواخر قرن بیستم بر سر زبان‌ها آمد. شکل‌گیری روابط جدید میان کشورها و نقش جدید شهرها در عرصه مناسبات جهانی، شهرها را مجبور به رقابت با یکدیگر کرده است (الهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). رقابت میان شهرها با رشد شرکت‌های چند ملیتی تشدید شده است همچنین مدیریت شهری در تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی، نقش فزاینده‌ای در بازاریابی خود داشته است. با پیدایش بخش‌های مختلف اقتصاد نوین جهانی همچون خدمات مالی، رقابت در جذب موسسات بین‌المللی جهت استقرار در شهرها و یا رقابت بر سر صحنه‌های جهانی مانند رخدادهای ورزشی و نمایشگاه‌های تجاری، اثرات و نتایج اقتصادی نوید بخشی را به بار می‌آورد (ربیع و خواجویی ۱۳۹۲: ۳۸). شهرها در متن اقتصاد جهانی با استفاده از ابزارهای مختلفی از جمله دیپلماسی شهری، هوشمندی رقابتی به شدت در رقابت با یکدیگر قرار گرفته‌اند تا بتوانند در فضای اقتصاد جهانی و در یک ساختار سلسله مراتبی جایگاه خود را ارتقا داده و منافع سرشاری را برای شهروندان خود به ارمغان آورند (الهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۵). در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی شهری دولت باید به همان اندازه که به عوامل فیزیکی و اقتصادی بها می‌دهد به عوامل اجتماعی و فرهنگی و به نقش افراد ذی‌نفع بها دهد. یکی از اصلی‌ترین موانع فرا روی مدیریت شهری، به‌خصوص در شهرها، چند بخشی بودن مدیریت شهری در عرصه سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت است. شهر سیستمی پویا است که عملکرد ساختارهای آن، پیوسته باهم تعامل دارند؛ برای تنظیم این روابط و پایداری سیستم، هماهنگی و یکپارچگی در مدیریت آن ضرورت می‌یابد (ربیع و خواجویی ۱۳۹۲: ۳۹). پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال کلیدی است که آیا بافت تاریخی شهر آمل ظرفیت‌های و ابزار لازم را برای رقابت‌پذیر شدن را دارا است؟ نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند راهنمایی برای مدیران و برنامه‌ریزان شهری جهت اتخاذ راهبردهایی به‌منظور ارتقای رقابت‌پذیری شهر در بافت‌های تاریخی باشد که امروز در زمره پتانسیل‌های پایدار شهر محسوب می‌گردد.

مبانی نظری

رقابت‌پذیری شهری

با توجه به آن‌که تعریفی پذیرفته شده در خصوص رقابت‌پذیری و به‌خصوص رقابت‌پذیری شهری وجود ندارد، بایستی تعاریف مختلفی که از سوی صاحب‌نظران و سازمان‌های مختلف از این مفهوم در سطوح مختلف کلان (ملی) و خرد (بنگاه‌ها) ارائه شده است، را مد نظر داشت تا از درون مایه آن مولفه‌ها، متغیرها و عوامل موثر بر مفهوم رقابت‌پذیری شهری استخراج گردیده، تا بتوان آشنایی نسبی با این مفهوم حاصل نمود. شاید بتوان اولین مطالعه مهم در زمینه رقابت‌پذیری را همایش که تحت حمایت مالی کسب و کار مدرسه هاروارد در سال ۱۹۸۵ شکل گرفت دانست. حاصل این همایش کتابی بود که توسط بروس و اسکات معرفی شد. در این کتاب دو مورد مطرح می‌شود که اول، رقابت‌پذیری در سطح ملی نمود می‌یابد و دوم، افزایش استانداردهای زندگی شاخص اصلی در رقابت‌پذیری به شمار می‌آید. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، رقابت‌پذیری را مرتبه‌ای که بتوان تحت شرایط بازار آزاد و عادلانه، محصولات و خدماتی را تولید نمود و با بازارهای بین‌المللی مطابقت داشته می‌دانند که در عین حال به حفظ و گسترش درآمد واقعی مردم در دراز مدت کمک کند. تاکید اصلی این سازمان بر رقابت‌پذیر بودن محصولات شهری و افزایش درآمد جمعیت محلی استوار است. گروه مشاورین رقابت‌پذیری در اروپا (۱۹۹۵) معتقدند که رقابت‌پذیری بر عناصر بهره‌وری، کارایی و سودآوری دلالت دارد که به خودی خود هدف نیست. رقابت‌پذیری وسیله‌ای است برای ارتقای استاندارد زندگی و افزایش رفاه اجتماعی. به طور کلی همراه با افزایش سطح بهره‌وری و کارایی به واسطه کسب تخصص در سطح بین‌المللی، رقابت‌پذیری زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که بر اساس آن دریافت‌های افراد جامعه از طریق فرآیند بدون

تورم افزایش می‌یابد (الهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰). استورپر^{۱۲} (۱۹۹۷)، معتقد است رقابت‌پذیری نشان دهنده توانایی یک اقتصاد برای جذب و نگهداری شرکت‌ها افزایش ثبات یا سهم فعالیت‌ها، در شرایطی که حفظ یا افزایش استانداردهای زندگی برای کسانی که در آن شراکت دارند فراهم گردد. در این دیدگاه تاکید استورپر بر جذب و نگه‌داری شرکت‌های موفق و نیز افزایش استانداردهای زندگی است (Storper, ۱۹۹۷). کاستیاینن^{۱۳} (۲۰۰۲)، تعریفی جامع‌تری را از رقابت‌پذیری ارائه می‌دهد. طبق تعریف کاستیاینن رقابت‌پذیری توانایی جذب جریان اطلاعات، تکنولوژی، سرمایه و فرهنگ، مردم و سازمان‌هایی است که برای منطقه از اهمیت بسیاری برخوردار است و همچنین توانایی حفظ و توسعه کیفیت زندگی و استانداردهای زندگی ساکنان محلی و نیز توانایی ایجاد یک محیط عملیاتی خلاقانه است که در آن شرکت‌ها بتوانند رقابت خود را توسعه دهند. تاکید وی در این تعریف بیشتر بر روی توانایی جذب جریان‌ها و رویدادها، محیط‌های خلاقانه، شرکت‌های رقابتی و نیز افزایش استانداردهای زندگی استوار است. وبستر^{۱۴} و مولر^{۱۵} (۲۰۰۰)، رقابت‌پذیری شهری را توانایی یک منطقه شهری برای تولید و ایجاد بازار یک سری از محصولات (کالاها و خدمات) که نمایان‌گر ارزش عالی (نه لزوماً با قیمت پایین) در مقایسه با محصولات دیگر مناطق شهری تعریف می‌کنند. و نیز رقابت‌پذیری را در اقتصاد شهری که کالاها و خدمات را برای مردم محلی با ارزش بالا نسبت به قیمت تولید می‌کند تفسیر می‌کنند. همچنین رقابت‌پذیری از اقتصاد مبتنی بر صادرات شهر حمایت می‌کند و آن را رقابتی‌تر می‌سازد به همین جهت به‌طور مستقیم باعث افزایش کیفیت زندگی برای مردم و استاندارد زندگی در منطقه شهری می‌شود (Muller and Webster, 2000: 1). با وجود تعاریف مختلف از رقابت‌پذیری، می‌توان وجوه مشترک این تعاریف استفاده نمود و بر اساس آن رقابت‌پذیری شهری را تعریف نمود. لذا با توجه به موارد بیان شده و در نظر گرفتن نسبی بودن مفهوم رقابت‌پذیری، می‌توان رقابت‌پذیری را این‌گونه تعریف نمود: «رقابت‌پذیری شهری توانایی بهره‌گیری از جریان‌ها و استعدادها و نیز خلق فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا به‌منظور ارتقای موقعیت رقابتی در یک منطقه خاص است که ضمن ایجاد رقابت میان دیگر شهرها در جذب سرمایه‌گذاران و طبقه خلاق در یک منطقه با هدف بهبود استانداردهای زندگی و شرایط زیست از طریق مدیریت عوامل داخلی و خارجی عمل می‌کند».

ابزارهای رقابت‌پذیری در شهرها

با توجه به آنچه گفته شد، رقابت یک شهر به مجموعه‌ای از عوامل بستگی دارد که شامل فرآیند حاکمیت، زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی، کیفیت سرمایه انسانی و محیط طبیعی، محیط تجاری و قابلیت موسسات محلی مرتبط است (قورچی و مالکی، ۱۳۸۹: ۱۶۲). حال به بیان ابزارهای رقابت‌پذیری شهرها اشاره می‌گردد که چه بصورت منفرد و چه بصورت تلفیقی منجر به بهبود شاخص‌های رقابت‌پذیری شهری می‌شود.

بازاریابی شهری

بازاریابی شهری برای نخستین بار در سال ۱۹۸۱ در یک پژوهش در شهر اپلدرون مطرح شد. به همین جهت ریشه‌ای هلندی دارد. مفهوم بازاریابی شهری از زمان شهرنشینی گسترده نمود یافته است، پس از سال ۱۹۹۰ این اصطلاح به دلیل افزایش رقابت بین شهرهای مشتاق برای جذب گردشگران، ساکنان، سرمایه‌گذاران بلقوه، مورد استفاده گسترده قرار می‌گیرد که همه این موارد به‌دنبال شکل‌گیری به زندگی بهتر است (Alexa, 2010: 40). سانچز (۱۹۹۲)، سه هدف کلی مشخص را در ارتباط با سیاست‌های اعمال شده برای افزایش رقابت شهرها مورد اشاره قرار می‌دهد که عبارت‌است از: توسعه درونی محلات شهری، بهبود ارتباطات در سطح منطقه‌ای و ادغام شهر در شبکه‌های اروپایی و

¹² Storper

¹³ Kostaiinen

¹⁴ Webster

¹⁵ Muller

بین‌المللی. که این امر در گام اول عمدتاً مربوط به زیرساخت‌ها می‌شود در حالی که یکی از ابزارهای دستیابی دیگران به بازاریابی کارآمد شهر است (Asprogerkas, 2006: 16). جان ون در مر^{۱۶} ۱۹۹۲، معتقد است بازاریابی شهری می‌تواند به‌عنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی که جهت تقویت همبستگی بین ویژگی‌های شهری و تقاضای آن از ساکنان شرکت‌های محلی، گردشگران و بازدیدکنندگان دیگر صورت گیرد. ادبیات بازاریابی بر اهمیت توسعه شهر و ارتقا مداوم عناصر آن تأکید دارد، و نیز افزایش رقابت به‌عنوان اثر غیر مستقیم راهبردهای اعمال شده است. بازاریابی شهری در این‌جا بایستی به‌عنوان یک اصل کلی بر توسعه شهر نگریسته شود، به‌همین ترتیب، بر روی مشکلات مربوط به مسکن، اشتغال، ارتباطات، تسهیلات و محیط زیست متمرکز است (Alexa, 2010: 41). شهرها برای این‌که بتوانند در رقابت خود با دیگر شهرها موفق باشند، شش راهبرد عام بازاریابی را باید در نظر بگیرند که شامل: الف. جذب کردن توریست و بازدیدکنندگان تجاری (سرمایه‌گذاران)، ب. جذب کردن حرفه‌ها از مکان‌های دیگر، پ- نگهداری حرفه‌های موجود و توسعه آن‌ها، ت- توسعه و ارتقاء حرفه‌های کوچک و راه اندازی حرفه‌های جدید، ث- توسعه صادرات و سرمایه‌گذاری- های خارجی، ج- گسترش و افزایش جمعیت و تغییر بافت جمعیتی (موحد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰). با توجه به آنچه گفته شده چنین بازاریابی شهری به‌عنوان یکی از ابزارهای شهرها به‌منظور بالا بردن رقابت‌پذیری شهری از طریق بازاریابی مکان که پیش‌تر ذکر گردید عمل کرده و با بهره‌گیری از راهبردهایی در زمینه توسعه بازاریابی مکان نظیر، جذب انواع رویدادهای خاص منجر به جذب سرمایه‌گذاران، گردشگران و توسعه کسب و کار برای ساکنان محلی می‌گردد به‌همین منظور بازاریابی شهری فرصتی را برای شهرها به‌منظور بهبود در عرصه رقابت‌پذیری در شهرها فراهم می‌آورد.

برندینگ شهری^{۱۷}

پس از سال ۲۰۰۰، مفهوم بازاریابی شهری به ایجاد برند برای شهر تغییر یافته است. برند منبعی از ارتباطات احساسی، شناختی و اثر بخشی است که منجر به تجربیات به یادماندنی از یک مکان، یک شهر و یا یک نام نشان تجاری می‌شود. با ایجاد برند برای شهر، جایگاه شهر به‌عنوان محلی برای اقامت، کسب و کار و یا مقصد گردشگری تقویت می‌شود. ایجاد برند برای یک شهر از بررسی تصویر فعلی شهر، مرحله دوم یا بعدی در فرایند بازاریابی شهری است و یا می‌توان گفت هدف نهایی بازاریابی شهر، ایجاد برند یا وجهه برای شهر است (الهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۶). شهرهایی که توانستند آوازه و برند ویژه‌ای در عرصه ارتباطات جهانی کسب کنند، با سرعت و سهولت بیشتری نزد افکار عمومی جهانی شناخته می‌شوند و می‌توانند در شبکه گسترده جهانی تاثیرگذاری بیشتری داشته باشند و بهره بیشتری از گردشگری، کسب و کار، سرمایه‌گذاری، احترام و توجه دنیا را به خود معطوف نمایند (همان، ۴۰). به عبارت دیگر "برندسازی شهری" یک راهبرد جامع و بلند مدت در کنار راهبرد توسعه شهری (CDS^{۱۸}) و راهبرد توسعه اقتصادی شهر (LED) است که خود شامل سلسله‌ای از راهبردها، فرایندها و فعالیت‌های بهم پیوسته و یکپارچه تشکیل گردیده و در نهایت موجب ارتقای اعتبار و خوشنامی شهر در میان سایر شهرها و افزایش توانمندی‌های رقابتی و بهبود زندگی شهروندان می‌شود (مظفری، ۱۳۹۱). بدین ترتیب این‌گونه برداشت می‌شود که برندینگ شهری نیز می‌تواند به‌وسیله نشان گذاری مکان صورت گیرد، برندسازی مکان می‌تواند با پدید آوردن تجربیات به یادماندنی از یک شهر متضمن جذب گردشگران، بازدیدکنندگان، سرمایه‌گذاران و ساکنان محلی به بخش خاص مورد برنامه‌ریزی گردد به‌همین منظور فرصت‌هایی را به‌منظور ایجاد رقابت میان شهرها فراهم سازد.

¹⁶ Jan van der Meer

¹⁷ City branding

¹⁸ City Development Strategy

گردشگری شهری

بر اساس تعریف سازمان جهانی توریسم، گردشگری یا معادل دقیق و درست لاتین آن توریسم^{۱۹}، به کلیه فعالیت‌های افرادی اطلاق می‌شود که به مکان‌هایی خارج از محیط عادی خود به‌منظور گذراندن ایام فراغت، انجام کار و سایر هدف‌ها، برای مدت کمتر از یک سال می‌روند (فرجی‌راد و آقاجانی، ۱۳۸۸: ۶۲). گردشگری، به تمام بخش‌های اقتصادی یک کشور مربوط شده و اثرات اقتصادی خود را بر همه این حوزه‌ها بر جای می‌گذارد. منظور از اثرات اقتصادی گردشگری، کلیه آثاری است که بر پیکره اقتصادی تاثیر می‌گذارد. گردشگری، از طریق تاثیر بر مولفه‌های عمده اقتصادی مانند درآمد، اشتغال، سطح قیمت‌ها، عرضه و تقاضا، ترازهای مالی و مالیاتی جامعه را، تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این راستا «گردشگری» بزرگترین تولیدکننده تولید ناخالص داخلی و اشتغال بوده و باعث رونق بسیاری از کشورها و مناطق می‌باشد (نوربخش و اکبرپور، ۱۳۸۹). امروزه گردشگری داخلی به‌عنوان یک تجارت بین‌المللی مطرح شده و به یکی از مهم‌ترین معیارهای تجارت جهانی تبدیل شده است. در سطح جهانی نیز، به‌عنوان یک دسته از صادرات، گردشگری به‌عنوان رتبه چهارم پس از سوخت، مواد شیمیایی و مواد غذایی می‌باشد. به‌همین دلیل برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه این صنعت یکی از منابع اصلی جذب درآمد ارز خارجی و گروه اول صادرات محسوب شده و نیز موجب ایجاد اشتغال و فرصت‌های لازم برای توسعه را فراهم می‌سازد (Global Report on City Tourism, 2012: 9). گردشگری الگوهای جدید و تغییراتی را برای چشم‌اندازهای شهری به ارمغان می‌آورد، مانند جهانی شدن، پدیده‌ای که نه تنها در شهرهای بزرگ بلکه در شهرهای کوچک و متوسط نیز تاثیرگذار است (Ibid, 10). اصطلاح "گردشگری شهری" فعالیت گردشگری را که در مناطق کلان‌شهری رخ می‌دهد را توصیف می‌کند و شامل تعاملات میان بازدیدکنندگان و محیط‌های شهری می‌شود که با تراکم جمعیت در آن شناخته می‌شود. به عقیده لاو^{۲۰}، عبارت گردشگری شهری به سادگی مفهوم گردشگری را در نواحی شهری بیان می‌کند. تمام گونه‌های شهری، به‌عنوان مقاصد گردشگری عمل می‌کنند و دارای پتانسیل جذب گردشگران بومی و بین‌المللی هستند. بر همین اساس، گردشگری در چنین محیط‌هایی (محیط شهری) یک پدیده متفاوت و منحصر به فرد است. ابتدا این‌که، نواحی شهری، در طبیعت ناهمگن هستند چراکه از طریق ویژگی‌هایی همچون: اندازه، مکان، عملکرد و عمر از هم متمایز شده‌اند. دوم این‌که، آن‌ها پدیده چند عملکردی هستند چرا که امکانات گوناگونی را ارائه می‌کنند و سوم این‌که این امکانات توسط طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان یعنی گردشگران و ساکنین به مصرف می‌رسند (نوریان و فلاح زاده، ۱۳۹۴: ۱۱). به‌طور کلی می‌توان گردشگری شهری را کنش متقابل گردشگران میزبان و بازدید از جاذبه‌ها و تسهیلات و خدمات مربوط به گردشگری با انگیزه‌های متفاوت گردشگر دانست که در بافت‌های تاریخی، این انگیزه به‌سوی کشف و شناسایی میراث‌های تاریخی و شیوه زندگی پیشینیان سوق می‌یابد. مهم‌ترین راهبردهای ارتقای جذابیت گردشگری فرهنگی در بافت‌های تاریخی را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه نمود: احیای ارزش‌های فرهنگی، تاریخ و شیوه زندگی پیشینیان، رویدادها و خاطرات جمعی؛ ایجاد پیوند بین جاذبه‌های فرهنگی از طریق ایجاد گره‌ها و شبکه‌های گردشگری در شهر؛ احیا و گسترش محورهای فرهنگی و تاریخی و پهنه‌های گردشگری با در نظر گرفتن موقعیت قرارگیری جاذبه‌ها (امین زاده و دادرس، ۱۳۹۱: ۱۰۲). در مجموع چنین برداشت می‌شود که گردشگری شهری به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی رقابت‌پذیری شهرها مطرح باشد ابزاری که در بافت‌ها و هسته‌های تاریخی شهرها نمود بیشتری یافته و همواره میزبان بازدیدکنندگان و سرمایه‌گذاران در این بخش از شهرها است. به‌همین منظور گردشگری شهری در بافت‌های تاریخی به شکل گردشگری فرهنگی عمل کرده و همواره فرصت‌هایی را به‌منظور ارتقای رقابت‌پذیری شهری به وسیله توسعه اشتغال، کسب و کار در نهایت به وجود آوردن بستر صادرات نامرئی برای شهرها را فراهم می‌سازد.

¹⁹ Tourism

²⁰ Law

کارآفرینی شهری^{۲۱}

واژه کارآفرینی، مترادف کلمه فرانسوی (اینترپرائندر^{۲۲}) است که به معنی متعهد شده می‌باشد. کارآفرینی؛ شامل ایجاد، بازآفرینی و نوآوری سازمانی است که درون و بیرون یک سازمان اتفاق می‌افتد. همچنین آن‌ها کارآفرین را افراد یا گروه‌هایی می‌دانند که مستقل عمل کرده یا در بخشی از یک شرکت، سازمانی جدید ایجاد می‌کنند یا تجدید یا نوآوری را درون سازمان موجود تحریک می‌کنند (بابایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۸). جونز (۲۰۰۷)، بیان می‌کند که کارآفرینی شهری نیز همانند واژه کارآفرینی، تعریف واحدی ندارد و در برخی موارد، کارآفرینی شهری تبدیل به تعبیری از کارآفرینی شده و در مواردی دیگر نیز آن را به کسب و کارهای کوچک ارجاع می‌دهند که در مناطق دارای رکود اقتصادی، عملیاتی شده یا به ارائه خدمات می‌پردازند (همان، ۸۹). تغییر جهت در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های شهری از ارائه خدمات عمومی به ارتقاء شرکت‌های خصوصی موجب شد تغییر و تحول عمیق در سیاست‌گذاری‌ها شهری حاصل شود و از این نگاه به‌عنوان یک گذار «از مدیریت‌گرایی به کارآفرینی» یاد می‌شود. پذیرش چنین نگرشی از برنامه‌ریزان در سیاست‌های شهری موجب رشد شتابان این نوع تفکر به‌منظور بهبود رقابت میان شهرها در اقتصاد غیر قابل پیش‌بینی جهانی گردید و نیز پی‌گیری مستمر راهبردهای بدین شکل برای ایجاد مزایای رقابتی نسبت رقبا خود است. چنین نگرشی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری معمولاً به‌عنوان کارآفرینی شهری از آن یاد می‌شود. این امر اقدامات مثبت و راهبردهایی را بر اساس رویکرد فعال نه صرفاً روشی برای حل یک مشکل، همراه با در نظر داشتن ساختارهای نهادی جدید مدیریت شهری پیش‌بینی می‌کند (OECD, 2007: 19). با توجه به آنچه گفته شد کارآفرینی شهری به‌دنبال بهره‌گیری ظرفیت‌های اقتصاد محلی از طریق سرمایه‌گذاری بر روی افراد خلاق به‌عنوان عناصر لازم تحقق کارآفرینی شهری و همچنین محیط شهری به‌عنوان بسترساز کارآفرینی شهری توانایی تحقق این امر را میسر می‌سازد. کارآفرینی شهری با پیاده‌سازی ایده‌ها و طرح‌های خلاقانه توانایی بروز در مراکز قدیمی شهرها به شکل خاص‌تری را داراست به‌همین منظور کارآفرینی شهری به‌عنوان ابزاری در دست شهرها به‌سوی توسعه پایدار شهری گام برداشته و ضمن افزایش ثروت برای شهرها منجر به ارتقای رقابت‌پذیری شهری می‌گردد.

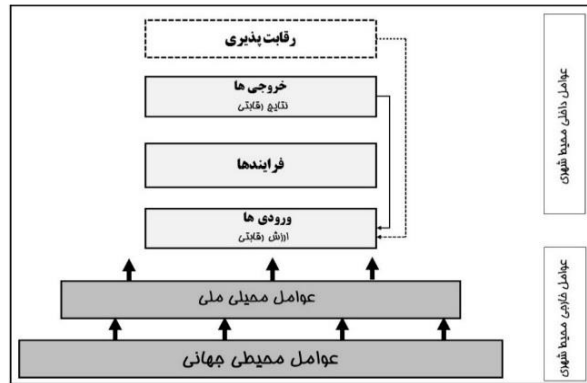
عوامل موثر بر رقابت‌پذیری شهری

اگر فرایند شکل‌گیری شهرهای رقابت‌پذیر را مهم بیندازیم مسئله مهم‌تر تعریف درست عوامل با عناصر ساختاری آن‌ها است که چگونه بر شکل‌گیری نتایج فعالیت‌های شهری تاثیر گذار است. همان‌طور که بیگ (۱۹۹۹)، اشاره می‌کند که درک عوامل موثر بر بهبود رقابت‌پذیری شهرها در بازارهای ملی و بین‌المللی کمک شایانی به شناسایی موقعیت فعلی خود به‌منظور پیش‌بینی چشم‌اندازهای ممکن برای سیاست‌گذاری توسعه شهری هدفمند است (Sinkiene, 2009: 5).

²¹ Urban Entrepreneurship

²² Entreprenndre

²³ Begg



شکل ۱: فرایند کلی شکل‌گیری شهری‌های رقابت‌پذیر (نگارندگان)

کمیسیون اروپا ۲۰۰۰، بیان می‌کند که شناسایی عوامل موثر بر محیط داخلی و خارجی شهر، که بیشترین تاثیر را بر رقابت‌پذیری شهرها را دارند، از شناسایی عوامل خارجی آن آغاز می‌شود. تاکید بر اهمیت عوامل خارجی برای شهرها و نتایج آن بسیار مهم است. سیاست‌های ملی و بین‌المللی مانند ساختار اقتصادی ملی، سطح نوآوری، سیاست مالیاتی ملی، توسعه منابع انسانی، تعرفه‌ها، طرح‌های اقتصاد کلان و صنعتی و دیگر شرایط سیاست عمومی، سطح دسترسی، مهارت‌های نیروی کار، و غیره... بصورت مستقیم بر نتایج یک شهر تاثیر گذار خواهد بود (Webster and Muller, 2000). شناسایی مهمترین عوامل محیط خارجی شهر بر اساس تجزیه و تحلیل پست^{۲۴} با یک جنبه بیشتر تکمیل شده است و شاهد نقش قابل تامل‌تر جنبه زیست محیطی در رقابت‌پذیری شهرها می‌باشیم. شرح دقیق پنج عامل خارجی (اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، فنی، سیاسی قانونی، زیست محیطی) و عناصر تشکیل دهنده آن است. عوامل داخلی محیط شهری بیشترین تاثیر را برای نتایج فعالیت شهری دارا می‌باشد، بنابراین رقابت آن بر اساس تجزیه تحلیل مفصلی از نظریه‌ها و دیدگاه دانشمندان بین‌المللی در ارتباط با مسائل رقابت‌پذیری شهری صورت می‌گیرد. به عنوان مجموعه‌ای از عوامل داخلی و همچنین طبقه‌بندی آن‌ها به طور قابل توجهی تفاوت‌های در ادبیات علمی به چشم می‌خورد. تجزیه تحلیل‌های صورت گرفته از سوی دیدگاه نویسندگان مختلف در نهایت معرف پنج گروه می‌شود که عبارت است از: ۱- دیدگاه عوامل ورودی و خروجی، ۲- دیدگاه عوامل کنترل و غیر قابل کنترل، ۳- دیدگاه عوامل اقتصادی و راهبردی، ۴- دیدگاه عوامل ساختاری پویا و ۵- دیدگاه عوامل داخلی (Sinkiene, 2009: 5). مارتین^{۲۵} و سیمیه^{۲۶} (۲۰۰۸)، نیز ساختارهای اجتماعی- فرهنگی را عاملی برای بهبود رشد اقتصادی یا مانع آن تعریف می‌کند؛ مناطق و شهرها موفق مدعی هستند که بخشی از عملکرد اقتصادی برترشان را به سویی می‌برند که دارای سازوکارهای اجتماعی، فرهنگی و سازمانی مناسب است و این امر فعالانه باعث تشویق به تغییر و نوآوری و خلاقیت می‌گردد. تفکر در مورد رقابت‌پذیری شهری در شرایط فرهنگی مرتبط با اهمیتی است که به‌طور فزاینده‌ای به کیفیت زندگی داده می‌شود، عوامل نظیر جذب نیروی کار تحصیل کرده، کارآفرینان و شرکت‌های نوآورانه به شهرها نقش کلیدی ایفا می‌کنند. بر اساس تحلیل دیدگاه نویسندگان مختلف عواملی داخلی (همچنین ساختار و مفهوم) که بر رقابت‌پذیری شهر تاثیر گذار است، چهار دسته اصلی است که عبارت است از، عوامل انسانی، عوامل سازمانی، عوامل فیزیکی، عوامل اقتصادی، همان‌طور که مولر و ویستر برای مدل رقابت‌پذیری شهری در واشنگتن از این چهار معیار استفاده نمودند.

جدول ۱: عوامل موثر بر رقابت‌پذیری شهری

عوامل	عناصر کلیدی	عوامل	عناصر کلیدی
-------	-------------	-------	-------------

²⁴ PEST

²⁵ Martin

²⁶ Simmie

روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع کاربردی و بر اساس روش توصیفی-تحلیلی است. روش کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات شناختی از طرح‌های فرداست نظیر (طرح جامع شهر آمل و طرح ویژه بافت قدیم آمل) بهره‌گیری شده و در روش میدانی نیز برای بررسی وضعیت موجود، مشاهده و تصویربرداری برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. همچنین برای بیان روشن‌تر از بررسی‌های شناختی صورت گرفته از نرم‌افزار جی‌آی‌اس برای نمایش نقشه‌ها استفاده شده است.

محدوده مورد مطالعه

مطالعات طرح جامع و تفصیلی شهر بیانگر آن است که شهر از لحاظ کالبدی به سه گونه بافت درونی (بافت قدیم و تاریخی)، بیرونی و میانی تقسیم می‌گردد. بافت قدیم شهر آمل شامل ۱۳ محله قدیمی بوده و استخوان‌بندی شهر به پیوند میان مراکز محلات و مرکز شهر از طریق گذرگاه‌ها و بازار استوار است. محلات بافت قدیم آمل عبارتند از: سبزه میدان، اسکی محله، گل باغ محله، اسپه کلا، پایین بازار محله، کاسنی محله، چاکسر محله، شاهندشت محله، مشایی محله، کاردگر محله، نیاکی محله، گرجی محله و قادی محله (مهندسین مشاور پژوهش و عمران، ۱۳۸۳). هر یک از محلات دارای عناصر شاخصی هستند که توانایی آن را دارند به‌عنوان ظرفیت‌هایی به‌منظور ارتقای اقتصاد محلی مطرح گردند. نقشه (۱-۳)، محدوده بافت قدیم آمل را در سطح شهر نشان می‌دهد.



شکل ۳: محدوده بافت قدیم شهر آمل (تنظیم: نگارندگان)

مطالعات طرح جامع و تفصیلی شهر بیانگر آن است که شهر از لحاظ کالبدی به سه گونه بافت درونی (بافت قدیم و تاریخی)، بیرونی و میانی تقسیم می‌گردد. بافت قدیم شهر آمل شامل ۱۳ محله قدیمی بوده و استخوان‌بندی شهر به پیوند میان مراکز محلات و مرکز شهر از طریق گذرگاه‌ها و بازار استوار است. محلات بافت قدیم آمل عبارتند از: سبزه میدان، اسکی محله، گل باغ محله، اسپه کلا، پایین بازار محله، کاسنی محله، چاکسر محله، شاهندشت محله، مشایی محله، کاردگر محله، نیاکی محله، گرجی محله و قادی محله. نقشه (۱-۳)، محدوده بافت قدیم آمل را در سطح شهر نشان می‌دهد.

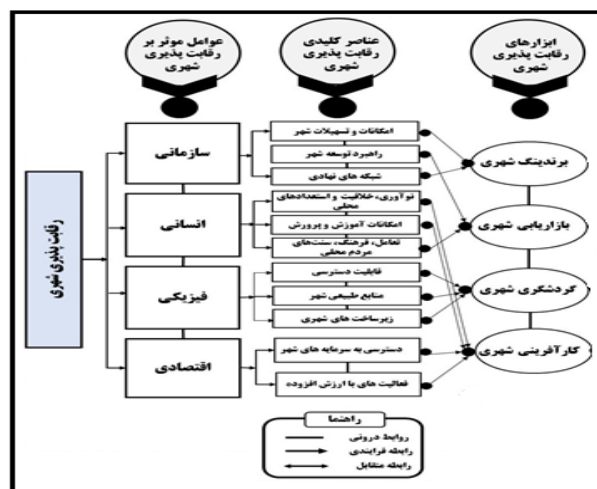
شکل ۴: نحوه محله‌بندی بافت قدیم (تنظیم: نگارنده‌گان)



یافته های تحقیق

بررسی بسترهای رقابت پذیری شهری در بافت تاریخی شهر آمل

به منظور درک بهتر فرایند انجام پژوهش حاضر و نحوه ارتباط بخش‌های مختلف پژوهش سعی شده است در قالب مدل مفهومی پژوهش (شکل ۵) چگونگی ارتباط ابزارهای رقابت‌پذیری شهری با عوامل و عناصر کلیدی رقابت‌پذیری شهری مشخص گردد. مدل مفهومی پژوهش حاضر به منظور پی‌بردن به راه کارهای ارتقای رقابت‌پذیری شهری، ابتدا به شناسایی پیش نیازهای تحقق رقابت‌پذیری شهرها در بافت قدیم شهر آمل پرداخته سپس عوامل موثر بر رقابت‌پذیری شهری به همراه عناصر کلیدی تحقق آن مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت ابزارهای رقابت‌پذیری شهرها به‌عنوان راه‌کاری به‌منظور ارتقای رقابت‌پذیری شهری تبیین شده است.



شکل ۵: مدل مفهومی پژوهش ارتقای رقابت‌پذیری شهری (نگارندگان)

بررسی بسترهای رقابت‌پذیری شهری در بافت تاریخی آمل

همان‌طور که در مبانی نظری و مدل مفهومی پژوهش ذکر گردید برای شناسایی پیش نیازهای رقابت‌پذیری شهر در بافت تاریخی آمل چهار عامل دسته بندی شده است، که بر مبنای آن‌ها سعی بر شناخت بافت قدیم آمل شده است. این عوامل عبارت است از: عوامل انسانی، سازمانی، فیزیکی و اقتصادی.

عوامل انسانی

همان‌طور که در بخش مبانی نظری ذکر شد از جمله عوامل موثر بر رقابت‌پذیری شهرها، بستر انسانی است، که بازرترین آن‌ها همان‌طور که در مدل مفهومی پژوهش ذکر گردید در بستر بافت‌های قدیمی شهری در درجه اول، تعامل، فرهنگ، سنت‌های مردم محلی و دوم نوآوری، خلاقیت و استعداد‌های محلی و در نهایت امکانات آموزش و پرورش است.

الف- تعامل، فرهنگ، سنت‌های مردم محلی: از نظر فرهنگ شعر، ادب، هنر، خطاطی، تاریخ، سیاست، فقه، تفسیر و فلسفه مشاهیر زیادی از این شهر برخاسته‌اند. آمل از فرهنگ و تمدن بسیار کهن و اصیل آریایی برخوردار است و به دلیل داشتن این تمدن باستانی و دیرینه مراسم‌های باستانی و به دلیل علاقه به دین و مذهب مراسم مذهبی بس باشکوهی در این دیار کهن برگزار می‌گردد. پس از گرویدن مردم آن با اسلام، برخی از مراسم باستانی بسته به فرهنگ مردمان مختلف مازندرانی با آداب اسلامی درآمیخته و بنابراین شیوه اجرای آن در هر روستا با روستای دیگر متفاوت است که عبارتند از: تیرگان، ورف چال، کشتی لوچه، ماه درمه، چلیک مارکا، نخل گردانی، نوروز خانی و مراسم عزاداری ائمه اطهار (ع). وجود جاذبه‌های تاریخی_فرهنگی بسیار در شهر آمل نمادی برای اشاعه فرهنگ شهر است. بافت قدیم آمل دارای ۱۳ جاذبه تاریخی-فرهنگی است که به‌عنوان میراث شهر به ثبت رسیده است، از این‌رو معرفی آثار تاریخی و فرهنگی شهر بیانگر غنای فرهنگی آثار موجود بوده و تاثیر بسزایی را در جذب بازدیدکنندگان گردشگران و سرمایه‌گذاران را در این حیطه داراست. این عناصر عبارتند از: بقعه ناصرالحق، بقعه میربزرگ، بقعه میرحیدر آملی، گنبد شمس آل رسول، بقعه امام زاده ابراهیم، بقعه امام زاده قاسم، بقعه قدمگاه خضر، موزه تاریخ آمل، پل فلزی (پل معلق)، پل دوازده چشمه، مسجد جامع شهر، اداره امور اقتصادی و دارایی، شهرقدیم آمل. از دیگر سنت‌های محلی بافت قدیم آمل برگزاری رخدادهای مذهبی به سبب وجود تکاپای تاریخی اعتقادی مردم محلی است که در ایام محرم به برگزاری این رویداد مهم مذهبی می‌پردازند و در واقع می‌توان آن را یکی از بزرگترین پتانسیل‌های بافت قدیم را برای جذب گردشگر دانست. همچنین بهره‌مندی از بقعه ناصر الحق که از سوی مردم یمن در مراسمی با نام اطروش (لقب ناصر الحق) هر ساله برگزار می‌گردد بازدیدکنندگان خارجی بسیاری را از این کشور به شهر جذب می‌کند. از دیگر رخدادهایی که در شهر آمل در طول سال مستمرا صورت می‌گیرد و نتایج آن بر بافت قدیم آمل تاثیر گذار بوده، رخدادهای ورزشی است. شهر آمل دارای یک تیم والیبال است که به سبب طرفداران خود در طول سال موجب جذب تماشاگران و بازدیدکنندگان بسیاری از نقاط مختلف کشور به درون شهر می‌گردد.

ب- نوآوری، خلاقیت و استعداد‌های محلی: فرش، معرق، سفال، گلیم، انواع تشری، برنج، زیتون، ماهی، گردو، گیلاس، مرباجات، شیرینی و غذاهای محلی از جمله مهم‌ترین صنایع دستی و سوغات‌های آمل هستند. همچنین غذاهای محلی که بین‌المللی شده و عسل طبیعی از قله دماوند و لار، سیب، پرتغال، کیوی، گردو، گیلاس صادراتی و نان کوهی، شیرینی‌ها مانند آب دندان، آغوز کناک، ساقه عروس، نان کوهی نیز از جمله سوغات‌های آمل می‌باشند. در خصوص ارائه صنایع دستی آمل باید عرض نمود که موزه تاریخ آمل در سه طبقه شامل گالری‌های آثار باستان‌شناسی، مردم‌شناسی و اسناد تاریخی استان مازندران است که گالری بخش اشیاء مردم‌شناسی موزه آمل نمونه‌ای از بافته‌های محلی شامل جاجیم، گلیم، ظروف چوبی و ظروف مسی مانند آفتابه لگن، کاسه، سینی و ده‌ها آثار دیگر را در خود جمع‌آوری نموده است. موسیقی منطقه آمل را می‌توان در قالب مناطق مرکزی شمال ایران بررسی نمود از همین‌رو تقریباً همه نغماتی که در مناطق مرکزی شمال ایران رایج است در این منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد که از مشهورترین آن‌ها نجوا و امیری خوانی و گهره سری و مازندرانی خونش و طالبها است. شعرهای طالبها و امیری و لاره از شعرهایی هستند که با سوز خوانده می‌شود و بر روی شنونده تاثیر خاصی می‌گذارد. نوروز خوانی سنت اصیلی است که اولین منطقه قبل از اسلام در آمل اجرا شد و بعدها به جاهای دیگر مازندران و در ایران گسترش یافت (مهندسین مشاور پژوهش و عمران، ۱۳۸۳).

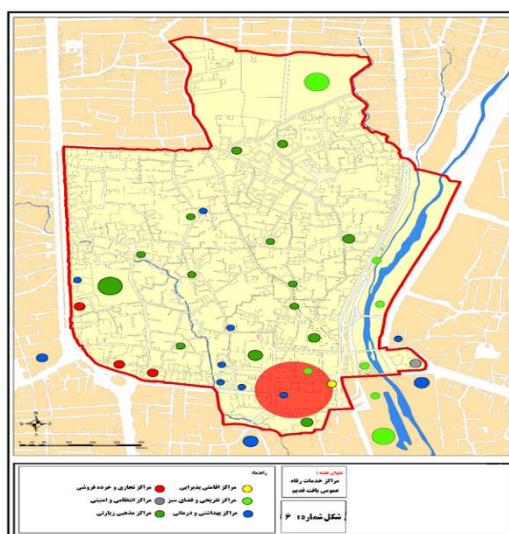
پ- امکانات آموزش و پرورش: بررسی‌های میدانی و مطالعه طرح‌های فرادست، بیانگر آن است که در محدوده بافت قدیم کاربری‌های آموزشی شامل ۲۱ مرکز آموزشی عمومی نظیر (کودکستان، ابتدایی، دبیرستان، نهضت سوادآموزی و غیره) در درون بافت و چهار مرکز آموزش عمومی دیگر در شعاع دسترسی بافت قدیم وجود دارد همچنین در بافت قدیم یک مرکز آموزش عالی وجود دارد. به‌منظور بررسی میزان سرانه آموزشی در سطح شهر آمل که با توجه به سرشماری که اخیراً صورت گرفته (سرانه فضای آموزشی شهر آمل، ۰٫۹ متر برای هرنفر) اختصاص یافته نشان می‌دهد شهر آمل در زمینه تامین نیازهای آموزشی شهر بر اساس معرفی سرانه آموزشی توسط شورای عالی شهرسازی و معماری (۱۳۸۹) دارای کمبودهایی در این زمینه است.

عوامل سازمانی

همان‌طور که در بخش مبانی نظری ذکر شد از دیگر عوامل موثر بر رقابت‌پذیری شهرها، عوامل سازمانی است، که بازترین آن‌ها همان‌طور که در مدل مفهومی پژوهش ذکر گردید در بستر بافت‌های قدیمی شهری در درجه اول، امکانات و تسهیلات شهر، دوم وجود شبکه‌های نهادی و در نهایت استراتژی توسعه شهر است.

الف- امکانات و تسهیلات شهر: در این بخش از فرایند، همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر گردید، امکانات و تسهیلات شهر جزء عناصر کلیدی در عوامل سازمانی موثر بر رقابت‌پذیری شهری در بافت قدیم آمل محسوب می‌شود. امکانات و تسهیلات شهر عنصری برای ساکنان بافت قدیم و گردشگران خارجی است که باعث تعیین سطح رفاه عمومی شهر نیز می‌شود، به‌همین جهت شامل فعالیت‌هایی نظیر؛ مراکز درمانی و بیمارستانی، نیروی انتظامی، مراکز آتش‌نشانی، مراکز مذهبی، پارک و فضای سبز، مراکز تجاری و خرده‌فروشی و مراکز اقامتی و پذیرایی می‌گردد. موقعیت قرارگیری تمامی این مراکز و عناصر در شهر در نقشه ۳-۴، نشان داده شده است.

ب- شبکه‌های نهادی: در تعریف شبکه‌های نهادی همان‌طور که در پژوهش لویز (۲۰۱۱)، معرفی گردید، شامل: ترکیبی از برنامه‌ها و سیاست‌های پشتیبان دولتی، سازمان‌های توسعه بین‌المللی، مراکز نوآوری، موسسات تحقیقاتی و موسسات پشتیبانی حرفه‌ای است که منجر به افزایش امکان انتقال دانش شرکت‌های بین‌المللی می‌شود. در این میان تنها موسسه تحقیقاتی برنج آمل است که با فاصله از بافت قدیم (حدود ۱۱ کیلومتر) در این زمینه بر بافت قدیم تاثیر گذار است اما همچنان نیاز به سازمان‌ها و موسسات توسعه خلاقیت و نوآوری در بافت قدیم بسیار احساس می‌شود.



شکل ۶: موقعیت مراکز خدمات رفاه عمومی بافت قدیم آمل (تنظیم: نگارندگان)

پ- استراتژی توسعه شهر: بخش مهم دیگر بررسی عوامل سازمانی موثر بر رقابت‌پذیری شهری، وجود برنامه‌های برای توسعه شهر است که در قالب راهبردهای توسعه شهری امروزه مطرح است. با مطالعه اسناد فرا دست شهر آمل و به طبع آن بافت قدیم آمل، تنها در طرح تفصیلی ویژه بافت قدیم راهبردی کالبدی به منظور توسعه شهری آمل به ویژه بافت قدیم آمل ارائه شده است که عبارت‌است از: تبدیل تدریجی قطعات تفکیک اراضی شهری از الگوی ریزدانه به الگوی تجمیع جهت توسعه بلند مرتبه سازی. یکی از عوامل موثر در انتخاب این استراتژی مسائل و تنگناهایی عدیده- ای ایجاد شده برای شهر آمل است که در صورت تبدیل الگوی فوق به قطعات درشت دانه باعث ارتقاء محیط خواهد گردید. با توجه به آنچه گفته شد در بررسی مطالعات اسناد فردا دست، راهبرد توسعه‌ی شهری که در راستای ارتقاء رقابت‌پذیری شهری در نظر گرفته شده باشد وجود ندارد و در این زمینه از عوامل سازمانی موثر بر رقابت‌پذیری شهری باید توجه خاصی مبذول گردد.

عوامل فیزیکی

از جمله عوامل موثر بر رقابت‌پذیری شهرها، عوامل فیزیکی (محیطی) است، که بازرترین آن‌ها همان‌طور که در مدل مفهومی پژوهش ذکر گردید در بستر بافت‌های قدیمی شهری در درجه اول، موقعیت و قابلیت دسترسی، دوم زیر ساخت‌های شهری و در نهایت منابع طبیعی شهر است.

الف- موقعیت و قابلیت دسترسی: در بررسی‌های میدانی صورت گرفته از شبکه دسترسی نشان می‌دهد که بافت قدیم آمل به جهت موقعیت قرارگیری خود در مرکز شهر آمل از قابلیت دسترسی مطلوبی به بافت برخوردار است. در این میان اصلی‌ترین محور دسترسی به بافت قدیم خیابان ۱۷ شهریور در جنوب بافت قدیم است که امکان دسترسی به بافت را فراهم می‌کند. محورهای موثر دیگر دسترسی به بافت قدیم آمل بلوار طالب آملی (در غرب بافت قدیم) و بلوار شهید بهشتی (در شرق بافت قدیم) است همچنین بلوار طبرسی در دل بافت قدیم امکان دسترسی به بافت قدیم را هموارتر ساخته است. شایان ذکر است که معابر درون بافت، خیابان اسدی (در جهت غرب به شرق)، خیابان غروی (در جهت شمال غربی به جنوب شرقی) است، که به دلیل عرض کم خیابان غروی، امکان تردد سواره تنها برای سواره آن هم برای تخلیه بار یا بارگیری وجود دارد. با توجه به شکل‌گیری راسته اصلی بازار در امتداد جنوب شرقی شمال غربی در بین دروازه بار فروش (بابل فعلی) و دروازه شمالی و گیلان یا بحر خزر، لذا می‌توان از پل دوازده چشمه و مجموعه فضاهای اطراف آن و فضاهای پیرامون مسجد امام حسن عسگری (ع) و همچنین اراضی گنبد بن در شهر قدیم آمل، به‌عنوان مکان‌هایی که به تعریف محدوده بافت قدیم کمک می‌کنند نام برد. شایان ذکر است که اراضی شمال گورستان امامزاده ابراهیم به‌عنوان دروازه نور و اراضی پیرامون بقعه قدمگاه خضر و بیمارستان ۱۷ شهریور (مصلی قدیم شهر آمل) به- عنوان دروازه تهران یا لاریجان بوده است. این گره‌ها و دروازه‌های گذشته از دلایل پیوستگی بافت تاریخی به شمار می- آیند. این فضاهای ورودی به‌عنوان پتانسیل می‌توانند در زمینه جهت‌یابی بافت قدیم بسیار کارآمد و با هویت به‌کار آیند که مستلزم برنامه‌ریزی حمل و نقلی بهینه می‌باشد.

ب- زیرساخت‌های شهری: زیرساخت‌های شهری یکی از بستری‌های موثر بر رقابت‌پذیری شهرها محسوب می‌گردد. به همین منظور برای بررسی زیرساخت‌های شهری، در آمل بایستی وضعیت آب و فاضلاب شهری نحوه تامین و کیفیت آن، وضعیت برق رسانی، شبکه گاز رسانی و مخابرات مورد بررسی قرار گیرد.

آب و فاضلاب: آب شهر آمل توسط حلقه چاه‌های که در داخل و حومه شهر احداث شده است تامین می‌گردد. ظرفیت آبدهی این چاه‌ها ۹۰۰ (لیتر در ثانیه) بوده و همچنین عمق متوسط چاه‌های مزبور ۱۳۲ متر می‌باشد. میزان استحصال روزانه از این چاه‌ها ۳۴۱۱۰/۵ متر مکعب ذخیره و وارد شبکه لوله کشی شهر می‌گردد. سیستم انتقال آب از منابع مختلف به مخازن و از مخازن به شهر از نوع سیستم تحت فشار بوده که فشار متعارفی آب در لوله حداکثر ۵ و حداقل

۰٫۵ اتمسفر می‌باشد. سیستم دفع فاضلاب در شهر آمل نیز عمدتاً از طریق حفر چاه، و جوب‌ها و گذرگاه‌ها صورت می‌پذیرد و در اغلب منازل مسکونی فاضلاب توالت‌ها را در داخل منازل حفر می‌شود.

مخابرات: وضعیت موجود در کلیه مناطق شهر آمل شبکه‌ها و کابل‌های مخابراتی نصب گردیده و کابل‌های مخابراتی از انتهای شهرک نبوت تا جاده محمودآباد (دربخش شمالی شهر) و از انتهای محله پلک (واقعاً در جنوب شهر آمل) تا انتهای جاده هراز امتداد یافته‌اند. همچنین در کلیه مناطق و کوچه‌های فرعی نیز کابل کشی انجام گردیده که توسط مشترکین شرکت مخابرات شهر آمل بهره برداری می‌شود.

برق: برق شهر آمل از اوایل سال‌های دهه ۶۰ و با پیوستن به شبکه سراسری بوسیله خط ۲۳۰ کیلو ولت تهران-گرگان و خط ۶۳ کیلو ولت آمل محمودآباد ۲۰٫۲ کیلومتر می‌باشد در حال حاضر ظرفیت پست بهداشتی و پست امام رضا ۳۱۵ کیلو ولت آمپر، پست تکیه مشایی ۴۰۰ کیلو وات آمپر گزارش شده است.

گاز: در وضعیت موجود خط انتقال گاز شهری آمل از فاصله ۹۰۰ کیلومتری و از طریق پالایشگاه شهید هاشمی نژاد خانگیان سرخس به محمودآباد و سپس به شهر آمل می‌رسد. شبکه گازرسانی موجود به طول ۶۰ کیلومتر و از طریق لوله‌هایی به قطر ۲ و حداکثر ۱۰ اینچ توزیع می‌گردد. تعداد ایستگاه‌های تقلیل فشار گاز بصورت یک ایستگاه OGS در منطقه آمل محمودآباد و یک دستگاه TBS در شهر آمل می‌باشد (طرح جامع شهر آمل، ۱۳۸۰).

ب- منابع طبیعی شهر: منابع طبیعی بافت قدیم شهر آمل شامل دو جاذبه طبیعی است که عبارت است از: رودخانه هراز (واقع در شرق بافت قدیم) و نهر شهر رود (از غرب بافت قدیم تا جنوب بافت). رودخانه هراز به سبب قدمت طولانی خود همواره راهنمای گردشگران زیادی بوده است. رودخانه هراز به دلیل آن که جاذبه‌های گردشگری بسیاری در سطح بافت قدیم به ارمغان آورده است همواره میزبان انواع کاربری‌های تفریحی-گردشگری بوده است و یکی از ظرفیت‌های اصلی ارتقاء اقتصاد محلی محسوب می‌شود. همچنین نهر شهر رود به عنوان یک جذابیت بصری از عوارض طبیعی درون بافت قدیم شهر آمل محسوب می‌شود که با ساختار ارگانیک خود از بخش‌هایی از محلات درون بافت قدیم عبور کرده و از جنوب بافت خارج می‌شود. عبور نهر شهر رود از دل محلات مختلف قدیمی بافت باعث شکل‌گیری چشم اندازهای بی‌نظیری گشته است که به عنوان عامل تهویه طبیعی شهر عملکرد دارد.

عوامل اقتصادی

همان‌طور که در بخش مبانی نظری ذکر شد از جمله عوامل موثر بر رقابت‌پذیری شهرها، عوامل اقتصادی است، که بازرترین آن‌ها همان‌طور که در مدل مفهومی پژوهش ذکر گردید در بستر بافت‌های قدیمی شهری در درجه اول، دسترسی به سرمایه‌های شهر و دوم وجود فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا است.

الف- دسترسی به سرمایه^{۲۷} در شهر: یکی از عناصر موثر بر رقابت‌پذیری در شهرها دسترسی به سرمایه در شهر است. منظور از دسترسی به سرمایه در شهر به وجود سازمان‌های عمومی و خصوصی حامی کسب و کارهای خرد و کوچک از طریق در نظر گرفتن تسهیلات، وام‌ها و مشاوره و آموزش در زمینه کسب و کار، به منظور ارتقاء اشتغال و توسعه کسب و کارهای خرد و کوچک در سطح شهر است. این روش حمایت مالی علاوه بر افزایش کارایی و اثر بخشی تسهیلات اعطایی، افزایش رقابت‌پذیری بلندمدت بنگاه‌های خرد و کوچک را نیز به همراه دارد (قاسمی و علمی مقدم، ۱۳۸۸: ۷۳). با بررسی‌های صورت گرفته در سطح شهر آمل هیچ‌گونه سازمان یا نهادی متولی در این امر یافت نشده است. به همین منظور در این زمینه نیاز به سازمانی جهت حمایت و پشتیبانی فنی و مالی در جهت ارتقاء کسب و کارهای کوچک در شهر آمل حائز اهمیت به نظر می‌رسد.

²⁷ Access to Capital

ب- فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا: بخش مهم دیگر بررسی عوامل اقتصادی موثر بر رقابت‌پذیری شهری، وجود فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا و سودده برای شهر است که در قالب فعالیت‌های مختلف تهیه شده است. فعالیت‌های با ارزش افزوده معمولاً دارای اشکال مختلفی است. که یکی از ویژگی‌های آن دارا بودن یک عنصر قابل توجه خلاقیت و نوآوری است. در این میان به‌منظور بررسی فعالیت‌های سودده در بافت قدیم شهر آمل سعی بر ایجاد قالب جدولی از این فعالیت‌ها شده است. برخورداری از هتل شهر، سینما بهمن، بازارچه‌های سنتی و مجموعه‌های ورزشی از جمله فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا موثر بر ارتقای رقابت‌پذیری شهری در بافت تاریخی آمل محسوب می‌شود جدول (۲)، فهرستی از نمونه فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا است.

جدول ۲: بررسی وضعیت فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا در بافت قدیم شهر آمل (نگارندگان)

کارکرد اقتصادی	کاربری	وضعیت موجود
پربازده	هتل و مسافرخانه	برخورداری از هتل شهر واقع در جنوب شرقی بافت قدیم
	سفره خانه سنتی، رستوران و پذیرایی	دارای یک سفره خانه در راسته بازار حبشی در جنوب شرقی بافت و یک رستوران در جنوب بافت (رستوران ملی) و یک رستوران در غرب بافت (رستوران لتین)
	فست فود و کافی شاپ	دارای سه کاربری تجاری با فعالیت فست فود در جنوب شرقی و غرب بافت قدیم (مانند فست فود پاپلی محله سبزه میدان) و بهره‌مندی از شش کاربری تجاری با فعالیت کافی شاپ در محدوده‌های جنوب شرقی (کافه دریا)، جنوب (کافه گپ)، جنوب غربی (کافه وارث و کافه کاله و کافه اهورا) و شمال غربی (کافه مصطفی)
	سینما و تئاتر	دارای یک سینما (سینما بهمن) در جنوب شرقی بافت
	خرده فروشی	بهرمندی از فعالیت‌های متعدد خرده فروشی در محدوده جنوب شرقی تا مرکز بافت قدیم
	مجموعه ورزشی	دارای سه مجموعه ورزشی در اطراف بافت قدیم که بافت را تحت تاثیر قرار می‌دهد، مجموعه ورزشی ایثارگران (شرق)، مجموعه ورزشی کاله (شمال غربی) و باشگاه ورزشی در خیابان امام‌رضا
	ایستگاه دوچرخه	عدم وجود ایستگاه دوچرخه در بافت قدیم و حوزه موثر بر آن
	ایستگاه اسکیت	عدم وجود ایستگاه اسکیت در بافت قدیم و حوزه موثر بر آن
	فروشگاه ورزشی	بافت قدیم دارای سه فروشگاه ورزشی در جنوب بافت قدیم است که مهمترین آن فروشگاه کاسپین است
	بازارچه سنتی	دارای بازارچه سنتی در راسته بازارهای پالان‌دوزان و زرگرها در محدوده جنوب شرقی بافت

نتیجه‌گیری

در این مرحله، مهم‌ترین ضعف‌ها، قوت‌ها، تهدیدها و فرصت‌های بافت تاریخی آمل در زمینه عوامل موثر بر رقابت‌پذیری شهری فهرست شدند. سپس اطلاعات مربوط به قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها از طریق مطالعات طرح جامع، بازدید میدانی، مصاحبه با ساکنین شهر استخراج شد.

تاریخ	قوت	توقف	فرست	تهدید
سازمان	مردم تامل، فرهنگ، سنتی	کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت	کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت	کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت
	تاریخ، عمارت و استعدادهای سنتی	عدم تعالی سرمایه گزالی برای برگزاری موسیقی سنتی بافت قدیم عدم تعالی سرمایه گزالی برای برگزاری موسیقی سنتی بافت قدیم	عدم تعالی سرمایه گزالی برای برگزاری موسیقی سنتی بافت قدیم عدم تعالی سرمایه گزالی برای برگزاری موسیقی سنتی بافت قدیم	عدم تعالی سرمایه گزالی برای برگزاری موسیقی سنتی بافت قدیم عدم تعالی سرمایه گزالی برای برگزاری موسیقی سنتی بافت قدیم
سازمان	انگلیس و نخبه‌ها	کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت	کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت	کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت
	سازمان	کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت	کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت	کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت
فرهنگ	سازمان	کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت	کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت	کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت
	سازمان	کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت	کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت	کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت کوتاه پستی از ساکنین بافت قدیم به علت ورود نخبه نخبه‌ها و رندگی بافت

جدول ۳: تحلیل سوات بافت تاریخی شهر آمل از منظر عوامل موثر بر رقابت پذیری شهری (نگارندگان)

یافته‌های پژوهش در زمینه شناسایی و تبیین جایگاه عناصر و مولفه‌های موثر بر ارتقای رقابت‌پذیری شهری در بافت تاریخی نشان می‌دهد که با استناد به متون نظری مختلف در حوزه رقابت‌پذیری شهری، رقابت‌پذیری زمانی می‌تواند به‌عنوان راهبرد توسعه شهر مورد استفاده قرار گیرد که برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران شهری از ابزارهای رقابت‌پذیری شهری از جمله بازاریابی شهری، برندینگ شهری، گردشگری شهری و کارآفرینی شهری به‌عنوان راهبردهای کلان در برنامه‌های توسعه‌ای شهر بهره‌گیرند. ابزارهای بازاریابی شهری به وسیله جذب انواع رویدادهای خاص و برندینگ شهری از طریق پدید آوردن تجربیات به یاد ماندنی از یک شهر و گردشگری شهری از طریق به وجود آوردن بستر صادرات نامرئی برای شهرها و همچنین کارآفرینی شهری از طریق پیاده‌سازی ایده‌ها و طرح‌های خلاقانه می‌توانند متضمن جذب گردشگران، بازدیدکنندگان، سرمایه‌گذاران گردند. از این‌رو ابزارهای فوق در جهت ارتقای رقابت‌پذیری شهری نقش بسزایی دارند. در ادامه به‌منظور بررسی و تحلیل عناصر کلیدی رقابت‌پذیری شهری در بافت تاریخی شهر آمل، جدول سواتی تشکیل گردید که نتایج آن نشان می‌دهد که بافت تاریخی آمل در زمینه تعامل، فرهنگ، سنت‌های مردم محلی از عوامل انسانی موثر بر رقابت‌پذیری شهرها، بافت قدیم آمل دارای ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های فراوانی نظیر؛ امکان برگزاری مراسمات مذهبی به واسطه وجود بقعه ناصر الحق و امامزاده ابراهیم در جهت جذب رویدادها خاص و توسعه بازاریابی شهری، و نیز وجود عناصر تاریخی و فرهنگی بسیار به جهت توسعه گردشگری شهری داراست. در زمینه نوآوری، خلاقیت و استعدادها محلی نیز بافت قدیم آمل دارای استعدادهایی نظیر برخورداری از صنایع فرهنگی و بومی برخورداری از موسیقی سنتی است که به ترتیب می‌تواند در جهت توسعه کارآفرینی شهری و برندینگ شهری مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل بافت قدیم آمل بسترهای لازم موثر بر رقابت‌پذیری شهری را در سطح استان برخوردار است.

منابع

- الهی، پرستو (۱۳۹۳)، برنامه‌ریزی بخش مرکزی شهر تاریخی کرمان با رویکرد بهبود ظرفیت رقابت‌پذیری شهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- امین زاده، بهناز و دادرسی، رحله (۱۳۹۱)، بازآفرینی فرهنگ‌مدار در بافت تاریخی شهر قزوین با تأکید بر گردشگری شهری. فصلنامه مطالعات معماری ایرانی، شماره ۲، ۱۰۸-۹۹.

- بابایی هزه‌جان، مجتبی، پیرانژاد، علی، محمدپور، حسین، امیری، مجتبی (۱۳۹۵). شناسایی عوامل موثر بر کارآفرینی شهری؛ مطالعه موردی شهر تهران. فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری شماره ۱، ۹۹-۸۳.
- ربیعه، مسعود و خواجوئی، محسن (۱۳۹۲). تبیین راهبردهای رقابت‌پذیری شهر تهران، مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۱۵، ۵۶-۳۷.
- فرجی‌راد، عبدالرضا و آقاجانی، سمیه (۱۳۸۸)، تحلیلی نو پیرامون گردشگری و جدیدترین طبقه بندی آن، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، شماره ۲۳، ۷۲-۶۱.
- قاسمی، علی و علمی مقدم، مصطفی (۱۳۸۸). افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط و تامین مالی آن‌ها با تاکید بر توسعه رویکرد خوشه‌ای، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۹۴ و ۹۳، ۹۰-۷۱.
- قورچی، مرتضی و مالکی، جواد (۱۳۸۹)، رقابت کلان‌شهرها در عرصه‌های فراملی با استفاده از ابزار استراتژی‌یابی، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، شماره ۳، ۱۷۴-۱۵۶.
- مهندسین مشاور پژوهش و عمران (۱۳۸۳). طرح تفصیلی ویژه بافت‌قدیم شهر آمل.
- موحد، علی، امانپور، سعید و نادری کاوه (۱۳۹۱)، بازاریابی گردشگری شهری بر اساس برندبایی با مدل فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، شماره ۳، ۳۶-۱۷.
- نوربخش، مرتضی و اکبرپور سراسکانرود، محمد (۱۳۸۹)، نقش گردشگری شهری در توسعه اقتصادی کلان‌شهرها، ویژه‌نامه اقتصاد گردشگری شهری.
- نوریان، فرشاد. و فلاح زاده، سجاد (۱۳۹۴). بازآفرینی بافت قدیم شهر آمل مبتنی بر استراتژی توسعه گردشگری و برنامه ریزی راهبردی سناریویی. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۲۰(۳)، ۵۸-۴۳.

- Alexa, L. E. (2010). Urban marketing and its impact over the competition between cities. *Manag Mark-Craiova*, 1(1), 39-42.
- Asprogerakas, E. (2006). City Competition and Urban Marketing: The Case of Tourism Industry in Athens. *TOURISMOS: An International Multidisciplinary Refereed Journal of Tourism*, 2(1), 89-114.
- Martin, R., & Simmie, J. (2008). The theoretical bases of urban competitiveness: does proximity matter?. *Revue d'Économie Régionale & Urbaine*, (3), 333-351.
- Sinkiene, J. (2009). City Competitiveness: Concept, Factors, Model. In *International conference current issues in management of business and society development.*-Riga.-2009.-7-9 May.
- OECD. (2007). Territorial reviews: competitive cities: a new entrepreneurial paradigm in spatial development.
- Stopper, M. (1997). *The Regional World: Territorial Development in a Global economy.* Guilford Press, New York.
- Webster, D., & Muller, L. (2000). Urban competitiveness assessment in developing country urban regions: The road forward. Urban Group, INFUD, The World Bank, Washington DC, July,

تناقض راهبردهای امنیتی ناتو در خاورمیانه (بررسی مقایسه‌ای بحران لیبی و سوریه)

حسین سوری - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ابراهیم خلیلی لاریمی^{۲۸} - استادیار دانشگاه فارابی، تهران، ایران.

رضا قلی زاده شمس - کارشناسی ارشد علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۰۶

چکیده

ناتو بعد از جنگ سرد تلاش کرد با توسل به عملیات‌های بشردوستانه، دامنه نفوذ امنیتی خود را در مناطق پیرامونی از جمله خاورمیانه گسترش دهد. ناتو طی سال‌های گذشته با دو بحران امنیتی بزرگ در مرزهای جنوبی خود یعنی بحران لیبی و سوریه مواجه بوده است که در برخورد با هر کدام از این بحران‌ها، راهبرد امنیتی متفاوتی را در پیش گرفته است. راهبرد مداخله نظامی در لیبی (۲۰۱۱) و راهبرد عدم مداخله در سوریه نه تنها نشان‌گر تناقض‌های عملی در راهبردهای امنیتی بلکه بازتاب تناقض‌های هنجاری در رویکردهای امنیتی ناتو است. بر این اساس، سوال اصلی این پژوهش این است که عوامل به‌وجودآورنده این تناقض‌های عملی و هنجاری ناتو به خصوص در قبال بحران‌های منطقه‌ای از جمله دو بحران بزرگ لیبی و سوریه کدام‌ها هستند؟ مبحث اصلی مقاله این است که تفاوت در رویکرد قدرت‌های بزرگ رقیب ناتو، نقش بازیگران منطقه‌ای نوظهور و توانمندی داخلی کشورهای هدف، مهم‌ترین عوامل به‌وجودآورنده راهبردهای امنیتی متناقض ناتو در قبال بحران‌های منطقه‌ای بوده است.

واژگان کلیدی: ناتو، خاورمیانه، بحران لیبی، بحران سوریه، مداخله بشردوستانه

نحوه استناد به مقاله: سوری، حسین، خلیلی لاریمی، ابراهیم و قلی زاده شمس، رضا (۱۳۹۹). تناقض راهبردهای امنیتی ناتو در خاورمیانه (بررسی مقایسه‌ای بحران لیبی و سوریه)، پژوهشنامه جغرافیا و نظام‌های فضایی، ۱ (۴)، ۷۲-۸۶.

<http://jgss.ir/Article/13638>

مقدمه

امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه به تازگی ناتو را دچار «مرگ مغزی» (Macron, 2019) و پیش از او دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا (Trump, 2017) ناتو را سازمانی «منسوخ» معرفی کرده‌اند. اگر این انتقادات از سوی کشورهای رقیب ناتو مانند روسیه یا حتی قدرت‌های درجه دوم ناتو مانند بلژیک یا یونان بیان شده بود، می‌شد آن را به حساب رقابت‌های استراتژیک قدرت‌های جهانی یا شکاف‌های درونی بین اعضای قدرتمند و ضعیف گذاشت؛ ولی زمانی که فرانسه و آمریکا به عنوان دو عضو بنیانگذار ناتو چنین انتقادات تندی را نسبت به این سازمان مطرح می‌کنند، طبعاً باید آن را نشانه‌ای از بحران عمیق هویتی در این بزرگترین ائتلاف نظامی جهان دانست. هدف این مقاله بررسی یکی از مصادیق این بحران عمیق هویتی یعنی کاربست تناقض‌آمیز اصل مداخله بشردوستانه به عنوان سنگ‌بنای هویتی ناتو پس از جنگ سرد است.

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در ۴ آوریل ۱۹۴۹ بر اساس مفهوم امنیت دست جمعی و با هدف مقابله با شوروی تشکیل شد. با فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ و به تبع آن با از بین رفتن تهدید کمونیسم، ناتو دچار بحران هویتی شد. اعضای ناتو تلاش کردند که در قالب برداشت موسع از مفهوم امنیت به خصوص در قالب امنیت همکاری جویانه^{۲۶}، چشم‌انداز جدیدی برای سازمان تعریف کنند. این چشم‌انداز جدید در قالب مأموریت‌هایی مانند مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی، برقراری ثبات و امنیت و مهم‌تر از همه مداخله بشردوستانه تعریف شد. مداخله نظامی ناتو در کوزوو (۱۹۹۹)، اعزام نیرو به افغانستان و مداخله نظامی در لیبی (۲۰۱۱) در راستای این چشم‌انداز جدید صورت گرفت.

وقوع بهار عربی در کشورهای منطقه و تزلزل سیستم امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه و شمال آفریقا منجر به نقش جدی تر ناتو در این منطقه شد. در واقع، ناتو تلاش کرد که با توسل به مداخله بشردوستانه، جایگاه خود در شکل دهی به ترتیبات امنیت منطقه‌ای را ارتقاء دهد. نتیجه این رویکرد، دخالت مستقیم ناتو در بحران لیبی و برخی اقدامات غیر مستقیم در بحران سوریه بود. بحران لیبی از ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱ شروع شد و در شرایطی که درگیری‌های خونین در میان مخالفان و هواداران قذافی ادامه داشت، شورای امنیت در تاریخ ۱۷ مارس ۲۰۱۱ با تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ عملاً امکان حمله نظامی به لیبی را برای ناتو فراهم کرد. در نهایت ناتو به درخواست سازمان ملل و حمایت برخی کشورهای منطقه، در لیبی مداخله نظامی کرد.

اعتراضات از مارس ۲۰۱۱ در شهرهای سوریه شکل گرفت و درگیری‌های خشونت بار میان ارتش و مخالفان، موجب بحران در این کشور شد. نقش عوامل داخلی و مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای منجر به جنگ داخلی گسترده‌ایی در این کشور شد. ناتو ضمن نگرانی نسبت به تحولات سوریه با صدور بیانیه‌ایی نا امنی را در این کشور محکوم کرده و خواستار آن شده است که انتقال قدرت مطابق با بیانیه ژنو ۲۰۱۲ صورت گیرد (Wales Summit Declaration, 2014). اعضای ناتو به دنبال تصویب قطعنامه‌ای مشابه با قطعنامه لیبی در سوریه بودند تا مجوز حمله نظامی به آن کشور را به دست آورند، اما روسیه و چین مانع از این کار شدند.

سوال اصلی مقاله این است که چرا ناتو راهبرد متفاوتی در بحران لیبی و سوریه داشته است؟ به عبارت دیگر، چرا ناتو وارد فاز حمله نظامی به لیبی می‌شود، ولی در بحران سوریه به صدور چند بیانیه، ارائه برخی توصیه‌ها و انجام نقش‌های محدود بسنده می‌کند. فرضیه پژوهش این است تفاوت در رویکرد قدرت‌های بزرگ رقیب، نقش بازیگران منطقه‌ای

² Cooperative security

نوظهور و توانمندی داخلی کشورهای هدف، مهم‌ترین عوامل به‌وجودآورنده راهبردهای امنیتی متناقض ناتو در قبال بحران‌های منطقه‌ای بوده است.

پیشینه تحقیق

پیرامون ناتو پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است. اما منبع کاملی که بتواند تصویر روشنی از نقش ناتو در در خاورمیانه ارائه دهد، وجود ندارد. با این حال، به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. باکلی در مقاله‌ای با عنوان «آموختن از لیبی، اقدام در سوریه» (Buckley, 2012) به اقدامات جامعه بین‌المللی از جمله ناتو در تحولات خاورمیانه می‌پردازد. او به نا امنی موجود در لیبی و سوریه و سپس به عوامل بروز این بحران‌ها می‌پردازد. این مقاله در اوج بحران سوریه چاپ شده است و به دنبال ارائه توصیه‌هایی برای حل و فصل سیاسی بحران سوریه است تا مقایسه اقدامات ناتو در لیبی و سوریه.

۲. جعفری (۱۳۹۳)، در کتابی با عنوان «ناتو در خاورمیانه و خلیج فارس» به حضور ناتو در جنگ ۱۹۹۱ کویت و سپس به حوادث ۱۱ سپتامبر اشاره می‌کند که باعث نقش آفرینی فرامنطقه‌ای ناتو شد. او بیان می‌کند که ناتو با استفاده از سازوکارهایی مانند گفتگوهای مدیریتانه‌ای و طرح همکاری استانبول حضور خود را در منطقه شدت بخشیده است (جعفری، ۱۳۹۳: ۱۱۵-۱۵۰). نویسنده اشارات محدودی به مواضع ناتو در قبال بحران سوریه دارد، اما به نقش ناتو در لیبی نمی‌پردازد. در حالی که ما در این تحقیق به دنبال چرایی رفتار متفاوت ناتو در قبال سوریه و لیبی هستیم.

۳. مدکالف (۱۳۹۲)، در کتاب «سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)»، ابتدا به روند شکل‌گیری ناتو می‌پردازد و به نقش این سازمان در معماری امنیتی اروپای غربی می‌پردازد. او بیان می‌کند که با فروپاشی شوروی ناتو دچار بحران هویتی شد، اما رخدادهایی مانند حمله‌ی عراق به کویت باعث شد تا ناتو نقش‌هایی را در خارج از حوزه فرا آتلانتیکی بر عهده گیرد. سپس به تاثیر حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر بر فعالیت‌های ناتو می‌پردازد. به نظر نویسنده، حوادث تروریستی باعث شد تا مبارزه با تروریسم به دستور کار اصلی ناتو تبدیل شود (مدکالف، ۱۳۸۸: ۳۰-۸۵). این کتاب اطلاعات مفیدی درباره ناتو بعد از فروپاشی شوروی در اختیار قرار می‌دهد اما در مورد تحلیل موردی اقدامات ناتو چندان به کار نمی‌آید.

۴. آزاده (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «ناتو در لیبی»، بیان می‌کند که ناتو پس از پایان جنگ سرد اهداف جدید خود را تعریف کرده و برای شناساندن این هویت جدید، اقداماتی از جمله حمله به لیبی را در دستور کار قرار داده است. نویسنده استدلال می‌کند بحران لیبی، فرصتی مناسب برای باز تعریف نقش‌های جدید خود به شمار می‌رود. این مقاله برای تحلیل رفتار ناتو در بحران لیبی مفید است و درصدد است که با استفاده از آن، گامی فراتر گذاشته و آن را با رفتار ناتو در بحران سوریه مقایسه کند.

۵. عرفی (۲۰۱۱)، در کتاب «ناتو و خاورمیانه»، به بررسی ماهیت و گسترش حضور ناتو در خاورمیانه از سال ۱۹۹۴ به بعد پرداخته است. او در این کتاب، بر پیچیدگی‌های چالش‌های داخلی و متغیر بودن محیط بین‌الملل در تکامل رابطه ناتو - خاورمیانه تاکید دارد. سپس نویسنده بیان می‌کند که قبل از ۱۱ سپتامبر نقش ناتو در خاورمیانه متأثر از گفتگوهای مدیریتانه‌ای بود، اما با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ناتو فعالیت‌های خود را در خاورمیانه تقویت کرد (Orfy,

(20-67: 2011). نویسنده در این کتاب به نقش ناتو در خاورمیانه به شکل کلی می‌پردازد، در حالی که هدف ما مطالعه‌ی جزئی‌تر رفتارهای متناقض ناتو در خاورمیانه است.

۶. استفن (۲۰۱۲)، در پایان نامه خود با عنوان «تحلیل مداخله بشر دوستانه در لیبی و عدم مداخله بشر دوستانه در سوریه»، به تعریف مداخله بشر دوستانه می‌پردازد. همچنین به رفتار ناتو در ارتباط با بحران لیبی و سوریه می‌پردازد. استدلال استفن این است که توانمندی‌های نظامی لیبی و سوریه، عامل اصلی رفتار متفاوت ناتو در بحران لیبی و سوریه بوده است (Stefan, 2012). نویسنده دوگانگی رفتار ناتو را بر اساس توانمندی‌های نظامی لیبی و سوریه تحلیل می‌کند و دچار نوعی تقلیل‌گرایی تحلیلی است؛ به این معنا که به سایر عوامل تاثیرگذار بر رفتار متفاوت ناتو در لیبی و سوریه اشاره‌ای نمی‌کند. در حالی که هدف ما در این تحقیق شناسایی همه عوامل تاثیرگذار بر رفتار متفاوت ناتو در بحران لیبی و سوریه است.

۷. زمانی و زمانیان (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان جایگاه مسئولیت حمایت در بحران سوریه از منظر حقوق بین‌المللی به بررسی ناتوانی اعمال مسئولیت حمایت در سوریه می‌پردازد. بر اساس موازین حقوق بین‌الملل، یکی از ارکان اصلی دکرترین مسئولیت حمایت، وقوع یکی از جرایم نسل‌کشی است که درباره سوریه وقوع جنایات جنگی حتمی است. به نظر نویسندگان مقاله ناتوانی شورای امنیت در اعمال مسئولیت حمایت، موجب وخامت بیشتر اوضاع و ناتوانی دولت سوریه در حمایت از حقوق بنیادین شهروندان شده است. این مقاله فقط نگاه حقوق بین‌المللی دارد و نمی‌تواند جنبه‌های سیاسی عدم مداخله ناتو در سوریه را تبیین کند.

در مجموع، می‌توان آثار پیشین درباره موضوع مقاله را به سه دسته تقسیم کرد: گروهی از منابع، با رویکرد نهادی فقط به ارائه کلیات درباره پیشینه ناتو و اقدامات آن در دهه اول بعد از فروپاشی شوروی می‌پردازد. بررسی موارد تاریخی مداخلات بشر دوستانه ناتو نشان می‌دهد که سوریه و لیبی را می‌توان به طور یکسان واجد شرایط مداخله نظامی تلقی کرد. بنابراین براساس رویکرد نهادی نمی‌توان تبیین درستی از چرایی اقدامات ناتو در بحران لیبی و سوریه ارائه داد. گروهی از منابع با رویکرد حقوقی تلاش کرده‌اند که عوامل حقوقی اعمال مسئولیت حمایت درباره لیبی و سوریه را در قالب نهادهای بین‌المللی بررسی کنند. این بررسی‌های حقوقی نشان می‌دهد که تک متغیر حقوق بین‌الملل نمی‌تواند تبیین درستی از رفتار متفاوت ناتو در لیبی و سوریه ارائه دهد. گروه سوم منابع، تلاش کرده‌اند بحران لیبی و سوریه را دست‌مایه تحلیل مقایسه قرار دهند. مشکل دسته سوم منابع این است که فقط خود را به جنبه خاصی از رویکرد مقایسه‌ای مانند توانمندی‌های نظامی لیبی و سوریه یا مواضع متفاوت قدرت‌های بزرگ درباره این دو بحران را محدود کرده‌اند. نوآوری مقاله این است که تلاش می‌کند با نگاه جامع‌تر، همه جنبه‌های مادی و معنوی اقدام/انفعال ناتو در بحران لیبی و سوریه را مد نظر قرار دهد.

مفاهیم تحقیق

بعد از فروپاشی شوروی، ناتو تلاش کرد که مأموریت‌های خود را در قالب جدیدی با پوشش اقدامات بشردوستانه بازتعریف کند. مداخله ناتو در لیبی نمونه عملیات بشردوستانه ناتو محسوب می‌شود. ناتو یکی از بازیگران فراملی است که بر مفهوم امنیت جمعی شکل گرفت اما به مرور توانست از اصول لیبرالی مانند مداخلات بشردوستانه و مسئولیت

حمایت برای توجیه اقدامات خود به خوبی بهره ببرد. در ادامه به بررسی دو مفهوم *مداخله بشردوستانه*^۳ و *مسئولیت حمایت*^۴ (Barnett, Michael N. 2010: 188-92) پرداخته می‌شود. **الف) مداخله بشر دوستانه:** مداخلات بشر دوستانه به عنوان یک اقدام وکنش اجباری توسط یک یا چند کشور که شامل استفاده از نیروی نظامی در یک کشور دیگر بدون رضایت مقامات آن کشور و در جهت حفظ حقوق بشر در مقابل حکومت‌های دیکتاتوری است، می‌باشد. **مداخله بشر دوستانه** در مدت زمان به نسبت کوتاهی پذیرفته شد (Jones, 2015: 161). **ب) مفهوم مسئولیت حمایت:** دکتترین مسئولیت حمایت حاصل فجایع انسانی ناشی از نقض نظام‌مند حقوق بشر در دهه ۹۰ میلادی می‌باشد. مسئولیت حمایت به موجب بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ بیانیه سران دولت‌ها در اجلاس عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسید. دکتترین مسئولیت حمایت با هدف مقابله با نقض حقوق بنیادین انسان‌ها در قلمرو یک کشور و دولت تبیین و طبق آن اگر دولتی نقض حقوق بشر شهروندان خود را مرتکب می‌شود و یا قادر نباشد که از شهروندان خود محافظت کند، جامعه بین‌المللی عهده‌دار این مسئولیت خواهد بود. در اجلاس جهانی ۲۰۰۵ سازمان ملل، دولت‌ها اعلام داشتند در مواردی که دولتی قادر نیست جمعیت خود را در برابر نسل کشی، جرائم جنگی و پاکسازی قومی حمایت کند، مسئولیت آن حمایت را می‌پذیرند (Gargo, 2014).

داده‌های تحقیق

ناتو و بحران لیبی: در طول بحران لیبی، اعتراضات از بنغازی به دیگر مناطق لیبی سرایت کرد. در پایان فوریه ۲۰۱۱ نیروهای قذافی کنترل بخش‌های مهمی از لیبی را از دست دادند. جنگ داخلی در لیبی از ۱۳ فوریه سال ۲۰۱۱ میلادی، به دنبال شروع اعتراضات علیه قذافی آغاز شد و پس از سرکوب شدید در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۱ میلادی با سرنگونی معمر قذافی به پایان رسید. به دنبال جنگ داخلی در لیبی شورای امنیت و ناتو به تحولات لیبی واکنش نشان دادند. از جمله قطعنامه‌های مصوب شورای امنیت درباره لیبی مبنای عملیات نظامی ناتو در لیبی و سقوط معمر قذافی شد (Bhardwaj, 2014: 81-83).

اعمال مداخله بشر دوستانه و مسئولیت حمایت توسط ناتو در بحران لیبی: در طول بحران لیبی، گزارش‌ها حاکی از تشدید خشونت‌ها بود که طی آن قذافی شروع به سرکوب اعتراضات کرد. بان کی مون اعلام کرد که «صحنه‌های بسیار آزاردهنده‌ای در لیبی رخ داده است که در آن نیروهای قذافی به شدت اعتراضات را سرکوب کرده‌اند که نشان از خشونت رژیم قذافی است» (Ban, 2011: 1). سازمان ملل یک روز پس از تصویب قطعنامه ۱۹۷۰، جنایات مرتکب شده علیه مردم لیبی را مطرح کرد. در این قطعنامه، شورای امنیت از محکومیت لیبی توسط شورای امنیت، اتحادیه آفریقا و سازمان همکاری اسلامی استقبال کرد. این قطعنامه کشتار عمدی غیر نظامیان را محکوم کرده و خواستار حمایت از شهروندان شد. براساس این قطعنامه شورا در کنار اعمال تحریم‌ها علیه لیبی و اشاره به دکتترین مسئولیت حمایت، جدی‌ترین برخورد را با قضیه لیبی اتخاذ کرده است (Hehir & Murray, 2013: 77-78). بنابراین شورای امنیت در ۱۷ مارس ۲۰۱۱، قطعنامه ۱۹۷۳ را به تصویب رساند. قطعنامه ۱۹۷۳ خواستار آتش بس فوری و تشکیل منطقه پرواز ممنوع بر فراز حریم هوایی لیبی شد. بنابراین تصمیم شورای امنیت، منطقه پرواز ممنوع در جهت حمایت از غیر نظامیان در لیبی است و ناتو مجاز به اتخاذ «کلیه اقدامات لازم»^۵ برای اعمال ممنوعیت بر فراز پروازها بود (Daalder, 2012: 5-7).

ناتو ایجاد منطقه پرواز ممنوع را پس از تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ برای حمایت از جان غیر نظامیان انجام داد و مدتی بعد طرابلس توسط ناتو آزاد شد و قذافی از قدرت برکنار و توسط انقلابیون لیبی کشته شد. حملات ناتو صدمات زیادی به نیروهای قذافی وارد کرد و در نهایت بیان کردند که ماموریت ناتو با موفقیت انجام شده است.

³ Humanitarian intervention

⁴ Responsibility to protect

⁵ All the Necessary Measures

مداخله نظامی ناتو در جهت حفاظت از غیر نظامیان و مطابق با مجوز شورای امنیت در لیبی بوده است. اما در عرض چند هفته از شروع عملیات ناتو در لیبی، شواهد نشان می‌دهد که هدف اصلی ناتو از مداخله نظامی سرنگونی رژیم قذافی بوده است. کمتر از دو هفته به مداخله، ناتو به نیروهای لیبی حمله کرد. در عین حال، ناتو نیروهای لیبی را در شهر سرت بمباران کرد، جایی که هیچ تهدیدی وجود نداشت. به جای پیگیری آتش بس، جنگ داخلی را در این کشور تشدید کردند (Fahim & Kirkpatrick, 2011). فرانسه نیز تسلیحات خود را به نیروهای مخالف که توسط انگلستان، ایتالیا و فرانسه آموزش دیده بودند، تحویل داد.

تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ و صدور مجوز مداخله نظامی می‌تواند گویای این امر باشد که اراده سیاسی قدرت‌های بزرگ مبنی بر خاتمه یافتن بحران بوده است؛ با وجود هدف حمایت از غیرنظامیان، سرنگونی رژیم قذافی هدف مهم ناتو در لیبی بوده است. اولین حمله ناتو علیه رژیم قذافی در ۱۸ مارس رخ داد که پدافند هوایی و سیستم‌های موشکی لیبی را برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع هدف قرار داد (Kirkpatrick, 2011). این عملیات نظامی در روز بعد تشدید شد، زیرا حملات هوایی بر روی اهداف استراتژیک و کنترل طرابلس متمرکز بود. بنابراین ناتو بجای حمایت از غیر نظامیان، توانایی قذافی برای انجام هرگونه جنگی را تضعیف کرد.

مسئله «امنیت انرژی» و مداخله ناتو در لیبی

در سال‌های اخیر، امنیت انرژی در نزد اعضای ناتو بسیار مهم تلقی شده است. به این دلیل که اعضای ناتو حدود ۵۰ درصد از نیازهای انرژی خود را از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا تامین می‌کنند. بی‌ثباتی در خاورمیانه، عامل اصلی نگرانی اعضای ناتو است. این مسئله باعث شده است که ناتو نقش مهمی در تامین امنیت انرژی داشته باشد. بر این اساس، نقش ناتو در تامین امنیت انرژی می‌تواند با همکاری اعضای ناتو ایفا گردد. در سال‌های اخیر در بسیاری از نشست‌ها و بیانیه‌های ناتو بر امنیت انرژی تاکید شده است که مبنای رهیافت ناتو در زمینه تامین امنیت انرژی قرار گرفت. براساس سند مفهوم نوین استراتژیک ناتو، مصوب سال ۲۰۱۰ در لیسبون، امنیت انرژی همچنان یکی از مسائل مورد توجه ناتو است (Gallis, 2008). مداخله ناتو در لیبی از همین زاویه قابل تحلیل باشد. لیبی با داشتن ۴۶ میلیارد بشکه نفت بزرگترین ذخایر نفتی آفریقا را دارد. بررسی اجلاس‌های ناتو نشان می‌دهد یکی از اهداف مداخله این سازمان در لیبی بحث مربوط به انرژی است. جنگ داخلی می‌توانست به زیرساخت‌های نفت لیبی آسیب وارد کرده و باعث بالا رفتن قیمت نفت شود. بر همین اساس اعضای ناتو برای پایان دادن به جنگ داخلی در لیبی مداخله نظامی کردند. مداخله ناتو در لیبی را می‌توان به عنوان بازتابی از منافع غرب برای دسترسی به ذخایر نفتی لیبی، خلاصه کرد، زیرا لیبی هفتمین تولیدکننده بزرگ نفت در جهان و سومین صادرکننده بزرگ به اروپا است.

ناتو و بحران سوریه

بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ در شرایطی آغاز شد که در فیسبوک صفحه‌ای با عنوان «سوریه بر ضد بشار اسد» گشوده شد و از مردم درخواست کرد که بر ضد حکومت اعتراض کنند. بعد از این رویداد، اعتراضات پراکنده‌ای در شهرهای مختلف سوریه رخ داد. تعداد مشارکت‌کنندگان در صفحه فیسبوک «سوریه بر ضد بشار اسد» به ۲۵ هزار نفر رسید. به پیشنهاد آن‌ها تظاهرات در شهرهای حمص، حسکه، دیرالزور، قامشلی و درعا در جنوب برپا شد (نجات، ۱۳۹۶: ۶۵-۶۶). در مارس ۲۰۱۱ تظاهرات در مناطق مختلف سوریه برگزار و عمدتاً توسط حکومت سرکوب شد. این اعتراضات با واکنش نیروهای امنیتی مواجه شد و در شهر درعا چهار نفر از تظاهرکنندگان کشته شدند (نجات، ۱۳۹۶: ۶۵-۶۶). در پی این حادثه تظاهراتی چندین هزار نفری به راه افتاد که خشم خود را با آتش زدن مقر حزب بعث، مقر دادگستری و چند اداره دولتی نشان دادند. علاوه بر مسائل داخلی، دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این کشور را به گرداب جنگ داخلی گسترده‌ای فرو برد.

پس از شروع بحران سوریه گروه‌های مختلفی برای مقابله با رژیم اسد شکل گرفتند. مجموع اقداماتی که توسط این گروه‌ها در سوریه اجرا و سازماندهی شد موجب تشدید، تداوم بحران و گسترش آن به فراسوی مرزهای این کشور شده است. قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز سعی کرده‌اند تا به نحو بهتری از روند تحولات در سوریه بیشترین نفع را ببرند. در همین راستا، کشورهای غربی در پوشش ناتو تلاش کرده‌اند در تحولات سوریه تاثیر گذار بیشتری داشته باشند.

امکان سنجی تکرار سناریوی لیبی توسط ناتو در سوریه:

کمیسیون مستقل بین‌المللی نقض سیستماتیک حقوق بشر از زمان شروع بحران سوریه حدود هفت گزارش تهیه کرده و نتیجه آن شده است که دولت سوریه و گروه‌های شورشی نقض حقوق بشر را مرتکب شده‌اند. در بحران سوریه وقوع جنایات جنگی حتمی است و در طی دو سال اخیر چندین بار از سلاح‌های شیمیایی در عرصه مخاصمات مسلحانه در سوریه توسط نیروهای دو طرف استفاده شده است (Thakur, 2014). محکوم کردن رژیم سوریه و تایید مداخله نظامی توسط اتحادیه عرب، شورای امنیت را قادر نمی‌کند تا مداخله نظامی بشر دوستانه ناتو در سوریه را عملیاتی کند. در حال حاضر، مخالفت‌های بین‌المللی فراوانی برای هر گونه مداخله نظامی در سوریه وجود دارد. کوفی عنان، نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور سوریه، در تاریخ ۸ مارس ۲۰۱۲ اعلام کرد که «هرگونه مداخله نظامی را در سوریه رد می‌کند، زیرا منجر به وخیم تر شدن اوضاع در سوریه می‌شود». کوفی عنان اظهار داشت که سازمان ملل قطعنامه‌ای را به تصویب رسانده است، مبنی بر اینکه مداخله نظامی در این کشور باید به رهبری سوریه باشد (Knapp & Lecturer, 2012). روسیه و چین با مداخله نظامی بشر دوستانه ناتو در سوریه مخالف هستند، چرا که منجر به تغییر رژیم خواهد شد. به همین دلیل است که این دو کشور مداخله بشر دوستانه سازمان ملل و ناتو در سوریه را محکوم می‌کنند. دبیر کل سازمان ملل بیان کرد که اعمال مداخله بشر دوستانه در بحران سوریه تردیدهایی را در مورد اینکه آیا اعمال R2P می‌تواند به عنوان دکترین بحث بر انگیز مداخله بشر دوستانه در بحران سوریه کارساز باشد، وجود دارد (Perisic, 2017). اگر چه نقض سیستماتیک حقوق بشر در بحران سوریه مورد تایید قرار گرفته است اما اعضای شورای امنیت نتوانستند قطعنامه‌ای مبنی بر مداخله بشر دوستانه ناتو در بحران سوریه به تصویب برسانند. روسیه و چین نه تنها هر قطعنامه‌ای را علیه سوریه وتو کردند، بلکه اعمال تحریم‌ها علیه سوریه را نیز رد کردند. روابط استراتژیک روسیه و سوریه باعث شده است تا سوریه جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی روسیه داشته باشد. با توجه به موانع ساختاری متعددی که در ارتباط با مداخله بشر دوستانه در سوریه وجود دارد می‌توان به این نکته پی برد که مداخله بشر دوستانه سازمان ملل و ناتو در بحران سوریه بعید به نظر رسد.

رویکرد و اقدامات ناتو در بحران سوریه:

با شروع بحران سوریه، کشورهای غربی در پوشش ناتو به نقش آفرینی در این بحران پرداختند. ناتو در بحران سوریه اقدامات منسجم و هماهنگی را به مرحله عمل رساند که در ذیل به تحلیل و بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

دیدگاه ناتو به بحران سوریه: راسموسن تاکید کرد که ناتو قصد هیچ گونه مداخله‌ای در سوریه ندارد. دبیر کل ناتو در سخنرانی خود در آنکارا در تاریخ ۱۷ فوریه ۲۰۱۲ با عنوان «ناتوی جدید - ترکیه جدید» اظهار داشت که ناتو قصد هیچ گونه مداخله‌ای در سوریه را ندارد. دبیر کل ناتو اظهار داشت که تنها راه حل بحران سوریه «توجه کردن به خواسته‌های دموکراتیک مردم سوریه» می‌باشد (Perez & Garau, 2013). در روز ۲۴ فوریه، طرح «دوستان سوریه» با ابتکار فرانسه در تونس تشکیل شد. نتایج این نشست حیاتی بود زیرا کشورهای عضو ناتو «شورای ملی سوریه» را به عنوان یک گروه شبه دولتی به رسمیت شناخت (Grierson & Khomami, 2017). دبیر کل ناتو از طرح «دوستان سوریه» در ۲ آوریل و تلاش‌های آن‌ها برای یافتن راه‌حل سیاسی برای بحران سوریه استقبال کرد.

حمایت ناتو از ترکیه: در ۲۲ ژوئن، یک جنگنده ترکیه حریم هوایی سوریه را نقض کرد و سپس در حریم هوایی این کشور سقوط کرد. ناتو سقوط جنگنده ترکیه را نتیجه بی توجهی مقامات سوریه به هنجارهای بین‌المللی صلح و امنیت دانست و آن را محکوم کرد (Paust, 2011). دبیر کل ناتو اعلام کرد که این سازمان «تحولات در مرز جنوب - شرق ناتو» را دنبال خواهد کرد. در ۳ اکتبر، بر اثر برخورد یک پاتک نظامی از سوریه به داخل ترکیه ۵ نفر کشته شدند و پس از آن ارتش ترکیه مواضع ارتش سوریه را بمباران کرد. در همان روز، شورای آتلانتیک شمالی هم تحت ماده ۴ تشکیل جلسه داد (Bhardwaj, 2012). در ۲۱ نوامبر، ترکیه از ناتو درخواست حمایت هوایی را داد. کشورهای آمریکا، هلند و آلمان آمادگی خود را اعلام کردند. در چهارم دسامبر ناتو به درخواست ترکیه با اعزام پدافندهای ضد هوایی به ترکیه موافقت کرد که به طور مستقیم به فرماندهی عالی ناتو در اروپا وابسته است (Kildorn, 2012).

ناتو و خلع سلاح شیمیایی سوریه: بعد از اینکه حکومت اسد و مخالفان در منطقه غوطه که تحت کنترل نیروهای شورشی بود از تسلیحات شیمیایی استفاده کردند یک هفته بعد شورای آتلانتیک شمالی درباره سوریه جلسه فوق‌العاده‌ای تشکیل داد، زیرا ناتو همواره در بیانیه‌ها و اجلاس‌های خود مقابله با سلاح‌های شیمیایی و منع استفاده از این تسلیحات را مورد تاکید قرار داده بود. در این جلسه دبیر کل ناتو، دولت سوریه را مقصر دانست. اعضای ناتو مدعی بودند که سرویس‌های مخفی آن‌ها شواهدی در اختیار دارند که بشار اسد از گاز سمی سارین استفاده کرده است. در نتیجه اعضای ناتو در حمایت از مداخله نظامی در سوریه با یکدیگر گفتگو کردند. اما مداخله نظامی صورت نگرفت، چرا که روسیه پیشنهاد خلع سلاح شیمیایی سوریه را در نظر داشت و اعلام کرد که سوریه به کنوانسیون خلع سلاح شیمیایی ملحق خواهد شد (Samaan, 2012). در همین راستا سه روز بعد از امضای این توافق نامه، شورای ناتو - روسیه در این مورد گفتگو کردند. دبیر کل ناتو اعلام کرد که اگر سوریه این طرح را به طور کامل عملی نکند، شورای امنیت اقداماتی را تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل به انجام می‌رساند. یک ماه بعد، OPCW همه ظرفیت‌های موجود تولید سلاح‌های شیمیایی را خنثی کرد. بر اساس اطلاعات OPCW، تمام سلاح‌های شیمیایی بین هفتم ژانویه تا ۲۳ ژوئن ۲۰۱۴ در بنادر سوریه بارگیری و به انگلیس، فنلاند و آمریکا فرستاده شد (Kaim, 2014). در چهارم دسامبر ۲۰۱۳، شورای ناتو - روسیه در یک بیانیه مشترک اعلام کردند تنها راه حل بحران سوریه، فرایند سیاسی پیگیر تحت رهبری سوریه می باشد.

ناتو و جنگ علیه تروریسم: از زمانی که گروه تروریستی داعش بخش‌های زیادی از سوریه را به تصرف خود درآورد و اقلیت‌های دینی را قتل عام کرد باعث شد تا ناتو مقابله جدی با داعش را پیگیری کند. ناتو در اجلاس سالانه خود در ولز انگلستان از تلاش برای هدف قرار دادن داعش خبر داد. در این اجلاس اعضای ناتو بیان داشتند که رژیم اسد باعث هرج و مرج و ویرانی در کشور شده است و بر نقش مهم اپوزیسیون میانه رو برای حفاظت از جامعه در برابر تهدیدات دیکتاتوری رژیم سوریه و افراط‌گرایی داعش تاکید کردند (www.nato.int/docu/wal/2014). دبیر کل ناتو در اردن اظهار داشت که ناتو از ائتلاف جهانی برای شکست داعش در سوریه و عراق حمایت می‌کند و ائتلاف تحول عظیمی در سوریه ایجاد کرده است (www.nato.int/docu/wal/2014).

ناتو و جنگ هوایی بین‌المللی: ائتلاف جهانی حملات هوایی خود را در سوریه آغاز کرد. تا فوریه ۲۰۱۷، این ائتلاف حدود ۱۸،۴۵۸ حمله هوایی در خاک سوریه را به انجام رساند. از زمانی که اعضای ناتو از پایگاه‌های نظامی ترکیه در انجام حملات نظامی به سوریه استفاده می‌کردند، روسیه با دعوت دولت سوریه جت‌های جنگی خود را در سوریه مستقر کرد. دلیل این مساله قطعاً جلوگیری از حملات نیروهای ناتو به نیروهای دولتی سوریه بود (Losing, 2017: 40). در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۵ حملات تروریستی وحشتناکی در پاریس به وقوع پیوست که طی آن حدود ۱۳۰ نفر کشته شدند. ناتو این حملات را محکوم و اعلام کرد که مواضع سازمان تروریستی داعش را با شدت هر چه تمام تر هدف قرار خواهند داد. در جلسه اضطراری ناتو در ۱۱ فوریه ۲۰۱۶، تصمیم گرفته شد که با همکاری آژانس مدیریت مرزی اتحادیه اروپا، انتقال پناهندگان از ترکیه و یونان به اروپا متوقف شود. در همین راستا، یک گروه دریایی ناتو برای مقابله

با مهاجرت‌های غیر قانونی ایجاد شد. در جلسه وزرای دفاع ناتو - به ریاست ژنرال استولنبرگ، دبیر کل این سازمان - تصمیم گرفته شد که ناتو حمایت خود را از ائتلاف بین‌المللی علیه داعش تقویت کند (Losing, 2017: 41). آن‌ها شروع به اجرای برنامه‌های خاصی در اردن و تونس کردند و نظارت خود در مرز بین ترکیه و سوریه را تشدید کردند.

یافته‌های پژوهش

هدف ما در این بخش از پژوهش بررسی این مساله است که چرا ناتو در بحران لیبی مداخله می‌کند و رژیم سیاسی قذافی را سرنگون می‌کند، اما در بحران سوریه که عمق بحران عمیق‌تر است، مداخله نظامی صورت نمی‌گیرد. بنابراین، ما در این بخش از پژوهش به بررسی متغیرهای تاثیرگذار بر رفتار متفاوت ناتو در بحران لیبی و سوریه می‌پردازیم.

سطح بین‌المللی

اجماع / عدم اجماع قدرت‌های بزرگ: اجماع بین اعضای شورای امنیت منجر به تصویب اولین قطعنامه در ۲۶ فوریه ۲۰۱۱ بر علیه لیبی شد. تصویب این قطعنامه اجماع میان ابر قدرت‌ها در ارتباط با مداخله بشر دوستانه در لیبی را نشان می‌داد. در ۱۷ مارچ ۲۰۱۱، قطعنامه ۱۹۷۳ با ۱۰ رای موافق و ۵ رای ممتنع در جهت حفاظت از شهروندان لیبیایی به تصویب رسید. دلیلی که چین و روسیه با انجام منطقه پرواز ممنوع بر فراز لیبی موافقت کردند مربوط به نگرانی آنها از چهره خود در نظام بین‌الملل بود، چرا که در بحران لیبی نقض حقوق بشر به وقوع پیوسته بود (Spegele, 2011). با شروع بحران سوریه و وقوع نقض حقوق بشر اعضای دائم شورای امنیت نتوانستند قطعنامه‌ای علیه سوریه تصویب کنند چرا که روسیه و چین هر قطعنامه‌ای را در ارتباط با بحران سوریه وتو کردند. روسیه و چین از اکتبر ۲۰۱۱ تا جولای ۲۰۱۲، ۳ قطعنامه شورای امنیت را وتو کردند (Davidson, 2013). این قطعنامه‌ها، اقدامات دولت سوریه را محکوم و خواستار مداخله بشر دوستانه ناتو می‌باشد. امکان اجماع میان ابر قدرت‌ها برای مداخله نظامی در سوریه به دلیل تضاد منافع میان آن‌ها بسیار ضعیف است؛ این تضاد منافع به سازمان‌های بین‌المللی نیز کشیده شده است. در ادامه به صورت مختصر به بررسی منافع و رویکرد متفاوت ابر قدرت‌ها در سوریه می‌پردازیم:

چین به این دلیل که ناتو در لیبی از قطعنامه ۱۹۷۳ فراتر رفته است با مداخله بشر دوستانه در سوریه مخالف است. در سال ۲۰۱۰ روابط تجاری دوجانبه در حدود ۲،۵ دلار بوده است (Hayoun, 2013). ملاحظات رسمی چین به طور کلی مبتنی بر منافع ملی است. روسیه منافع سیاسی - اقتصادی گسترده‌ای در سوریه دارد. روسیه دارای پایگاه نظامی در سوریه می‌باشد. سوء استفاده ناتو از قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت در لیبی باعث شده است که روسیه نسبت به هر گونه مداخله نظامی ناتو در سوریه بدبین باشد (Alison, 2013). روسیه از مدت‌ها پیش تامین کننده تسلیحات سوریه بوده است. روسیه تا سال ۲۰۱۲ حدود ۴ میلیارد دلار به سوریه سلاح فروخته است (Saul, 2014). آمریکا بر خلاف نگرانی‌های به ظاهر انسان دوستانه، اهداف ژئوپلیتیکی مهمی در سوریه دارد. آمریکا به دلیل روابط سوریه با روسیه و ایران این کشور را در ۱۸ مه ۲۰۱۱ تحریم کرد. آمریکا در ۵ اوت ۲۰۱۱ به اتفاق کشورهای انگلیس، فرانسه و آلمان خواستار کناره‌گیری بشار اسد شدند. به طور کلی منافع آمریکا در سوریه بر سرنگونی بشار اسد استوار است (Afoaku, 2015). مواضع انگلیس به سوریه موضعی مشابه آمریکاست. فرانسه نیز دیدگاهی بشر دوستانه و ژئوپلیتیکی به بحران سوریه دارد. فرانسه و انگلیس خواستار برکناری اسد از قدرت هستند. انگلیس و فرانسه به دنبال یک راه‌حل نظامی در

انطباق با شورای امنیت در سوریه هستند. بنابراین، فرانسه و انگلیس با ادعای استفاده دولت سوریه از تسلیحات شیمیایی، مداخله نظامی در سوریه را در نظر داشته‌اند.

بنابراین اجماع و عدم اجماع ابر قدرت‌ها در بحران لیبی و سوریه عاملی مهم و تاثیر گذار در واکنش ناتو به بحران لیبی و سوریه بوده است. اجماع میان قدرت‌های بزرگ منجر به مداخله بشر دوستانه ناتو و سازمان ملل در لیبی شد اما در بحران سوریه به دلیل شکاف میان قدرت‌های بزرگ و برخی ملاحظات سیاسی، امنیتی و اقتصادی روسیه و چین باعث شد تا ناتو نقش انفعالی در بحران سوریه داشته باشد.

سطح منطقه‌ای

نقض سیستماتیک حقوق بشر از سوی قذافی باعث شد تا کشورهای منطقه از شورای انتقال لیبی حمایت کنند. اتحادیه عرب جنایات رژیم قذافی را محکوم و از مداخله نظامی ناتو در لیبی حمایت کرد. اتحادیه عرب در بحران لیبی نقش بسیار فعالی را ایفا کرده بود. همان طور که کمتر از یک ماه از آغاز نا آرامی‌ها، عضویت لیبی را به حالت تعلیق درآورد و از برقراری منطقه پرواز ممنوع بر فراز آسمان لیبی حمایت کرد (Nalm, 2018). اتحادیه عرب در بحران سوریه نقش به نسبت محدودتری داشته است. اتحادیه عرب پس از ماه نه ماه جنگ شدید در سوریه عضویت سوریه را به حالت تعلیق درآورد (Zenco, 2011). اعضای اتحادیه عرب تاکنون تمایلی به مداخله نظامی و برقراری منطقه پرواز ممنوع در سوریه از خود بروز نداده اند.

ایران متحد استراتژیک سوریه است که می‌تواند نقش مهمی در امور منطقه ای ایفا کند. منافع استراتژیک، حمایت از بشار اسد، حمایت از حزب‌الله و از بین بردن گروه‌های جهادی محرک‌های اصلی فعالیت ایران در منطقه است. در همین راستا، ایران تلاش‌هایی برای تقویت ارتش سوریه انجام داده است. حمایت نظامی ایران از سوریه شامل ابعاد هوایی، زمینی و دریایی بوده است (Jageneau, 2016 & 2017). اتحاد ۳۳ ساله بین ایران و سوریه یک محور استراتژیک کلیدی در منطقه تشکیل داده است. با شروع بحران سوریه، روابط استراتژیک ایران و سوریه وارد فاز جدیدی شده است. از آنجایی که نقش ایران در لبنان و فلسطین به طور کامل با محور تهران - دمشق در ارتباط است این امر باعث شده است تا سوریه برای ایران به یک متحد استراتژیک تبدیل شود. بنابراین، سطح منطقه‌ای بر نقش ناتو در لیبی و سوریه تاثیر گذار بوده است. نقش فعال اتحادیه عرب در بحران لیبی و نقش انفعالی این اتحادیه در بحران سوریه از یک طرف و متحدان منطقه ای سوریه از طرف دیگر باعث تاثیر سطح منطقه‌ای بر نقش دو گانه ناتو در بحران لیبی و سوریه شده است.

سطح داخلی

وضعیت داخلی لیبی، مداخله نظامی ناتو در آن را تسهیل کرده بود. اما وضعیت داخلی سوریه بسیار متفاوت از لیبی می‌باشد، به طوری که مداخله بشر دوستانه ناتو در سوریه با محدودیت‌هایی مواجه شده است. ما در این بخش به بررسی مقایسه‌ای نقش عوامل داخلی لیبی و سوریه که تاثیر گذار بر رفتار ناتو بوده است، می‌پردازیم.

مقایسه توانمندی های نظامی لیبی و سوریه: سیستم دفاع موشکی فرسوده که توسط شوروی طراحی شده بود محدودیت‌های فنی ارتش لیبی را نشان می‌داد. ارتش لیبی در جریان مداخله نظامی ناتو در مدت زمان کوتاهی توان خود را از دست داد (Stefan, 2012). ضعف ساختار نظامی لیبی یکی از عوامل مهم مداخله نظامی ناتو بوده است.

ارزیابی توانمندی‌های نظامی سوریه عامل مهمی بر فرآیند تصمیم‌گیری ناتو در بحران سوریه بوده است. از سال ۲۰۰۶ تاکنون، روسیه صادرات تسلیحات را به سوریه از ۱۶ میلیون دلار به ۱۶۲ میلیون دلار افزایش داده است (Stochholm International Peace Research Institute, 2010). وجود تسلیحات شیمیایی عنصر دیگری است که باید تاثیرات آن را بر رفتار ناتو در بحران سوریه مورد ارزیابی قرار داد.

جدول (۱). توانمندی‌های نظامی لیبی و سوریه

سوریه	لیبی	
۲۹۳۰۰۰	۸۰۰۰۰	پرسنل فعال
۳۵۳۰۰۰	۴۵۰۰۰	نیروهای ذخیره
۴۹۵۰	۵۳۰	تانک
۶۶۱۰	۲۸۴۰	پیاده نظام جنگی
۲۱۶۰	۶۵۰	توپخانه
۳۳۱۰	۵۸۰	تسلیحات ضد هوایی
۸۴۰	۴۸۰	هلی کوپتر
۱۹	۲۱	کشتی‌های نیروی دریایی
تعداد مشخص نیست	-----	سیستم‌های راداری
متوسط	پایین	آمادگی نیروهای انسانی
ضعیف	ضعیف	زیر دریایی‌ها

فاکتور «توانمندی‌های نظامی» لیبی و سوریه نقش مهمی در رفتار ناتو در این دو بحران داشته است. خطرات نظامی دخیل در مداخله نظامی بشر دوستانه ناتو در سوریه بسیار بیشتر است.

مقایسه اپوزیسیون لیبی و سوریه: میزان همگرایی میان اپوزیسیون لیبی بالا بود اما وضعیت نیروهای اپوزیسیون سوریه بسیار شکننده و ناهمگن است. اپوزیسیون سوریه از طریق دین و قومیت سازمان یافته اند (Lenarz, 2015). اپوزیسیون سوریه و اعضای شورای ملی سوریه (SNC) از برقراری منطقه پرواز ممنوع در سوریه حمایت کرده اند (Kildorn, 2012). اما این فرآیند مهم به این دلیل که نیروهای اپوزیسیون سوریه مناطق قابل دفاع و مستحکمی ندارند در سوریه به وقوع نپیوست. اپوزیسیون سوریه بر خلاف اپوزیسیون لیبی فاقد یک پایگاه برای سازماندهی و تجدید قوا هستند. اعضای اپوزیسیون سوریه از سربازان فراری و شبه نظامیان محلی تشکیل شده‌اند. اما در لیبی، شهر بنغازی به پایگاه اصلی اپوزیسیون لیبی تبدیل شد. از شهر بنغازی بود که اپوزیسیون عملیات خود را به صورت منسجم انجام دادند و باعث شد تا ناتو با تکیه بر فعالیت‌های اپوزیسیون، عملیات نظامی خود را در لیبی به انجام برساند (Square, 2012). نیروی اپوزیسیون سازمان دهی شده در بحران لیبی به عنوان یک عامل کلیدی عمل کرده است. مداخله نظامی ناتو در سوریه تا حدودی نیاز به یک اپوزیسیون منسجم و قوی دارد. وضعیت نیروهای اپوزیسیون سوریه بر عملکرد ناتو در بحران سوریه تاثیر گذار بوده است. بنابراین، وضعیت نیروهای اپوزیسیون لیبی و سوریه به عنوان یک عامل داخلی در مداخله / عدم مداخله ناتو در لیبی و سوریه شناخته می‌شود.

مقایسه نحوه واکنش دولت لیبی و سوریه به اعتراضات داخلی: واکنش اسد نسبت به مخالفان دولت معتدل بود. بشار اسد در مجلس سوریه بیان داشت که «به نیروهای امنیتی دستور داده شده است تا در جریان اعتراضات به شهروندان آسیبی وارد نشود» (Marsh, 2011). چنین وضعیتی با آنچه که قذافی نسبت به مخالفان داشت، متفاوت بود. واکنش تند قذافی به مخالفان باعث واکنش بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی علیه معترضان شد. در روز ۲۲ فوریه ۲۰۱۱ کمیساریای عالی حقوق بشر از کشورها خواست تا «از خشونت سیستماتیک قذافی علیه معترضان جلوگیری کنند». بان کی مون، اظهار داشت «رفتار وحشیانه رژیم ممکن است منجر به مداخله نظامی بشر دوستانه جامعه جهانی در لیبی شود» (UN Secretary General Special Adviser, 2011). نیویورک تایمز از نقض سیستماتیک حقوق بشر علیه مخالفان در لیبی انتقاد کرد. گزارش‌های سازمان ملل حاکی از آن است که نیروهای قذافی مناطق غیر نظامی را بمباران می‌کنند (Fermor, 2102). اما نقض حقوق بشر در سوریه معتدل تر به نظر می‌رسد. دولت سوریه، استراتژی دو گانه اصلاحات در کنار سرکوب را دنبال کرد. در همین راستا، حکومت نظامی را در آوریل ۲۰۱۱ در راستای ایجاد گفتمان ملی در مه ۲۰۱۰ و انجام اصلاحات لغو کرد. در کنار اصلاحات، سرکوب نظامی مخالفان ادامه داشت (Slim & Trombetta, 2014). واکنش تند قذافی به مخالفان باعث اجماع جهانی بر علیه لیبی شد. بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی جنایات رژیم قذافی را محکوم کردند و بستر لازم برای مداخله ناتو در لیبی فراهم شد. با وجود نقض حقوق بشر در سوریه، نوع واکنش دولت سوریه انجام دادن اصلاحات در کنار سرکوب بوده است. نوع برخورد سوریه به اعتراضات داخلی، باعث عدم اجماع جهانی در خصوص مداخله نظامی بشر دوستانه ناتو در سوریه شد. شاید نوع متفاوت واکنش رژیم لیبی و سوریه به مخالفان به عنوان یک عامل تاثیر گذار بر دو گانگی رفتار ناتو در لیبی و سوریه تلقی شود.

نتیجه‌گیری

ناتو طی سال‌های گذشته با دو بحران امنیتی بزرگ در مرزهای جنوبی خود یعنی بحران لیبی و سوریه مواجه بوده است که در برخورد با هر کدام از این بحران‌ها، راهبرد امنیتی متفاوتی را در پیش گرفته است. راهبرد مداخله نظامی در لیبی (۲۰۱۱) و راهبرد عدم مداخله در سوریه نه تنها نشان‌گر تناقض‌های عملی در راهبردهای امنیتی بلکه بازتاب تناقض‌های هنجاری در رویکردهای امنیتی ناتو است. ناتو با توسل به قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت و اصل مداخله بشر دوستانه و مسئولیت حمایت، به اقدام نظامی بر ضد لیبی دست زد و حکومت این کشور را سرنگون کرد. بر اساس این دو اصل، استدلال ناتو این بود که حکومت قذافی از ابزارهای غیرقانونی برای سرکوب مردم استفاده کرده است و بنابراین ناتو موظف است به مقابله با این وضعیت بپردازد. اما در رابطه با بحران سوریه، وضع به کلی متفاوت بود. از یک طرف، روسیه با درس گرفتن از اقدام یک جانبه ناتو در لیبی، نقش جسورانه‌تری برای مواجهه با بحران سوریه از خود نشان داد و از طرف دیگر، بازیگران منطقه‌ای مانند جمهوری اسلامی ایران تلاش کردند در قامت یک بازیگر امنیت‌ساز منطقه‌ای، به تقویت توان داخلی کشورهای متحد بپردازند و مانع پیشبرد راهبردهای یک جانبه بازیگران فرامنطقه‌ای شوند. ضمن اینکه خوش‌بینی‌های اولیه ناتو برای استقرار امنیت و ثبات سیاسی در لیبی محقق نشد و امکان توسل مجدد به مسئولیت حمایت عملاً اعتبار خود را از دست داد. بنابراین در پاسخ به سؤال اصلی مقاله، عوامل مؤثر بر

دوگانگی رفتاری ناتو در بحران لیبی و سوریه در سه سطح رویکرد قدرت های بزرگ، نقش بازیگران منطقه‌ای و وضعیت داخلی کشورهای هدف مورد بررسی گرفت. از نظر نگارندگان، اولین و مهم‌ترین مانع ساختاری در دوگانگی رفتار ناتو در لیبی و سوریه، تضاد منافع بین قدرت‌های بزرگ بوده است. اجماع نسبی میان قدرت موثر منجر به مداخله در لیبی و ایستادگی و مخالفت روسیه به خصوص در شورای امنیت، منجر به نقش انفعالی این سازمان در بحران سوریه شد. دومین مانع ساختاری، نقش بازیگران منطقه‌ای می‌باشد. لیبی نه تنها هیچ متحد منطقه‌ای نداشت بلکه نقش فعال اتحادیه عرب منجر به تسهیل مداخله بشردوستانه ناتو در لیبی شد. اما نقش فعال ایران به عنوان متحد استراتژیک در بحران سوریه و نقش انفعالی اتحادیه عرب در مقابله با بحران سوریه باعث رفتار انفعالی ناتو در سوریه شد. سومین مانع ساختاری، توانمندی نظامی متفاوت لیبی و سوریه است. ضعف ساختار نظامی لیبی عامل مهمی در «چشم انداز موفقیت» ناتو محسوب شد. اما سوریه از توانمندی‌های نظامی به نسبت بالاتری برخوردار بوده است.

منابع

- آزاده، سجاد (۱۳۹۰)، اهداف ناتو در لیبی، مطالعات خاورمیانه، ۹۹-۱۲۶، (۱۸) ۶۷
- جعفری، علی (۱۳۹۳)، ناتو در خاورمیانه و خلیج فارس تهران: انتشارات ابرار معاصر
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹)، روابط بین الملل: نظریه ها و رویکردها تهران: انتشارات سمت
- مدکالف، جنیفر (۱۳۹۲)، ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) ترجمه عسگر قهرمان پور، تهران: نشر خرسندی
- نجات، سید علی (۱۳۹۶)، بحران سوریه و بازیگران منطقه ای تهران: انتشارات فرهنگی ابرار معاصر
- Afoaku, O. (2015), Comparative Analysis of UN Security Council Actions in Libya and Syria. School of Public and Environment Affairs
- Allison, R. (2013), Russia and Syria: explaining alignment with a Regime In Crisis International Affairs, 89 (4), 795 – 823
- Barnett, M. N. (2010). The International Humanitarian Order. New York: Routledge.
- Bhardwaj, M. (2012), Development of conflict in Arab Spring Libya and Syria: From revolution to civil war. Washington University International Review, 1(1), 76-97.
- Blower, A. (2017), The Syrian Refugee Crisis: A Short Orentation, Ryerson University Press
- Booth, k. (2017), Realism and World Politics, Simultaneously Published in the USA and Canada
- Buckley, C. A. (2012), Learning from Libya, acting in Syria. Journal of Strategic Security, 5 (2), 10
- Daalder, I. and J. Stavridis (2012), NATO and Victory in Libya Crisis, Foreign Affairs
- Davidson, J (2013), France, Britain, Russia and the Intervention in Libya: Integrate analysis. Cambridge Rewiew of International Affairs
- Fahim, k. and D. Kirkpatrick (2011), Airstrikes Clear Way for Libyan Rebels: First Major Advance, New York: Routledge

- Fermor, C. (2012), NATO Decision to Intervene in Libya: Realist Principles or Humanitarian?. Journal of Politics & International Studies, Vol. 8, Winter 2012/13
- Gageneau, T. (2016-2017), Interventionism and Failing of R2p: Syria as a Symbol of a Changing World Order, Faculteit Politieke en Sociale Wetenschappen.
- Hinnebudch, R. (2012), Syria: From authoritarian upgrading to revolution ? international Affairs
- Jones, J. (2015), Humanitarian Intervention in a Multipolar World, Washington University Global Studies Law Review
- Kildron, L. (2012), The Libyan Model and Strategy: Why it Won't Work in Syria, Journal of Strategic Security, 5(4),8.
- Kirkpatrick, D. (2011), NATO Target Qaddafi Ground Forces as Libyan Rebels Regroup, Foreign Affairs
- Knapp, K. and Lecturer, S. (2014), The Crisis in Syria: The Case for UN Peacekeepers, International Relations Round Table Coordinator
- Lenarz, J. (2015), Rtop-Why intervention has Taken Place in Libya but not in Syria Humanitarian Intervention Centre
- Losing, S. (2017), 360-NATO: Mobilization on all Fronts, News, Reports and Analyses from the European Parliament, Cambridge University Press
- Macron, Emmanuel (2019) Macron warns Europe: NATO is becoming brain-dead, <https://www.economist.com/europe/2019/11/07/emmanuel-macron-warns-europe-nato-is-becoming-brain-dead>
- Molesworth, T. and D. Newton (2015), Instability and Insecurity in Libya, Prepared by the United Nations Development Program
- Orfy, M. (2011), NATO And Middle East: The geopolitical context post-9/11, Simultaneously published in the USA and Canada
- Perez, P. and Garau, S. (2013), NATO criteria for intervention in crisis response operation: Legitimacy and Legality, royal Danish defence college
- Samaan, J. (2012), The New Logic of the Syrian Conflict And its Meaning for NATO, Research Division – NATO Defense College, Rome
- Slim, H., & Trombetta, L. (2014), Syria crisis common context analysis. New York: Co-ordinated Accountability and Lessons Learning (CALL) Initiative, IASC Inter-Agency Humanitarian Evaluations Steering Group
- Square, J. (2012), Syria: Prospects for Intervention, Chatham House Meeting Summary
- Stefan, H. (2012), Explain Humanitarian Intervention In Libya and No-Intervention In Syria. Supervisor: Mohammed Hafez, University of the German Armed Forces Hamburg: 92
- Thompson, K. (2005), Political Realism and the Crisis: An American Approach to Foreign Policy, Princeton University Press
- Trump, Donald (2017) 'Trump worries Nato with 'obsolete' comment', <https://www.bbc.com/news/world-us-canada-38635181>
- Turkmen, F. (2014), From Libya to Syria: The Rise and Fall of Humanitarian Intervention?, Prepared for presentation at the 2014 ACUNS Annual meeting

- Wales Summit Declaration, Issued by the heads of State and Government Participating in the Meeting of the North Atlantic Council in Wales from 4 to 5 September 2014, Available at: http://www.nato.int/cps/en/natohq/official_texts_112964.htm
- Zenco, M. (2011), By Overreaching in Libya, NATO has Left Syria to Fend alone Council Foreign .

Analysis Spatial-temporal patterns of Theft Crime in the City of Semnan

Introduction

Although at the first glance it seems that the study of crime areas is merely a geographical representation of how criminal acts are distributed, but the important point is that in the analysis of crime areas, the first step is to identify and correctly recognize these areas. The next step is to identify the various physical, social, economic, cultural, and even regulatory factors that have contributed to make them as high crime areas. After that, it is possible to fight against these factors and cleanse the physical, social and cultural conditions; Because place and time play a role in the rate of delinquency and motivation for the transition from thought to criminal action. Therefore, if important and effective factors in creating criminal spaces are properly identified and managed, the possibility of many crimes can be reduced. Therefore, identifying and analyzing hotspots provides an opportunity for the police to respond more quickly and effectively to crime, detecting the crime, prosecute and arrest the defendants. In fact, the results obtained through this research can help the police in recognizing the spatial distribution of theft in terms of the type of theft crime, the time and place of its occurrence according to urban land uses in different areas of Semnan would help to make the best decision on dealing with crime based on these studies.

Methodology

The present study is an applied research that has been done with a combination of descriptive, analytical and comparative methods based on data and field based information. For this purpose, first, documentaries, Internet, statistical, etc. resources have been used; Then, the statistical data of the theft crime have been obtained by referring to the headquarter of Semnan city and obtaining from the 110 system (Police phone number in Iran) of this center. Then, the information related to the crime of theft during the investigation in Semnan city is extracted and is plotted as a point with the coordinates of the address registered in the system on the Shape File Map of Semnan; After performing these steps, these crimes have been analyzed using Arc GIS, SPSS and Excel software.

Geographical area of research

The city of Semnan is the province capital, which is located on the northern edge of the Central Desert and on the slopes of the southern Alborz Mountains. This city has an area of 2446 hectares and is located 216 km away from Tehran. The city of Semnan, according to the results of the general population and housing census of 2016, has a population of 185,129 people. In terms of demographic changes, the city of Semnan has had an increasing trend during the six periods after the Iranian revolution. It has had an average annual population growth of over 3%. One of the main reasons for this is migration from neighboring cities and provinces, especially the provinces of Tehran, Mazandaran and Golestan, as well as the issue of industrialization of the city of Semnan. Also, in terms of urban divisions, the city of Semnan is divided into two regions, three districts and forty neighborhoods.

Results and discussion

The distribution of robbery-related crime scene in the city indicates that the crime scene is concentrated in certain parts of the city, such as the central and northeastern parts of the city, as well as the old and worn-out parts of the city has a higher density of occurrence and has in fact taken on a clustered pattern. In addition, the observable trend

is that by moving away from these centers to the outskirts in the northeastern part of the city, theft crimes are scattered and there is no news of their concentration in specific areas. According to the elliptical model, the standard deviation of the average center of robbery is almost the same as the geographical center of Semnan. The standard deviation ellipse of total theft crimes also covers almost the central areas of the city. In fact, this ellipse is mostly almost circular in shape and covers almost most of the downtown area; This indicates that most of the theft crimes have tended to the center and it can be said that the weight of these crimes has caused the ellipse of the standard deviation to the geographical center of the city.

Moreover, the rate of the nearest neighbor index for the crime of theft equals 0.45. Based on this, it can be said that the spatial distribution of the crime of robbery in the city of Semnan follows a completely clustered pattern. Also, the study of the value of z , which is equal to -10.57, confirms the complete clustering of the spatial distribution of points related to the crime of theft in the city of Semnan; Therefore, according to the nearest neighbor index and Z score in relation to the crime of theft, it can be said that these numbers show that certain areas of the city of Semnan are the focus of theft crimes, and in fact theft in the city follows a centralized pattern, and in contrast, the other parts of the city in terms of committing theft crimes are considered clean areas. The temporal analysis of the crime of robbery in the city of Semnan shows that, due to more criminal opportunities provided during the office hours and at the same time with the activities of the people and offices, they have committed more criminal acts. It can be said that with the increase of the presence of the population during different hours, the crimes committed have also increased and its peak is about noon;

Conclusion

According to the findings of this study, it can be concluded that the crime of robbery has occurred more in the central neighborhoods of Semnan and the most important focus of this crime is the old neighborhood of Dej and in other words the area of Semnan market. Existence of appropriate goals and opportunities in these areas, especially in the area of Imam Square to the crossroads of Mazandaran, has led to a high rate of theft in these areas. In terms of time analysis of crimes, based on the findings, we can reach a kind of relationship between office hours and the occurrence of crime, both in terms of months of the year and during the week, so that the incidence of crime from 08:00 to 14:00 has growingly increased. Also, in the matter of months of the year during the last months of the (Iranian) year like February and March, as well as May and June, the incidence of theft has increased significantly compared to other months, and finally among the weekdays, the first two days of the week have the highest incidence of theft. Therefore, with these studies, it can be concluded that the crime of robbery in Semnan, in terms of time, week and month, is completely consistent with the busy times of the city.

key words: Spatial-temporal patterns, Crime Hotspots, Theft, Geographical Information System, Semnan city.

Analysis of Globalization Impact on Villager's Quality of Life case study: Kabood Gonbad rural district villages of Kalat township

Introduction

Every age relies on concepts that capture the public assumption and most recently globalization as one of these concepts; it has emerged in our era. (Pour Ahmad and Rostami,1384:3). Undoubtedly, globalization has created an undeniable relationship among national, local and international levels (Najarzadeh,1391:2). One of the major points that is always notable in globalization is the impact of its consequences on local and rural culture. Creating a single global consumer culture, destroying and integrating products and local communities are one of the negative consequences of globalization (Ton Down, 2004: 4) But it must be taken into consideration that the quality of life in rural environment is under the influence of various factors and forces. One of the most important factors and forces is the process of globalization, which embraces the social, economic, political and cultural areas of the villages. So that forming and transforming villager's life to urban and modern life have been affected by this process (Vosoughi et al,1388: 3). One of the factors that causes the villagers to be present and active in different areas of the village is improvement of their quality of life. Improving the quality of life in the village is an opportunity and a benefit for rural planners to prevent social, economic problems, and finally help to improve the living conditions in the villages (adapted from the Khajeh Nouri and Moqadasi, 1387:3).

Methodology

The methodology of this study is descriptive-analytical. Information related to the research background and generalities of the subject has provided through documentaries and searching on web. Environmental information is also field-based and using techniques, questionnaires, interviews and visits to sample villages, collected by the statistical population of the study, including all rural groups in the villagers of Kaboud Gonbad village of the city of Kalt. Sample selection from this statistical population is a random form of sampling and 118 people is estimated by using Cochran Formula.

Geographical Area of research

Kalat Nader city of Khorasan Razavi province has an area of about: 3,518 square kilometers, which is bounded on the east and north by Turkmenistan, on the west by the cities of Mashhad and Chenaran and on the south by Sarakhs. This city has been always attracted by nature lovers and tourists, because of having the suitable natural and geographical location, and includes the villages of Hezar Masjed, Kaboud Gonbad, Pasakuh and Zavin, which totally has 140 settlements, about 10 thousand urban residents, and 40 thousand people in districts and villages are inhabited.

Results and discussion

The results of the analysis showed what impacts the global processes have on the villager's quality of life, it could be said that global processes in the villages of Kaboud Gonbad rural district have had significant effects in all dimensions. The greatest impact on social dimension is the change in culture of the villagers with an average of (3.2) and the least impact on this dimension is dedicated to the Smartphone index with an average of (1.47). According to results of this research in economic dimension, the greatest impact is dedicated to imitation of urbanites' lifestyle with an average of 3.27 and least impact is sustainable productive employment with average of 2.3. In the physical-environmental dimension, the index of using transportation has the major influence with an average of (3.14) and the least impact in this dimension is the Commercial Facilities Index with an average of (1.61). The results of the Vickor model show that the dimensions of the Charm village in the economic dimension by ranking A has had highest influence in this dimension among other villages, Garou village with a rank of A in both social and environmental-physical dimensions is most affected by these conditions. All the indicators were examined by Vikor test and village of Garou is the most affected village with ranking number 1 based on globalization impacts. Studies show that in the examined villages, the changes trend is towards increasing the demand for consumer goods, so that the decorative necessity of living items is more than their functional necessity. Thus global processes with increasing expansion in the country itself can have both negative and positive effects, but as the villages are more vulnerable than cities, they are affected differently by global processes, which include most of its negative effects, and ultimately it will lead to migration.

Conclusion

The results of the study show that the main weakness of the country's villages is that the effects of globalization on all quality of life indicators are not observed, but the main effects are on the culture and the tendency to consumerism in villagers. On the other hand, the effects on entrepreneurship indicators, job creation, etc. that lead to dynamism and lack of migration in rural areas are not observed. Changing in attitudes towards globalization and its role in improving the quality of life by considering the approach of "globalization and development" instead of the "globalization approach to development", is the beginning of a software transformation in this sector that can play a great role in reducing the challenges facing rural communities in the process of globalization. Hence planners must decide to act in such a way that the positive effects of global processes spread day by day in our villages and increase rural income, entrepreneurship, employment, etc., which cause population stability and prevent migration, thus it causes the villagers' quality of life to improve.

Keywords: Globalization, quality of life, rural development, rural change

Analysis of viability condition in mass residential complexes, (case study: Bahar neighborhood in Isfahan city)

Introduction

In Third World countries, the wave of urbanization, Rural migration to cities, the high rate of urban growth and the consequent lack of housing are among the factors that have led them to move towards mass construction, and now this approach is significant for them.

The term livability is increasingly used to describe conditions that are directly related to quality of life and are also important for the long-term welfare of people and communities. The decline of living conditions in dense areas and high-rise buildings is one of the realities of big cities, which has created problems and special needs, so that an important part of the city managers' activities is dedicated to improve conditions and adopt appropriate strategies in order to enhance living conditions in these areas. Such issues will face a decrease in living conditions day by day, due to physical exhaustion, lack of proper access of transportation, services and urban infrastructure was vulnerable, its spatial environmental and economic value decreases.

The urbanization of cities will reduce the viability in future. After forty-seven years, Bahar neighborhood of Isfahan has faced a decrease in living conditions despite the good economic situation in Isfahan, no one is looking to invest in this neighborhood, Therefore, the present study aims to analyze the livability conditions of mass residential complexes in order to introduce areas with declining living conditions.

Methodology

This research is a descriptive-analytical study. It describes the characteristics of livability in Bahar neighborhood and analyzes its situation. Field studies have been used to collect data; a questionnaire was distributed among 135 people in the statistical population and the available data were analyzed using descriptive statistics (Percentage of frequency and average) and inferential statistics (one sample T test).

Geographical area of research

District 6 is one of the 15 districts of Isfahan Municipality located in the southeast of the city, which includes 12 official neighborhoods, and Bahar neighborhood is located in the western part of district 6 Which is adjacent to Hezar Jarib neighborhood from the east, to the Sepah military area from the south, to Imam neighborhood and from the west, to the University of Isfahan area.

Result and discussion

Based on the findings, it can be said that in the statistical population, the viability condition is as follows:

- Inadequate condition of the spatial- activity structure of residential activity.
- Appropriate status of the spatial- activity structure of public welfare institutions.
- Fairly suitable condition of the spatial- activity structure of service manufacturing companies.
- Fairly suitable condition of spatial- activity structure of the adapted ducts.
- Improper condition of the decision-making structure.

Conclusion

The most important issues in this neighborhood in order to plan the improvement of viability of mass residential complexes are the spatial-activity structure of residential and decision making structure. In relation to the spatial-activity structure of residential, the existence of worn out and low-durability buildings with very high antiquity and low safety, lack of investment by residents in the field of housing and lack of investment in housing in the neighborhood, non-participation of residents in renovating residential units and low economic potential of residents and regarding the decision-making structure of residents' lack of trust in the municipality, the lack of municipal cooperation in the development of the neighborhood, the difficulty of obtaining a construction permit by residents are the most important issues for planning to improve the livability of mass residential complex.

Therefore, the most important suggestions of this research are:

- Review of the approved area of Isfahan and annex the Bahar neighborhood as a worn-out area to be granted its privileges.
- Providing investment opportunities for the private sector to participate in improving the viability of this area.
- Providing the necessary mechanisms and conditions, including the granting of concessions to this area by the public sector to facilitate the improvement of livability of mass residential complexes
- Use of facilitators and trustworthy people in the neighborhood to supply the participation ground for residents in order to improve the livability of the area.
- Generally, strengthening collective decision-making structures to improve the living conditions of Bahar neighborhood.

Keyword : Livability, mass housing, Bahar neighborhood, Isfahan city.

Investigating the factors affecting urban competitiveness in historical fabric Case study: Historical fabric of Amol

Introduction

The emergence of the globalization phenomenon as a new and pervasive concept became widespread in the late twentieth century. The formation of new relations between countries in the modern era and the new role of cities in the field of global relations have forced cities to compete with each other. Urban management can also play an increasing role in marketing with an endogenous approach in an effort to attract domestic investment. With the emergence of various sectors of the new global economy such as financial services, competition in attracting international institutions to settle in cities or competition on the world stage such as sporting events and trade fairs, provide promising results and economic effects. Today, urban competitiveness is the main challenge for city managers in achieving a decent position for cities. On a smaller scale, these areas will be far more efficient in cities with valuable historical fabric and high potential. To this end, identifying the key components of promoting urban competitiveness, especially when it is rooted in the historical and cultural fabric of cities, is the most fundamental factor in developing and increasing the quality of life. This study generally seeks to answer the question of what are the tools and factors affecting urban competitiveness and the course of urban competitiveness in the historical fabric of Amol city in particular.

Methodology

The present study in terms of purpose is applied based on a descriptive-analytical method. For this purpose, in the cognition section, the documentaries and also the study of superior designs such as the comprehensive and detailed plan of Amol city and the special plan of the old fabric of Amol have been used. The field based method for deeper understanding of the current situation, observation and imaging tools have been used to collect the required data. GIS software has also been used to display the findings more clearly and to gain a better spatial understanding. In order to understand the strategies to promote urban competitiveness, first, the prerequisites for achieving urban competitiveness in the old fabric of Amol city resulting from the existing world literature were identified, then the factors affecting urban competitiveness along with key elements of its realization have been identified and finally, based on the tools of urban competitiveness, the strategies to promote urban competitiveness in this fabric have been explained in accordance with its specific characteristics.

Geographical area of research

The geographical scope of this research includes the city of Amol and its historical fabric. The city of Amol is physically divided into three types of internal fabric (historical fabric), outer and middle fabric. The old part of Amol city includes 13 old neighborhoods and the substratum of the city is based on the connection between the neighborhood centers and downtown through the passages and the bazaar. Any of neighborhoods has a prominent feature which can be mentioned as a capable element to improve the local economy.

Results and Discussion

The research findings in the field of identifying and explaining the position of elements and components affecting the promotion of urban competitiveness in the historical fabric show that by referring to different theoretical texts in the field of urban competitiveness, chronological competitiveness can be used as a city development

strategy when urban planners and decision makers use urban competitiveness tools such as "City marketing", "City branding", "Urban Tourism" and "Urban Entrepreneurship" as macro strategies in the city development plans. Urban marketing tools by attracting a variety of special events and urban branding by creating memorable experiences of a city and urban tourism by creating an invisible export platform for cities and their specific contexts as well as urban entrepreneurship by implementation creative ideas and designs can ensure the attraction of tourists, visitors, investors, etc. Therefore, the above tools play an important role in promoting urban competitiveness.

Conclusion

The city can be considered as an open system based on its specifications and products. All factors are embedded in an integrated and dynamic system, where each factor reinforces the other. Once the most important factors in improving the competitiveness of the city have been identified, it will be possible to try to differentiate the factors that affect this competitiveness, so urban competitiveness can be the ability to take advantage of currents and talents as well as creating activity with a high value-added in order to improve the competitive position in a particular region, while creating competition among other cities and regions in attracting investors and the creative class in a region in order to improve living standards and living conditions through the management of internal and external factors. The competitiveness of a city depends on a set of factors, including the governance process, social and economic infrastructure, the quality of human capital and the natural environment, the business environment, and the capabilities of local institutions. Understanding the factors affecting the improvement of cities' competitiveness in national and international markets is helpful in identifying their current position in order to anticipate possible perspectives for targeted urban development policy. The results show that the key elements of urban competitiveness in the historical fabric of Amol, in the fields of interaction, culture and traditions of local people are human factors affecting urban competitiveness, the old fabric of Amol has many capacities and potentials such as; The possibility of holding religious ceremonies due to the presence of the tomb of Nasser al-Haq and Imam zadeh Ibrahim in order to attract special events and the development of urban marketing due to the combination and variety of existing, complementary activities, the existence of historical and cultural elements to develop urban tourism. In the field of innovation, creativity and local potentials, the old fabric of Amol has capabilities such as having cultural and local industries as well as having rich traditional and local music that can be considered for the development of urban entrepreneurship and City branding, respectively. According to what has been said, the old fabric of Amol has the necessary and effective bases for urban competitiveness in the city, district and even the province.

Keywords: Urban Competitiveness, Historical context, Amol.

Contradiction of NATO security strategies in the Middle East (comparative study of the Libyan and Syrian crises)

Introduction

The North Atlantic Treaty Organization (NATO) was formed on April 4, 1949, based on the concept of collective security, aiming to confront the Soviets.

With the collapse of the Soviet Union in 1991 and the subsequent disappearance of the threat of communism, NATO became embroiled in an identity crisis.

NATO members sought to define a new perspective for the organization with a broad understanding of the concept of security, especially cooperative security. This new vision was defined in terms of missions such as the fight against terrorism and fundamentalism, the establishment of stability and security, and most importantly, humanitarian intervention. The NATO military intervention in Kosovo (1999), the deployment of troops to Afghanistan, and the military intervention in Libya (2011) were in line with this new perspective. Following the March 2011 protests in Syrian cities, NATO, concerned about developments in Syria, issued a statement condemning insecurity in the country and calling for a transfer of power, in accordance with the 2012 Geneva Declaration.

NATO members sought to pass a resolution similar to the Libyan one in Syria so that they could launch a military attack on that country, but Russia and China prevented this. The main question of the article is why NATO had a different strategy in the Libyan and Syrian crises? In other words, why is NATO entering the phase of a military attack on Libya, but in the Syrian crisis it is enough to issue a few statements, make some recommendations and play a limited role.

Methodology

In this research, the interpretive method has been used. This method is common in qualitative research. At the same time, we have tried to study the contradiction of NATO security strategies in the Middle East from two different perspectives, namely, NATO Strategies in the Libyan Crisis and NATO Strategies in the Syrian Crisis by studying and inferring from existing texts.

The data collection tool in this study is documentary analysis and all its texts and statistical population are researches in the field of NATO security strategies in the Middle East. The sample size is also domestic resources and prominent foreign researches (available) that have been reviewed and analyzed.

The "thematic analysis" method has also been used to organize information and answer questions. In thematic analysis, the researcher's task is to identify a limited number of topics that reflect textual information.

Geographical scope of research

The geographical scope of this study is the Middle East region with a focus on Syria and Libya, as well as countries, institutions and international organizations affecting the crises of these two countries.

Findings and Discussion

Variables influencing NATO's different approach to the Libyan and Syrian crises are:
1. At the international level, the consensus / non-consensus of the great powers has been

the main and influential variable. Consensus among Security Council members led to the adoption of the first resolution on 26 February 2011 against Libya. The adoption of this resolution showed the consensus of the great powers regarding the humanitarian intervention in Libya, but with the start of the Syrian crisis and the occurrence of human rights violations, the permanent members of the Security Council could not adopt a resolution against Syria because Russia and China vetoed a resolution on the Syrian crisis. The gap between the major powers and some political, security and economic considerations between Russia and China have led NATO to play a passive role in the Syrian crisis.

2. The regional level has also influenced NATO's role in Libya and Syria. The active role of the Arab League in the Libyan crisis and the passive role of this league in the Syrian crisis on the one hand and Syria's regional allies (Iran, Lebanon, etc.) on the other hand, has led to regional influence on NATO's dual role in the Libyan crisis and Syria.

3. At the domestic level, it should be noted that the internal situation in Libya facilitated NATO military intervention in Libya.

But the internal situation in Syria is very different from that in Libya, so that NATO's humanitarian intervention in Syria is limited. Comparing the military capabilities of Libya and Syria, we find that the weakness of the Libyan military structure is one of the most important factors in NATO military intervention, and in contrast, the military dangers of NATO humanitarian intervention in Syria are much greater. In comparing the Libyan and Syrian oppositions, the degree of convergence between the Libyan opposition was increasing, but the situation of the Syrian opposition forces is very fragile and heterogeneous. The organized opposition force has acted as a key factor in the Libyan crisis. The Libyan and Syrian governments have also reacted differently to the internal protests. Bashar al-Assad did not react sharply to the opposition. Bashar al-Assad told the Syrian parliament that security forces had been ordered not to harm civilians during the protests. Gaddafi's sharp reaction to the opposition led to a global consensus against Libya.

Many international organizations condemned the crimes of the Gaddafi regime, thus paving the way for NATO intervention in Libya. Despite human rights abuses in Syria, the Syrian government called for reform alongside repression. Syria's response to the internal protests has led to a lack of global consensus on NATO's humanitarian military intervention in Syria.

Conclusion

The strategy of military intervention in Libya (2011) and the strategy of non-intervention in Syria not only reflect practical contradictions in security strategies, but also reflect normative contradictions in NATO security approaches.

NATO argued that the Gaddafi government had used illegal tools to suppress the people, and that NATO therefore had a duty to counter this approach. But in relation to the Syrian crisis, the situation was completely different.

On the one hand, Russia acted more boldly in the face of the Syrian crisis because it had learned a lesson from NATO's unilateral action in Libya. On the other hand, regional actors such as the Islamic Republic of Iran tried to strengthen the internal power of the allied countries by creating security in the region and preventing the advancement of unilateral strategies of trans-regional actors.

At the same time, NATO's vision of establishing security and political stability in Libya did not materialize, and the possibility of resorting to the responsibility of protection was effectively eliminated. Therefore, in response to the main question of the article, the factors affecting NATO's behavioral duality in the Libyan and Syrian crises were examined at three levels: the approach of the great powers, the role of regional actors and the internal situation of the target countries.

The first and the most important structural obstacle to the duality of NATO operations in Libya and Syria has been the existence of a conflict between the interests of the great powers. The relative consensus between the effective powers led to the intervention in Libya and the resistance of Russia, especially in the Security Council, led to the passive role of this organization in the Syrian crisis.

The second structural barrier is the role of regional actors. Not only did Libya have no allies in the region, but the active role of the Arab League facilitated NATO humanitarian intervention in Libya. But Iran's active role as a strategic ally in the Syrian crisis and the Arab League's passive role in dealing with the Syrian crisis led to NATO's passive approach in Syria.

The third structural obstacle is the different military capabilities of Libya and Syria. The weakness of Libya's military structure was one of the key factors in NATO's success. But Syria has had relatively higher military capabilities.

Keywords :NATO, the Middle East, the Libyan crisis, the Syrian crisis, humanitarian intervention.

Journal of Geography and Spatial Systems

Publication fields:	Geographical sciences
Volum:	First year, fourth number, winter 2020
Publisher:	Vian Publishing Institute
Managing Director:	Soleiman Zeinali
Editor – in- chief:	Dr. Hossein Hatami Nejad
Executive Affairs:	Mostafa Haraeeni
Journal Expert:	Marziyeh Hazrati
English Editor:	Yasaman Hatami Nejad
Book Counts and price:	220 copies, 59000 Tomans

Editorial Board:

- Dr. Keramatollah Ziari: Faculty member of Tehran University
- Dr. Ahmad Pourahmad: Faculty member of Tehran University
- Dr. Abolfazl Meshkini: Faculty member of Tarbiat Modares University.
- Dr. Jamlieh Tavakolinia: Faculty member of Shahid Beheshti University
- Dr. Hossein Hataminejad: Faculty member of the University of Tehran.
- Dr. Zohreh Fanni: Faculty member of Shahid Beheshti University.
- Dr. Issa Ebrahimzadeh: Faculty member of Sistan and Baluchestan University
- Dr. Jafar Mirkatoli: Faculty member of Golestan University.
- Dr. Mohammad Soleimani Mehranjani: Kharazmi University faculty member
- Dr. Mohammad Rahim Rahnama: Faculty member of Ferdowsi University of Mashhad



آدرس: تهران - میدان انقلاب اسلامی - کوچه آبرو - پلاک ۲ - طبقه ۳ - واحد ۴۴،

تارنمای فصلنامه: JGSS.IR

ایمیل نشریه: journaljgss@gmail.com